



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

را توشه
فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مبلغان
تابستان ۱۴۰۳ - محرم الحرام ۱۴۴۶ - شماره جدیدم

صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
مدیر مسؤول:	سعید روستا آزاد
سر دبیر:	مصطفی آزادیان
کارشناس اجرایی:	اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید محمد اکبریان	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عبدالکریم پاک نیا تبریزی	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی خادمی	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی محمدی	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سعید روستا آزاد	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میرتقی قادری	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ویراستار:	مرتضی غلامی
صفحه آرا:	اکبر اسماعیل پور
مسؤول چاپ و نشر:	سید محمود کریمی

قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا

کد پستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷

<http://rahtoosheh.dte.ir>

tabligh@dte.ir

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

آدرس:

تلفن:

پایگاه اینترنتی:

پست الکترونیک:

شمارگان:

قیمت:



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کج بگذارد می گویند: «روحانین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جوری اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۳۶۴/۲/۱۶

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالیکه از مذمت شهوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱۳۸۴/۱۱/۵

فهرست مطالب

- سخن نخست ۵
- توحیدباوری اصحاب امام حسین علیه السلام ۹
حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی
- نقش قیام امام حسین علیه السلام در ایجاد تمدن نوین اسلامی ۲۱
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی
- وجوه تشابه جنگ شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ۳۱
حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی و حجت الاسلام والمسلمین علی نصرتی
- عاشوراییان: پاسداران حیا، عفاف و حجاب ۴۳
حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا
- عاشورا تجلی وحدت موحدان عالم و نفی نژادپرستی ۵۳
فرج الله میرعرب
- توصیف مرگ و زندگی پس از آن در کلمات امام حسین علیه السلام ۶۵
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی شجریان
- پای‌بندی به اصول انسانی و اخلاقی در قیام عاشورا ۷۷
حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا
- تبیین عفو و گذشت در نهضت امام حسین علیه السلام ۸۹
دکتر مرضیه قنبری
- ماندگاری فرهنگ عاشورا در فرهنگ مقاومت ۹۹
حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده
- امام حسین علیه السلام الگوی رفتاری با خانواده ۱۰۷
حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر

بسترسازی و روش شناسی شبهات عاشورا و روش پاسخگویی به آنها ۱۱۹

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی

راهکارهای فرهنگی ترویج حجاب ۱۳۱

دکتر اسماعیل آقابابائی بنی

وعده صادق و استیصال رژیم صهیونیستی ۱۴۳

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی

چگونه روضه بخوانیم: از طراحی تا اجرای مرثیه ۱۵۵

حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا نیکوکلام

سخن نخست

ماه محرم، ماه معرفت و دلداگی به سالار شهیدان است. شیعیان حقیقت عزاداری را معرفت‌افزایی و تغییر رفتار بر اساس اندیشه، منش و رفتارهای امام حسین علیه السلام می‌دانند. اگرچه الگوپذیری از سبک زندگی حسینی تنها در دهه محرم سال ۶۱ هجری قمری خلاصه نمی‌شود، اما مطمئناً عاشورا، اوج تجلی ابعاد شخصیتی و رفتاری سیدالشهدا به شمار می‌رود. امام خمینی رحمته الله علیه در خصوص الگوگیری از سیدالشهدا فرمود: «حضرت سیدالشهدا به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائر چه باید کرد».^۱

امام حسین علیه السلام هدف قیام خود را مقابله با ظلم و انحراف، مقابله با بدعت‌های بنی‌امیه و در یکی کلمه هدایت و راهبری مسلمانان به صراط مستقیم و راه رشد و سعادت معرفی کرده است:

إِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ فَإِنْ تُجِيبُوا دَعْوَتِي وَ تُطِيعُوا
أَمْرِي أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛^۲

من شما را به سوی خدا و رسول دعوت می‌نمایم، زیرا سنت پیغمبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از بین رفته، اگر شما دعوت مرا بپذیرید و امر مرا اطاعت کنید من شما را به راه هدایت راهنمایی می‌کنم.

حضرت در جای دیگر فرمود:

... وَلَكِنْ لِنُرْدِّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأَعْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ

۱. سید روح‌الله موسوی خمینی، قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۵۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۳۹.

عِبَادِكُمْ وَ يُعْمَلُ بِفَرَائِضِكُمْ وَ سُنَنِكُمْ وَ أَحْكَامِكُمْ؛^۱

بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان باشند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد.

برای ایجاد اصلاح در جامعه اسلامی باید همه مظاهر فساد و تباهی را از بین برد، دزدی، خیانت، وابستگی به اجانب و بیگانگان، زورگویی، انحراف‌های اخلاقی، انحراف‌های مالی، گرایش به دشمنان دین، علاقه نشان دادن به چیزهای ضدّ دینی فساد است.^۲

در زمان تنظیم نهایی ره‌توشه‌های محرم، خبر شهادت جان‌گداز شاگرد مکتب امام خمینی علیه‌السلام، رئیس‌جمهور مغتنم و عزیز و پُرکار و همراهان ایشان همه ما را داغدار کرد. شهید آیت‌الله رئیسی مرد کار، مرد خدمت، مرد صفا و صداقت بود. به تعبیر مقام معظم رهبری دامت‌برکاته: "یک نصاب جدیدی را آقای رئیسی علیه‌السلام در باب خدمتگزاری به ملت ایجاد کرد." ^۳ معظم له در باره سبک مدیریتی شهید رئیسی فرمود:

سبک مدیریتی او در بین همکاران خودش یک سبک ویژه‌ای بود، با صمیمیت همراه بود؛ با همکارانش، با وزرا، با مدیران دولتی با صفا و صمیمیت رفتار می‌کرد. برای مردم، کرامت قائل بود، عزّت قائل بود؛ به مردم، به جوان‌ها برای اظهار نظر میدان می‌داد؛ حرمت مردم را نگه می‌داشت. به جوان‌ها اعتماد می‌کرد، جوان‌ها را تکریم می‌کرد. به کسانی که به خود او بدی کرده بودند، با کرامت برخورد می‌کرد؛ به کسانی که حتّی به او اهانت کرده بودند، پاسخ تند، پاسخ زشت، پاسخ عصبی نمی‌داد. متقابلاً در مرزبندی با دشمنان انقلاب صراحت داشت؛ در مورد کسانی که با انقلاب بد بودند، مخالف بودند، دشمن بودند، دوپهلو صحبت نمی‌کرد؛ صریح صحبت می‌کرد، مرزبندی صریح داشت؛ به لبخند دشمن اعتماد نمی‌کرد. اینها ارزش است، اینها درس است؛ هر کدام از اینها برای سیاستمداران ما، برای رؤسای جمهور آینده‌ی ما، برای کسانی که در یک بخشی مورد اعتماد ملت قرار می‌گیرند، یک سرمشق است.^۴

خداوند را سپاس می‌گوییم که توفیق عنایت فرمود ره‌توشه‌های تبلیغی ماه محرم را در قالب‌های

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۶۸.

۲. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=4107>

۳. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=56612>

۴. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=56612>

ذیل آماده و در اختیار مبلغان ارجمند قرار دهیم:

● **فصلنامه ره توشه؛** این فصلنامه شامل چهارده مقاله و متناسب با نیازهای روز جامعه

تألیف شده است. عناوین مقالات ره توشه عبارتند از:

توحیدباوری اصحاب امام حسین علیه السلام؛ نقش قیام امام حسین علیه السلام در ایجاد تمدن نوین اسلامی؛ وجوه تشابه جنگ شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی؛ عاشوراییان: پاسداران حیا، عفاف و حجاب؛ عاشورا تجلی وحدت موحدان عالم و نفی نژادپرستی؛ توصیف مرگ و زندگی پس از آن در کلمات امام حسین علیه السلام؛ پایبندی به اصول انسانی و اخلاقی در قیام عاشورا؛ تبیین عفو و گذشت در نهضت امام حسین علیه السلام؛ ماندگاری فرهنگ عاشورا در فرهنگ مقاومت؛ امام حسین علیه السلام الگوی رفتاری با خانواده؛ بسترسازی و روش شناسی شبهات عاشورا و روش پاسخگویی به آنها؛ راهکارهای فرهنگی ترویج حجاب؛ وعده صادق و استیصال رژیم صهیونیستی؛ چگونه روضه بخوانیم: از طراحی تا اجرای مرثیه.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه ره توشه می توانید به نشانی: <http://rahtoosheh.dte.ir>

مراجعه کنید.

● **فصلنامه تبلیغ و خانواده؛** این فصلنامه برای همه مبلغان، به ویژه مبلغان محترمی که در

عرصه خانواده تبلیغ می کنند، مفید و ثمربخش خواهد بود. مقالات این فصلنامه عبارتند از: راه های اعتمادافزایی در خانواده؛ بایستگی سوادآموزی رسانه در خانواده؛ گونه های تربیت فرزند؛ چرخه حیات خانواده، چالش ها و راه های برون رفت؛ روش های تقویت فرهنگ مقاومت در خانواده؛ آسیب شناسی محتوایی بازی های موبایلی بر باورهای کودکان؛ جایگاه خانواده در تقویت باورهای دینی؛ استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت هوشمند مسائل خانواده؛ مدیریت بحران خانواده با الگوی مدیریتی حضرت زینب علیها السلام؛ آسیب شناسی محتوایی پویانمایی ها بر هویت دینی کودکان.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و خانواده به نشانی: <http://jpf.dte.ir> مراجعه شود.

● **فصلنامه تبلیغ و تقریب؛** رویکرد فصلنامه تبلیغ و تقریب، مباحث مقایسه ای و تقریبی

است، به همین جهت برای همه مبلغان، به ویژه کسانی که در مناطق مشترک شیعه و سنی به امر مقدس تبلیغ اشتغال دارند، تألیف شده است. مقالات این فصلنامه عبارتند از:

امام حسین علیه السلام در نگاه اهل سنت؛ بدعت نبودن عزاداری برای امام حسین علیه السلام در مذهب

اهل سنت، با استناد به سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در اشعار شاعران شافعی مذهب؛ امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام در منابع اهل سنت؛ بررسی دیدگاه علمای فریقین در تعیین حدود پوشش و اشتغال زنان؛ عوامل مقاومت از منظر امامین انقلاب؛ جایگاه امنیت در قرآن و روایات فریقین؛ بایستگی همگرایی جهان اسلام در برابر سیاست خصمانه اسرائیل و عوامل وحدت و اختلاف در گفتار و سیره امام علی عَلَيْهِ السَّلَام.

برای مشاهده و دریافت فصلنامه تبلیغ و تقریب به نشانی: <http://jpp.dte.ir> مراجعه شود.

● **ره‌توشه پیوستی؛** در کنار سه فصلنامه فوق، "ره‌توشه پیوستی" قرار دارد. این ره‌توشه شامل مجموعه‌ای از مقالات مهم و مناسبی است که در سال‌های گذشته در فصلنامه ره‌توشه به چاپ رسیده و همچنان قابل استفاده است. ره‌توشه پیوستی در پایگاه خبری بلاغ به نشانی <https://www.balagh.ir> در دسترس است.

انتظار می‌رود مبلغان گرامی با مطالعه و استفاده از مطالب این ره‌توشه‌ها، ما را از پیشنهادات و انتقادات سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند.

در پایان لازم می‌دانم از پژوهشگران و نویسندگان عزیز و همه کسانی که در تولید و عرضه این مجموعه ارزشمند تلاش کردند، به ویژه حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تقدیر و تشکر کنم و موفقیت و خوشبختی آنان را از خداوند متعال مسئلت نمایم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

توحیدباوری اصحاب امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی*

اشاره

از جمله خطبه‌های امیر مؤمنان علیه السلام که در نهج البلاغه آورده نشده است، خطبه‌ای توحیدی است که کلینی در کتاب شریف کافی ذکر کرده است. ایشان غالباً به نقل اصل روایات بسنده می‌کند و جز مواردی انگشت‌شمار، به توضیح شخصی خود نمی‌پردازد؛ با این وجود پس از نقل خطبه مذکور می‌نویسد: «این خطبه، از خطبه‌های مشهور آن حضرت است و میان عامه مردم مشهور است و برای کسی که دنبال علم توحید باشد، اگر در آن بیندیشد و آن را بفهمد، کافی است. آری، اگر تمام جن و انس - جز پیغمبران - هم‌زبان شوند که توحید را مانند آنچه آن حضرت - پدر و مادرم فدایش - فرموده بیان کنند، از عهده‌اش بر نمی‌آیند. و اگر بیان آن حضرت علیه السلام نبود، مردم نمی‌دانستند چگونه در راه توحید قدم بردارند»^۱.

شاید خواننده گرامی تصور کند چنین خطبه‌ای، در فضایی روحانی همچون شب قدر یا شب جمعه یا نماز جمعه ایراد شده است؛ اما به تصریح امام صادق علیه السلام که راوی اصلی این خطبه هستند، سخنان توحیدی امیر مؤمنان علیه السلام، در فضایی جنگی و پیش از شروع پیکار با معاویه در صفین ایراد شده است.^۲

دامنه تأثیرگذاری توحید و خداباوری، همه ابعاد زندگی بشر را دربر می‌گیرد و اختصاص به زاویه‌ای خاص از حیات انسانی ندارد. جنگ‌ها و پیکارهای رخ داده در تاریخ، شاهدی جدی بر

* نویسنده و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۳۶.

۲. همان، ص ۱۳۴.

«نقش پررنگ خداباوری در سعادت انسان» است.

عاشورا و کربلا نمونه دیگری از صفحات تاریخ است که می‌تواند نقش «خداباوری» در سعادت را از یک سو و نقش «ضعف در خداباوری» در شقاوت را از سوی دیگر مجسم کند. افزون بر سخنان امام حسین علیه السلام در معرفی اصحاب خود، سرگذشت و سخنان آنان نیز نشان می‌دهد توحیدباوری، رکن رکن سعادت آنان بوده است. این نوشتار در پی بیان دو مطلب است: سخنان امام حسین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام درباره توحیدباوری اصحاب، سخنان و رفتارهای توحیدی یاران حسینی.

توحیدباوری اصحاب در کلام حجج الهی

آثار برجای مانده از امام حسین علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام، گواه آن است که نگاه توحیدی یاران حسینی به واقعه کربلا، از مهم‌ترین امتیازات ایشان به شمار می‌آید.

۱. امام حسین علیه السلام در واپسین لحظات عمر شریف‌شان و پس از شهادت همه اصحاب، برای اتمام حجت با حاضران در میدان نبرد، استغاثه‌ای جانسوز نمودند که صدای شیون اهل حرم را در پی داشت؛ از جمله فرمودند: «هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟^۱ آیا خداشناسی هست که درباره ما از خدا بترسد؟». این ندای جانسوز، گواه روشنی است که شهیدان در رکاب ایشان، با نگاه توحیدی در کنار حجت الهی ایستادند و شربت شهادت را نوشیدند.

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام، سیدالشهدا علیه السلام در همان روز عاشورا خطاب به اصحاب، درباره رضایت و اذن خداوند درباره شهادت خود و آنان فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أُذِنَ فِي قَتْلِكُمْ يَا قَوْمَ فَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا؛^۲ گواهی می‌دهم که اجازه کشته شدن شما داده شده است؛ پس از خدا پروا کنید و صبر نمایید».

امام علیه السلام با این سخن، افزون بر اینکه بر نگاه توحیدی خود به شهادت تأکید مجدد می‌کند، به توحیدباوری یاران خود نیز مهر تأیید می‌زند و در پی تقویت آن برمی‌آید و به آنان گوشزد می‌کند تقدیر حکیمانه خداوند بر شهادت همه ماست و باید در برابر این مصیبت شکیبا باشیم. مؤلف إثبات الوصیة پس از نقل فرمایش پیش‌گفته از سیدالشهدا علیه السلام، چنین می‌نویسد: نقل

۱. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۱۱۶.

۲. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۷۳.

شده است مجاهدان راه خدا در طول تاریخ هزار نفر بودند و قوام دین خدا با اینان بود:

- ۳۱۳ تن اصحاب طالوت؛

- ۳۱۳ تن اصحاب بدر؛

- ۳۱۳ تن اصحاب امام عصر علیه السلام؛

- ۶۱ نفر دیگر نیز اصحاب سید الشهداء علیه السلام بوده اند.^۱

گفتنی است عدد فوق با حساب نکردن شهدای بنی هاشم، مقرون به صحت است.

۳. به گواهی تاریخ، سالار شهیدان علیه السلام افزون بر هنگام روانه کردن هر کدام از اصحاب خود به میدان جنگ،^۲ زمانی که بر بالین مسلم بن عوسجه حاضر شدند^۳ و نیز هنگام دریافت خبر شهادت قیس بن مسهر صیداوی،^۴ این آیه را تلاوت نمودند: «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدُّلاً».^۵

۴. در نخستین فراز از زیارت نامه شهدای کربلا که توسط امام صادق علیه السلام صادر شده است،

چنین می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُونَ...».^۶

همچنین زیارت نامه کوتاهی که برای شب های عید فطر و عید قربان نقل شده است، با این

عبارت آغاز می شود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّائِرُونَ عَنْ تَوْحِيدِ اللَّهِ...».^۷

امام صادق علیه السلام برترین ویژگی یاران حسینی را «الهی بودن» آنان دانستند و به زائران گوشزد می کنند به این صفت برتر ایشان توجه ویژه داشته باشند. در عبارت بعدی نیز به این حقیقت اعتراف می کنیم که اگر امروز توفیق زندگی موحدانه نصیب مان شده است، به برکت جان فشانان آنهاست.

۱. علی بن حسین مسعودی، إثبات الوصیة، ص ۱۶۶.

۲. وَ كَانَ كُلُّ مَنْ أَرَادَ الْخُرُوجَ وَ دَعَى الْحُسَيْنَ وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَيَجِيبُهُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَ نَحْنُ خَلَقْنَا وَ بَقَرًا: [مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ] فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ (ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۰۰).

۳. محمد بن محمد مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۵.

۵. احزاب: ۲۳.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۷۴.

۷. محمد بن جعفر بن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۴۲۵.

گفتنی است امام علیه السلام پس از به کار بردن واژه «ربانیون» درباره شهیدان عاشورا، به آیه ۱۴۶ «آل عمران» تمسک کردند که در توصیف رزمندگان جنگ احد نازل شده است: «وَكَايُنُ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ». علامه طباطبایی می فرماید: «رِبِّيُونَ جمع رِبِّي، مانند ربانی و به معنای کسانی است که مختص به پروردگارشان بوده و خود را به غیر او مشغول نمی کنند».^۱

توحیدی بودن یاران امام حسین علیه السلام، مدال‌های توحیدی متعددی را در زیارت‌نامه‌هایشان به ثبت رسانید: «أولياء الله؛ أحياء الله؛ أضياف الله؛ أوداء الله»؛

أنصار دين الله: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ أَجْبَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَضْفِيَاءَ اللَّهِ وَ أَوْدَاءَهُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ».^۲

أنصار الله: «... أَشْهَدُ أَنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ...».^۳

خاصة الله: «أَنْتُمْ خَاصَّةُ اللَّهِ اخْتَصَّكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ».^۴

خيرة الله: «أَنْتُمْ خَيْرَةُ اللَّهِ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ».^۵

سخنان و رفتارهای توحیدی اصحاب

نگاهی به سخنان ثرگونه و نظم‌گونه شهیدان راه حسین علیه السلام، به روشنی نشان از «خداباوری» در اعماق وجود آنان دارد؛ همان‌گونه که رفتارهای ایشان، گواه صادقی بر محوریت «الله» در تصمیم‌گیری‌ها و کردارهای این اولیای راستین الهی است.

۱. مسلم بن عقیل و خودداری از ترور

در ماجرای معروف خودداری نخستین شهید واقعه کربلا - جناب مسلم بن عقیل - از ترور عیبدالله، نکته ظریفی وجود دارد که شریک بن أعور نه تنها این پیشنهاد را به مسلم داد، بلکه وقتی دید مسلم از مخفیگاه بیرون نمی‌آید و نقشه قتل را اجرا نمی‌کند، چند تأکید از خود نشان

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱.

۲. محمد بن حسن طوسی، مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۷۲۲.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۷۴.

۴. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۴۲.

۵. علی بن موسی ابن طاووس، إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۱۴.

داد تا شاید مسلم اقدام به کشتن عبیدالله نماید:

- چند مرتبه عمامه خود را به زمین گذاشت و دوباره به سر نهاد تا بلکه مسلم متوجه اصرار وی بر کشتن عبیدالله شود و کار را تمام کند.^۱

- سپس با خواندن اشعاری، سعی در ترغیب مسلم برای اجرای طرح کرد:
مَا تَنْظُرُونَ بِسَلْمَى لَا تُحْيِيهَا إِسْقُونِيهَا وَإِنْ كَانَتْ بِهَا نَفْسِي
در انتظار چه هستید که به سلمی (محبوب فرضی) درود نمی فرستید/ آبم دهید و سیرابم کنید، گرچه در آن جرعه آب، جانم برود.

سپس مصرع دوم را دو سه بار تکرار کرد: آبم دهید، گرچه به مرگم کشیده شود.^۲
حرکات و سخنان غیرعادی شریک، مهران غلام عبیدالله را مشکوک کرد که توطئه‌ای در کار است؛ از این رو با اشاره از او خواست که زودتر از خانه هانی خارج شود.^۳

پس از رفتن عبیدالله، شریک که از اجرانشدن طرح به شدت ناراحت شده بود، علت را از مسلم جویا شد؛ مسلم در پاسخ دو علت را مطرح کرد: اول: راضی نبودن هانی به اینکه عبیدالله در خانه او کشته شود؛ دوم: حدیثی از رسول خدا ﷺ که فرمود: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفِتْنَةِ فَلَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ؛^۴ به درستی که ایمان، کشتن غافل‌گیرانه را بند زده است [ممنوع کرد]؛ از این رو مؤمن، غافل‌گیرانه نمی‌کُشد».

آری، جناب مسلم که سخن رسول خدا ﷺ را سخن خداوند می‌داند و به آن باور عمیق دارد، نگاه خود به ترور را از محاسبات بشری و سودجویانه تغییر می‌دهد و با «نگاه توحیدی» خود به همگان گوشزد کرد که حسین عليه السلام و یاران او حاضر نیستند از آرمان‌های الهی خود کوتاه بیایند؛ هرچند در ظاهر و کوتاه‌مدت به نفع‌شان باشد.

پیام مهم این بخش از زندگانی جناب مسلم، پایبندی کامل به دستوره‌های الهی است؛ هرچند به ظاهر نیز به نفع انسان نباشد.

۱. سید عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسین عليه السلام، ص ۱۵۳.

۲. این شعر با تفاوت‌هایی در کتب تاریخی و مقاتل ذکر شده است.

۳. عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۲۶.

۴. اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۰۲. گفتنی است عبارت فوق را به صورت دیگری نیز می‌توان خواند: «إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفِتْنَةِ؛ به درستی که ایمان، بند [مانع] کشتن غافل‌گیرانه است».

۲. ابو ثمامه و نماز اول وقت

عاشورا به هنگام ظهر رسید. ابو ثمامه صاعدی شهید نامدار کربلا، خدمت حجت خدا علیه السلام رسید و عرض کرد: ای اباعبدالله، جانم به فدایت، می بینم که این گروه به شما نزدیک شده‌اند. به خدا سوگند، پیش از شما، من باید کشته شوم؛ ولی دوست دارم وقتی خداوند را ملاقات می‌کنم، این آخرین نماز را که وقتش رسیده است، با شما خوانده باشم.

قدر تو بگذشت از درک عقول عقل اندر شرح تو شد بوالفضول

امام علیه السلام نگاهی به آسمان کرد و فرمود: «دَكَّرَتِ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ! نَعَمْ، هَذَا أَوْلُ وَفْتِهَا؛ نماز را به یاد آوردی، خداوند تو را از نمازگزاران قرار دهد. آری، اکنون وقت فضیلت نماز است». سپس فرمود: از دشمن بخواهید از ما دست بکشند تا نماز بخوانیم.

حصین بن تمیم (یکی از فرماندهان سپاه یزید) فریاد زد: «نماز شما پذیرفته نیست». حبیب بن مظاهر در پاسخش گفت: «آیا خیال می‌کنی نماز تو پذیرفته است و نماز آل رسول خدا صلی الله علیه و آله پذیرفته نیست؟»^۱

امام علیه السلام که دیدند دشمنان خدا مانع نماز آنها می‌شوند، به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله فرمان دادند با گروهی از اصحاب جلوی نمازگزاران بایستند تا آخرین نماز شهیدان عاشورا نیز به جماعت اقامه شود و سرانجام، نماز خوف گزاردند. در اثنای نماز تیری به سوی امام علیه السلام پرتاب شد که سعید بن عبدالله حنفی جلوی حضرت ایستاد و با جانفش از او محافظت کرد، بی‌آنکه به چپ و راست برود؛ تا آنکه بر اثر اصابت سیزده تیر - غیر از ضربات شمشیر و نیزه که قبلاً به او رسیده بود - به زمین افتاد و به شهادت رسید.^۲

آری، نگاه توحیدی ابو ثمامه تا آنجا قوی بود که در میانه جنگ و غوغای شمشیر و تیر و نیزه، نماز اول وقت را فراموش نمی‌کند و با قلبی سرشار از محبت الهی، مشتاق این است که هنگام ملاقات با معبود، نه تنها آخرین نماز خود را خوانده باشد، بلکه با جماعت و امامت حجت خدا علیه السلام اقامه کرده باشد.

۱. عزالدین ابن اثیر، الکامل، ج ۴، ص ۷۰.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۱۱۰.

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد به آب دیده و خون جگر طهارت کرد^۱

شاید بتوان راز و رمز عنایت ویژه اهل بیت علیهم السلام و پیروان راستین آنان به نماز را از حدیث ذیل به دست آورد. در این حدیث، رسول خدا صلی الله علیه و آله اشتیاق خود به نماز را از انسان گرسنه و تشنه به غذا و آب بیشتر می‌دانند و با این تشبیه، اوج احتیاج انسان به نماز و ارتباط با خداوند را به ما گوشزد می‌کنند:

يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبِيبَهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَبَ إِلَيَّ الْجَائِعُ الطَّعَامَ، وَ إِلَى الظَّمَانِ الْمَاءَ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَ أَنَا لَا أَشْبِعُ مِنَ الصَّلَاةِ؛^۲

ای ابوذر، همانا خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من نمود، چنان‌که غذا را محبوب انسان گرسنه و آب را محبوب انشان تشنه نمود. پس همانا انسان گرسنه، هنگامی که غذا بخورد، سیر می‌شود و انسان تشنه هنگامی که آب بنوشد، سیراب می‌شود؛ ولی من از نماز سیر نمی‌شوم.

۳. نافع بن هلال

نافع بن هلال شهید برجسته عاشورا، پس از تمام شدن تیرهایش، شمشیر را درآورد و رجز خواند: أنا الغلامُ الجملي / أنا علي دين علي. او دوازده نفر را کشت و عده‌ای را هم مجروح نمود؛ ولی بازوی خودش شکسته شد و توسط شمر ملعون و برخی دیگر از دشمن، دستگیر و نزد ابن سعد برده شد. ابن سعد پرسید: چرا چنین کردی؟ نافع پاسخی داد که نشان‌دهنده «اوج اخلاص» او در دفاع از دین خدا و حجت الهی بود: «إِنَّ رَبِّي يَعْلَمُ مَا أُرَدْتُ...»^۳ پروردگارم می‌داند چه نیتی داشتم».

۴. حنظلة بن أسعد شامی

وقتی نوبت جان‌فشانی حنظلة بن أسعد شامی رسید، در مقابل امام علیه السلام ایستاد و تیرها و نیزه‌ها و شمشیرهایی را که به سوی حضرت می‌آمد، بر صورت و سینه خود می‌خرید و پس از موعظه

۱. حافظ.

۲. محمد بن حسن طوسی، امالی، ص ۵۲۸.

۳. لوط بن یحیی ابومخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۲۳۳.

دشمن به وسببه آیاتی از قرآن، به سیدالشهدا علیه السلام عرض کرد: «أَفَلَا تَزُوخُ إِلَى رَبِّنَا؛ آیا به سوی پروردگاران نرویم؟». عاقبت پس از جنگی قهرمانانه به شهادت رسید. بی شک این «آرامش خاطر» بی نظیر، ثمره ایمان و نگاه توحیدی این شهید نامدار است.^۱

۵. بریر و پیشنهاد مباحله

یکی از نامدارترین شهیدان عاشورا، بریر همدانی است؛ شخصیتی که وقتی قاتلش - کعب بن جابر - به کوفه برگشت، خواهرش (یا همسرش) به او گفت: «دشمنان پسر فاطمه را یاری دادی و سرور قاریان را کشتی و کاری بسیار زشت انجام دادی. به خدا سوگند که دیگر یک کلمه هم با تو سخن نخواهم گفت».^۲

در آغاز جنگ، یزید بن معقل - از سربازان ابن سعد - در برابر بریر قرار گرفت و گفت: ای بریر، فکر می کنی که خدا با تو چگونه رفتار کرد؟ گفت: خداوند سرنوشت مرا نیک و سرنوشت تو را بد رقم زد. یزید گفت: ای بریر، تو پیش از این دروغ گو نبودی، ولی اکنون دروغ گفتی. آیا به یاد می آوری که در محله بنی لوذان راه می رفتیم و تو می گفتی: «عثمان بر خود ستم می کند، معاویه گمراه و گمراه کننده است و پیشوای راستین و هدایت گر حقیقی، تنها علی بن ابی طالب است».^۳ بریر گفت: آری، شهادت بده که این رأی و نظر من بود. یزید گفت: گواهی می دهم که تو از گمراهانی.

بریر برای اثبات درستی اعتقاد خود، به یزید بن معقل پیشنهاد مباحله داد. سپس هر دو دست‌ها را به سوی آسمان بلند کردند و از خداوند خواستند که دروغ‌گو را لعنت کند و آن را که راست‌گو و بر حق است، بر باطل پیروز گرداند. پس از مباحله، به مبارزه پرداختند. ابتدا یزید بن معقل ضربتی بر بریر زد، ولی اثر نکرد. سپس بریر حمله کرد و ضربه‌اش سر یزید بن معقل را شکافت و او را بر زمین زد.^۳

بی شک ارائه پیشنهاد مباحله از سوی بریر، گواه روشنی بر ایمان و اعتماد راسخ او به خدای متعال است و در امتداد مباحله رسول خدا صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران قلمداد می شود. آری، کسی که

۱. علی بن موسی ابن طاووس، لهوف، ص ۱۰۹.

۲. محمد بن طاهر سماوی، إِبْصَارُ الْعَيْنِ، ص ۱۲۴.

۳. لوط بن یحیی ابومخنف کوفی، وقعة الطف، ص ۲۲۱.

دعوت به مباحله می‌کند، باید از اعتقادی راسخ به خداوند و نیز هدف خود برخوردار باشد؛ چراکه چهار احتمال پیش‌روی اوست که فقط در یک صورت، مباحله به نفعش تمام می‌شود: عذاب بر هر دو نازل شود؛ عذاب بر هیچ‌کدام نازل نشود؛ عذاب بر خودش نازل شود؛ عذاب بر طرف مقابل نازل شود. بریر به جای احتمال پیروزی ۲۵ درصد خود بر یزید بن معقل، صددرصد اطمینان داشت که خدای متعال وی را مدد می‌کند و بر دشمن خدا پیروز می‌شود که چنین هم شد.

پیام روشن این حرکت خدامحورانه بریر، «اعتماد و توکل به خداوند» است. ریشه این اعتماد عمیق کجاست و چه می‌شود که انسان به این درجه از توکل می‌رسد؟ قرآن حکیم در هفت آیه از جمله آیه ۱۲۲ آل عمران، به این پرسش پاسخ داده است: «... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ؛ مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

آری، ایمان به خدا، سوق‌دهنده انسان به سوی اعتماد به اوست. در حدیثی درس‌آموز از امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام چنین می‌خوانیم: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَزْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو؛ ای انسان تو در موردی که امیدی به نتیجه عملی نداری [و لکن با توکل به خدا آن را انجام می‌دهی] امیدوارتر باش از موردی که امید به نتیجه عمل داری».

سپس امام علیه السلام چند مثال در ضمن روایت نقل فرمود: همان‌طور که موسی بن عمران برای پیداکردن آتش حرکت کرد و به نتیجه آن امیدی نداشت؛ اما ناگهان خداوند او را مورد خطاب قرار داد و ایشان را پیامبر خویش گردانید و با او تکلم کرد؛ و همان‌طور که ملکه سبأ به سوی سلیمان آمد و سلیمان امیدوار نبود که او از دین خود برگردد؛ ولی تسلیم سلیمان شد و از دین خود برگشت؛ همچنین ساحران فرعون که حضرت موسی امیدوار نبود ایمان بیاورند؛ ولی به موسی و خدای او ایمان آوردند.^۱

رفت موسی کاتش آرد او به دست	آتشی دید او که از آتش برست
جست عیسی تا رهد از دشمنان	بردش آن جستن به چارم آسمان ^۲

۱. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۸۳.

۲. مثنوی معنوی.

نتیجه

نمونه‌هایی که بیان شد، بخش کوچکی از رفتارها و گفتارهای توحیدی اصحاب سالار شهیدان است؛ وگرنه از نخستین لحظه تصمیم آنها برای همراهی با ولیّ خدا و ترک زن و فرزند و اموال تا سخنان‌شان در شب و روز عاشورا و رزم در میدان، همگی می‌تواند از نگاه خداپاورانه این انسان‌های ربانی پرده بردارد.

به این فرمایش امام صادق علیه السلام توجه نمایید:

لَا يَمَحُضُ رَجُلٌ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ حَتَّىٰ يَكُونَ اللَّهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ وَ وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ^۱

هیچ‌کسی ایمانش به خدا خالص نمی‌شود تا آنکه خداوند نزد او، از خودش و پدرش و مادرش و فرزندان‌ش و خانواده‌اش و مالش و همه مردم، محبوب‌تر باشد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، چ اول: بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌أبی طالب علیهم السلام، چ اول، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، چ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۹ ق.
۴. _____، فلاح السائل و نجاح المسائل، چ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۵. _____، لهوف، چ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: علامه امینی، چ اول، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۷. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، چ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ ق.
۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، بیروت: دار المعرفة، [بی‌تا].
۹. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، چ سوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. سماوی، محمد بن طاهر، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیهم السلام، چ اول، قم: دانشگاه شهید محلاتی، ۱۴۱۹ ق.

۱. علی بن موسی ابن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۰۱.

توحيدباوری اصحاب امام حسين عليه السلام ■ ۱۹

۱۱. صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، چ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۷ ق.
۱۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوک)، چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، چ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (اصول، فروع، روضه)، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیة، چ سوم، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۸. مقرّم، سیدعبدالرزاق، مقتل الحسين عليه السلام، چ اول، بیروت: مؤسسة الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
۱۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، چ هفتم: بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.

نقش قیام امام حسین علیه السلام در ایجاد تمدن نوین اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

اشاره

جنگ‌های بزرگی در طول تاریخ اتفاق افتاده است که برخی از آنها با وجود سال‌ها طول کشیدن، تنها در کتاب‌های تاریخی یا دروس مرتبط با تاریخ از آنها یاد می‌شود؛ اما جنگی یک‌روزه در ۱۴۰۰ سال پیش واقع شد که وجهه‌ای بین‌المللی پیدا کرد و بیشتر مردم دنیا - زیاد یا کم - درباره آن آگاهی دارند؛ چراکه جنس این جنگ متفاوت از جنگ‌های دیگر است و مقایسه‌شدنی با آنها نیست؛ زیرا یک جنگ یا درگیری عادی نبود و همین دلیل موجب ماندگاری آن شده است. این قیام تنها ویژه شیعیان و حتی مسلمانان نیست؛ از این رو باید از زاویه تمدنی به آن نگریست. این نگرش سبب درک بیشتر از رسالت جاودان این نهضت بر مناسبات بشری خواهد شد و در صورتی که مبلغان نیز چنین نگاهی را در خود تقویت کنند، حماسه حسینی را جامع‌تر درک کرده و رسالت عاشورایی را با این نگرش تدوین و تشریح می‌کنند.

معناشناسی تمدن اسلامی

تمدن به معنای شهرآیینی^۱ و در مقابل توحش است. بیشترین دلیل توحش، نادانی و جهل است؛ بنابراین با رفع شدن جهل از جامعه، جامعه متمدن خواهد شد. در زیارت اربعین می‌خوانیم:

وَ بَدَلْ مَهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛^۲

و [شهادت می‌دهم] امام حسین علیه السلام جانش را در راه تو بذل و بخشش نمود تا بندگان را از

* دکتری تاریخ و تمدن اسلامی.

۱. گروهی از نویسندگان، از زبان روزگار، ص ۱۷.

۲. محمد بن حسن شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲.

جهالت و نادانی و سرگردانی گمراهی نجات بخشد؛

یعنی هدف اصلی امام حسین علیه السلام از قیام، جهل زدایی است. بنابراین اگر گفته شود امام به شهادت رسید تا جامعه را از توحش برهاند و تمدن را جایگزین آن کند، حرف عبثی نیست. بنابراین تمدن در مقابل توحش است؛ اما نمی توان آن را منحصر به مظاهر تمدنی از قبیل ساختمان و پیشرفت های صنعتی و تکنولوژی دانست، بلکه تلاش برای بسط عدالت، ظلم ستیزی و ... نیز به نوعی گام برداشتن به سوی تمدن آرمانی است. اگر این تلاش ها نایل به مقصود شود، به یقین تمدن ایده آل محقق خواهد شد که امروزه از آن به «تمدن نوین اسلامی» تعبیر می شود.

۱. قیام قیام پرور

از آنجاکه انقلاب حسینی حرکتی شخصی نبود که تاریخ مصرف آن گذشته باشد، بلکه حرکتی منحصر به فرد بود که در طول تاریخ شبیه آن را نمی توان یافت، زمینه ساز برای قیام های متعدد و به نمادی برای مقاومت و فداکاری برای آیندگان شد. به عبارتی دیگر این قیام تنها یک حرکت سلحشورانه بر ضد خلیفه ظالم وقت نبود، بلکه الگویی شد برای بسیاری از قیام ها و انقلاب های آینده و به تعبیر دیگر قیامی است قیام پرور؛ به همین دلیل در هر دوره با تاسی به این قیام، انقلاب هایی علیه حاکمان ظالم به وقوع می پیوندند و در هر دوره این حاکمان افزون بر سرکوبی قیام، به دنبال خشکاندن ریشه آن هستند و با ابزارهای مختلف در صدد مقابله با حماسه حسینی بر می آیند. تخریب حرم حسینی توسط متوکل عباسی را هم می توان از این قبیل دانست؛ چراکه او متعرض دیگر اماکن مقدس در عراق نشد.

قیام امام حسین علیه السلام راه را برای پیام های بعدی باز کرد؛ از جمله قیام مردم سیستان، قیام مردم مدینه، قیام توابعین و قیام مختار که به خون خواهی امام حسین علیه السلام به قوع پیوست. چرا مردم کوفه که امام حسین علیه السلام را تنها گذاشتند، حاضر شدند زیر پرچم سلیمان بن صُرد و مختار به جنگ مروانین بروند؟ آیا جز این است که بیداری را امام حسین علیه السلام به وجود آورده بود؟ تأثیر این قیام تا جایی بود که حتی دنیا طلبان سوء استفاده کردند و بر موج ایجاد شده توسط حماسه حسینی سوار می شدند؛ از جمله شورش عبدالله بن زبیر و قیام ابومسلم خراسانی. سلسله قیام هایی که از روز عاشورای سال ۶۱ قمری آغاز و تا کنون ادامه دارد که حتی منحصر به شیعیان

نقش قیام امام حسین علیه السلام در ایجاد تمدن نوین اسلامی ■ ۲۳

و مسلمانان نیست، بلکه الگویی برای ظلم‌ستیزی مصلحانی همانند گاندی شده است. او می‌گوید: «بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، باید از امام حسین علیه السلام سرمشق گرفته و از او پیروی کند»^۱.

روحیه شهادت‌طلبی در کشورهای منطقه از جمله ایران، لبنان، عراق و یمن همه و همه یک سرمشق داشتند و آن امام حسین علیه السلام بود؛ از این رو اگر جمهوری اسلامی که داعیه برپایی تمدن نوین اسلامی را دارد، موفقیتی به دست آورد، بخشی از تأثیر قیام امام حسین علیه السلام است.

۲. قیام ارزش‌ساز

اگر به درستی بررسی شود، همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها در خیمه امام حسین علیه السلام و همه بدی‌ها و زشتی‌ها در خیمه عمر بن سعد جمع شده بود. کربلا دانشگاهی بود که استادان بزرگی ارزش‌های دینی و انسانی را در بالاترین حد آن تدریس کردند. زندگی شرافت‌مندانه، نمونه اخلاق و ارزش‌های انسانی و معیاری تمام و کمال را می‌توان در کربلا جستجو کرد. امام حسین علیه السلام استاد از جان‌گذشتن، حضرت عباس علیه السلام استاد وفا، حضرت علی اکبر علیه السلام استاد جوانمردی، قاسم بن حسن علیه السلام استاد نوجوانان، حضرت زینب علیه السلام استاد صبر و استقامت، حر شهید استاد توبه و بازگشت و شهیدان دیگر هر کدام درس ارزشمندی را در روز عاشورا برای جهانیان تدریس کردند.

انسان‌های آزاده حتی از اشقیای کربلا نیز می‌توانند در جنبه سلبی درس‌آموزی کنند؛ همان‌طور که سعدی آموختن ادب را از بی‌ادبان میسر می‌داند. رذالت، توحش، عهدشکنی، جنایت و ... از جمله مواردی هستند که بالاترین درجه آن را می‌توان در حمله، شمر، سنان و ... مشاهده و برخلاف آن عمل کرد.

این‌گونه درس‌آموزی‌ها اگر به درستی انجام شود، ارزش‌های دینی و انسانی زنده می‌گردد و پیرو آن تمدن نوین اسلامی محقق خواهد شد.

۳. نجات‌بخشی تمدن اسلامی

امام حسین علیه السلام همان‌گونه که خود فرمود، برای اصلاح دین جدشان دست به قیام زدند^۲ و به حق

۱. علی ابوالحسنی، مهاتما گاندی، ص ۳۰۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

مانع از بین رفتن اسلام شدند؛ همان گونه که معروف است: «الاسلام محمدی الحدوث، حسینی البقاء»؛ زیرا دین جدشان که برای تحقق توحید و حاکمیت نظام توحیدی برپا شده بود، توسط یزید در حال فروپاشی قرار داشت. امام علیه السلام می فرماید:

وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ، وَ إِنِ اسْتَمِعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي، أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ؛^۱

من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرا می خوانم؛ چراکه [این گروه] سنت پیامبر را از بین برده و بدعت [در دین] را احیا کردند. اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم.

سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، تمدن ساز بود؛ اگرچه بعد از رحلت حضرت، دستور خدا در مورد جانشینی و به تبع عمل حداکثری به آموزه های اسلام کنار گذاشته شد، اما همان عمل حداقلی نیز در قرن چهارم و پنجم تمدنی ساخت که در نوع خود بی نظیر بود. شهادت امام حسین علیه السلام تقریباً پنجاه سال بعد از رحلت نبوی است؛ در این مدت ارزش های اسلامی که برخاسته از قرآن و سنت نبوی بود، به صورت قهقرایی با سرعت به سمت افول پیش می رفت و به نقطه زوال نزدیک می شد. اگر امام حسین علیه السلام قیام نمی کرد و سکانداری اسلام با همان فرمانی که معاویه و سپس یزید در دست داشتند، ادامه می یافت؛ همان عمل حداقلی نیز کنار گذاشته می شد و چنین تمدنی ساخته نمی شد؛ بنابراین قیام حضرت برای نجات تمدن اسلامی از انحطاط بود.

۴. تأثیرهای مثبت قیام امام حسین علیه السلام در مظاهر تمدنی

برخی تصور می کنند منظور از تمدن تنها مظاهر تمدنی از جمله معماری، ساختمان و ... است. امام خمینی رحمته الله علیه درباره این نگاه اشتباه، می فرماید:

مستشرقان تمدن را تنها در ساختمان های بلند، بناهای عالیله و ساختمان مدارس و مساجد و مانند اینها محدود کرده اند؛ یعنی در یک نگاه محدود و ماده نگر تمدن عمدتاً به دستاوردهای مادی محدود می شود و حال آنکه در نگاه عمیقی که برخاسته از نگاهی خاص به انسان و تعامل انسان با محیط پیرامون و تعامل انسان و خداست، انسان وارسته، اخلاقی و فرهیخته نیز

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۵، ص ۳۵۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص

یک دستاورد تمدنی به حساب می‌آید.^۱

در این نگاه اشتباه، تمدن نمودی از پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی است و کشورهایی که از نظر صنعتی ضعیف هستند، عقب‌مانده تمدنی معرفی می‌شوند. در صورتی که چنین تلازمی معنا ندارد، بلکه پیشرفت‌های تمدنی می‌تواند تنها یکی از مؤلفه‌های تمدن باشد.

پس از شهادت امام حسین علیه السلام محبت بی‌ظییری بین شیعیان به وجود آمد؛ همان‌گونه که در روایت آمده است: «وَقَالَ إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»^۲ برای شهادت حسین علیه السلام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز سرد و خاموش نمی‌شود. این حرارت و گرما محبتی ایجاد کرد که به صورت‌های مختلف و در مظاهر متعدد تمدنی تجلی یافت: معماری، نقاشی، شعر آیینی، هنر دستی از قبیل کندوکاری‌های زیبا در ضریح و اجزای مختلف حرم نمونه‌های از این مظاهر است.

بین مظاهر فوق، شعر از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا یکی از نمادهای فرهنگی است که به نوعی تمدن‌ساز است و شاید تأکید بر سرودن شعر در رثای امام حسین علیه السلام از سوی ائمه اطهار علیهم السلام از این باب باشد. در کامل الزیارات بابی به این سنخ از روایات اختصاص داده شده است و در روایتی بهشت را جزای کسی می‌داند که با سرودن شعر، خود و مردم را در عزای حسینی بگریاند؛^۳ بر همین اساس شاعران بسیاری قریحه و طبع خود را در خدمت حماسه حسینی گذاشتند. این تشویق‌ها حتی شعرای نامی از قبیل کسایی مروزی، سنایی، سلمان ساوجی، خواجهی کرمانی، عطار، مولوی، وحشی بافقی و ناصر خسرو^۴ را به میدان آورد. در سده‌های هفتم و هشتم سرودن شعر آیینی و مراثی متداول شد و شعر وسیله بیان مناقب اهل بیت علیهم السلام یا مراثی آنان گشت.^۵ برخی از شاعران همانند محتشم کاشانی، فؤاد کرمانی، وصال شیرازی، صامت بروجردی و جودی خراسانی به نام شاعران آیینی مشهور شدند. عالمان نیز در

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۷۰.

۲. حسین محدث نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۴ - ۱۰۶.

۴. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه السلام، ج ۴، ص ۲۳.

۵. ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۳۳۶.

تشویق شاعران نقش داشتند؛ صاحب جواهر می‌گوید ای کاش ثواب قصیده‌هایی^۱ یکی از شاعران آیینی به نام ادیب الشریعه شیخ اُزری^۲ در نامه عمل من بود و ثواب کتاب جواهر در نامه آن شاعر.^۳ این‌گونه اشعار شجاعت و شهامت را در دل‌ها تقویت می‌کرد و روحیه حماسی را از در طول ۱۴۰۰ سال گذشته از قرنی به قرن دیگر منتقل کرد. برخی از پژوهشگران معتقدند: «هر فکر و فرهنگی که زبان شعر را به کار نگیرد، در حق خود کوتاهی عظیم کرده است».^۴

برپایی عزاداری، یکی دیگر از نمادهای تمدنی است. عزاداری افزون بر تزریق حق‌طلبی و جورستیزی، افراد را به بذل مال و اطعام در مجالس حسینی تهییج می‌کند و فقیران را با اغنیا بر یک سفره می‌نشانند؛ همچنین از انگشت‌شمار محدود مجالسی است که اطعام فقیران با عزت نفس انجام می‌شود. ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} نیز خود چنین مجالسی را برپا می‌کردند. هنگامی که دولت شیعی آل بویه به قدرت رسید، مجالس حسینی به طور وسیع و در سطح گسترده‌ای از شهرهای مختلف برپا شد.^۵

عزای امام حسین^{علیه‌السلام} سبب شد هنر نمایشی در شیعه بیش از دیگر فرق و ملل ظاهر شود؛ شبیه‌خوانان یا تعزیه‌خوانان وقایع کربلا را به تصویر می‌کشیدند.^۶

توجه به قبور امامان^{علیهم‌السلام} و زیارت آنها فراوان در احادیث دیده می‌شود. پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} به حضرت علی^{علیه‌السلام} می‌فرماید: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرَ وَ لِدِكَ بِقَاعاً مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَوْصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا».^۱ این احادیث و روایات مشابه، دل‌ها و سپس جسم‌ها را روانه عتبات عالیات و به‌ویژه کربلا می‌کند. اوج علاقه زائران، معماری اسلامی را تحت تأثیر مناسک و فرهنگ قرار داد و به صورت سبک جدیدی از معماری ظاهر شد که می‌توان از آن با عنوان «معماری آستانگی» یاد کرد. گنبد، مناره، ایوان، رواق، سردر، راهروی‌ها منتهی به رواق و صحن‌ها همه ناشی از فرهنگ زیارت است.

۱. قصیده‌ای که قافیه آن حرف «ها» است: إِنَّ تِلْكَ الْقُلُوبَ أَفْلَقَهَا الْوَجْدُ / وَأَدْمَى تِلْكَ الْعُيُونَ بُكَاهَا ...
۲. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش امام حسین^{علیه‌السلام}، ج ۴، ص ۱۰۵.
۳. همان، ص ۹۳.
۴. علی اصغر فقیهی، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، ص ۴۶۶.
۵. امرالله کردیمی، انگشت هنرمند، ص ۳۶.
۶. محمد بن محمد شیخ مفید، المزار، ص ۲۲۸.

نقش قیام امام حسین علیه السلام در ایجاد تمدن نوین اسلامی ■ ۲۷

علاقه بی شائبه به امام حسین علیه السلام در نمادهای مختلف از جمله معماری خود را نشان داد و از همان ابتدا بقعه و بارگاه بر مزار شهدای کربلا ساخته شد. اولین بقعه به دست مختار در سال ۶۶ هجری بود که در سال ۱۹۳ توسط مأمون بازسازی و به وسیله متوکل تخریب شد. دومین مرتبه بقعه توسط منتصر عباسی به سال ۲۴۷ ساخته شد و علویان طبرستان در سال ۲۸۳ تجدید بنا کردند.^۱ ساخت، تعمیر و تجدید بناها در هر دوره، حرم مطهر را به یکی از باشکوه‌ترین معماری‌های جهانی بدل کرده است.

از پیامدهای تمدنی دیگر قیام امام حسین علیه السلام، حضور فعال بانوان در این حماسه باشکوه است. نقش آفرینی انکارنشده بانوان نشان داد فرهنگ اسلام به نیمی از جامعه یعنی بانوان بی تفاوت نیست و آنها نیز در ساخت تمدن اسلامی می‌توانند و باید حضور فعال و نقش‌آفرین البته با رعایت موازین داشته باشند.

۵. مبلغان و ترویج رویکرد تمدنی حماسه عاشورا

تأثیرهای مثبت رویکرد تمدنی در تبیین نهضت حسینی و تأکید بر رویکرد تمدنی، این واقعیت را گوشزد می‌کند که امام حسین علیه السلام تنها از انسان‌های عصر خود یاری نطلبید، بلکه مخاطبش همه انسان‌ها در طول اعصار و قرون است:

هَلْ مِنْ دَابَّةٍ يَدُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ مِنْ مَوْحِدٍ يَخَافُ اللَّهَ فَبِنَا هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَزُجُّ
اللَّهَ بِإِعَانَتِنَا هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَزُجُّ مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا؛^۲

آیا دفاع‌کننده‌ای هست که از حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع کند؟ آیا یگانه پرستی هست که درباره ما از خدا بترسد؟ آیا فریادرسی هست که با فریادرسی از ما به خدا امید داشته باشد؟ آیا مددکاری هست که با کمک به ما امید به آنچه نزد خداست داشته باشد؟

در پاسخ به ندای امام، باید با نگرش تمدنی، یک فرهنگ جهانی از قیام امام حسین علیه السلام نهادینه کنیم که الهام‌بخش نسل‌های آینده باشد. نگرش تمدنی سبب هوشیاری ما می‌شود؛ همچنین به این درک برسیم که یاران مخلص و شجاع امام حسین علیه السلام از انبیا و ائمه نبودند، بلکه انسان‌هایی عادی بودند که به درجات عالی رسیدند؛ به گونه‌ای که امام حسین علیه السلام آنها را این‌گونه خطاب

۱. محمدباقر مدرس، شهر حسین، ص ۴۷۹.

۲. علی بن موسی سید بن طاووس، اللهوف، ص ۱۱۶.

کرد: «من وفادارتر و بهتر از شما یارانی ندارم و نمی‌شناسم»؛ از این‌رو ما نیز باید اهتمام خود را بر دلدادگی و عاشقی امام حسین علیه‌السلام قرار دهیم. توده‌های مردم به وظایف خود عمل کرده‌اند و اکنون زمان نقش‌آفرینی نخبگان فکری، علمی، ادبی و هنری برای تبیین رسالت امام حسین علیه‌السلام در جهان معاصر فرا رسیده است.

تأثیرهای شعایر حسینی در جهان معاصر در عرصه آداب دینی و نیز فکری و فرهنگی مسئله‌ای نیست که نادیده گرفته شود. اگرچه حجم عزاداری در کشورهای مختلف و پیاده‌روی اربعین هر سال بیشتر و بهتر و باشکوه‌تر برگزار می‌شود، اما تأثیر قیام منحصر در این‌گونه مناسک و مراسم نیست. کتاب‌ها، مقالات، کنفرانس‌ها و نشست‌های جهانی در ابعاد تاریخی، عقیدتی، حماسی و حتی ادبی گواه بر این مطلب است. اگر تأثیرهای قیام در مجرای صحیح قرار گیرد، می‌توان با قیام امام حسین علیه‌السلام تغییرات عمده تمدنی در جهان ایجاد کرد؛ به همین دلیل ما باید همه فعالیت‌های علمی و شعایی خود را در قبال قیام امام حسین علیه‌السلام و در راستای امت اسلامی قرار دهیم و از هر آنچه مانع تحقق اهداف رسالت حسینی می‌شود، دوری کنیم.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، چ اول، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۲. ابوالحسنی، علی، مهاتما گاندی، چ اول، تهران: عبرت، ۱۳۷۷ ش.
۳. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش امام حسین علیه‌السلام، تهران: مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۳۸۱ ش.
۴. سید بن طووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۶. شیخ مفید، محمد بن محمد، المزار، مصحح: محمدباقر ابطحی، چ اول، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه‌السلام، ۱۴۱۳ ق.
۷. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۸ ش.
۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد أبو‌الفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۹. فقیهی، علی‌اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران: صبا، ۱۳۵۷ ش.

۱۰. کردیمی، امرالله، «انگشت هنرمند»، حجره، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. گروهی از نویسندگان، از زبان روزگار، چ اول، تهران: نشر معارف، ۱۴۰۲ ش.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. مدرس، محمدباقر، شهر حسین، چ اول، قم: دار العلم، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چ ۱۹، تهران: صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، ۱۳۷۸ ش.

وجوه تشابه جنگ‌شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی*

حجت‌الاسلام والمسلمین علی نصرتی**

اشاره

انقلاب اسلامی ایران به باور و تصدیق بنیان‌گذار و رهبر آن، در امتداد قیام عاشورا و با همان اهداف و آرمان‌ها در بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی دست یافت. از آن زمان تا کنون از طرف دشمنان داخلی و بیرونی به‌ویژه استکبار جهانی با محوریت آمریکا، صهیونیسم بین‌الملل و نظام‌های پیرو آنان در غرب و شرق عالم و حتی جهان اسلام، زیر سخت‌ترین انواع جنگ‌ها قرار داشته است؛ با این وجود با پایداری و مقاومت نه تنها خود را تثبیت کرده است، بلکه تمدن غرب و نظام‌های استکباری را به چالش کشیده است. بنابراین روح انقلاب، استکبارستیزی و معنویت‌گرایی ناشی از آن افزون بر منطقه غرب آسیا، در سرتاسر عالم گسترش یافته است و تمدن نوین اسلامی را هدف‌گذاری کرده است. امروزه دشمنان انقلاب اسلامی از تهاجم سخت به نظام اسلامی ناامید شده‌اند و با اتخاذ شیوه‌های نرم به‌ویژه جنگ‌شناختی در پی مقابله با انقلاب اسلامی برآمده‌اند. این نوشتار دشمنی و جنگ‌شناختی دشمنان علیه انقلاب اسلامی و قیام عاشورا را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد جنگ‌شناختی در این دو پدیده از دیدگاه‌های مختلف با هم شباهت دارند.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم.

۱. مفاهیم و گزاره‌های بنیادی

۱-۱. تعریف جنگ‌شناختی و ابزارهای آن

جنگ‌شناختی به استفاده از تکنیک‌ها و فناوری‌های مختلف برای تأثیرگذاری، دست‌کاری یا مختل کردن شناخت افراد یا گروه‌ها به منظور دستیابی به یک نتیجه دلخواه اشاره دارد. در جنگ‌شناختی، ذهن انسان در جایگاه میدان اصلی جنگ هدف قرار می‌گیرد.^۱ گرچه این اصطلاح و مفهوم آن، نوظهور است، به لحاظ ماهیت پدیده جدیدی نیست و در عمق تاریخ نیز می‌توان نمودهای آن را به‌روشنی نشان داد.

تغییر در ساختار قدرت و حکومت معمولاً به شکل‌های مختلفی رخ می‌دهد که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان این‌گونه به آن اشاره کرد:

الف) اشکال سخت: در آن میزان قابل توجهی از خشونت اتفاق می‌افتد، مانند کودتا، شورش، انقلاب، تهاجم نظامی و جنگ داخلی؛

ب) اشکال نرم: در حد امکان برای ایجاد تغییر از روش‌ها و ابزار نرم بهره می‌گیرند و به جای خشونت بر روش‌های مسالمت‌آمیز تکیه دارند، مانند اصلاحات، جنبش اجتماعی، انقلاب رنگی، انقلاب مخملی و روش‌های مختلف جنگ نرم.

جنگ نرم در پی ازپای‌درآوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزیق کند.^۲ جنگ نرم با شیوه‌های مختلفی تحقق پیدا می‌کند که یکی از روش‌های پیچیده و کمتر محسوس برای قشر هدف، عبارت است از «جنگ شناختی» که از آن با عملیات ادراکی نیز یاد می‌شود و به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها باورها، عقاید و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییر تا سرحد همسوس شدن آنان با اهداف و منافع عمل‌کننده است.^۳ جنگ‌شناختی مؤثرترین و اثرگذارترین جنگ نرم است که هدف نهایی آن همانند جنگ سخت، ازپای‌درآوردن حریف است که با حمله به تفکر آدم‌ها، اعتماد جامعه به حاکمیت را از بین می‌برد و نیروهای

1. <https://www.linkedin.com/pulse/cognitive-warfare-democracy-critical-analysis-ethical-holitschke-dleue>

۲. مهسا ماه پیشانی، «جنگ نرم در فضای رسانه و سایبر»، ص ۲۷.

۳. علی علیخانی، «امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، ص ۱۱۴.

اجتماعی و سرمایه‌های انسانی را نابود می‌کند. با توجه به اینکه در این جنگ دشمن در پی تحت تأثیر قراردادن اندیشه افراد جامعه است، در خارج چیزی به نام جنگ محسوس نیست؛ از این‌رو همانند حشره‌ای است که ساختار چوب را از داخل از بین می‌برد و به همین دلیل «جنگ موربانه‌ای» نیز به آن می‌گویند. از ابزارهای مهم جنگ‌شناختی، تسلط بر شاهراه‌ها و جریان اطلاعات جامعه است؛ چون پایه اصلی اندیشه، اطلاعات است که به صورت ضمنی و با چینش اخبار و اطلاعات، تحلیل خاص نیز به ذهن مخاطب و دستگاه تحلیلی او القا می‌شود. شیوهٔ مقابله با آن نیز سکوت یا تلاش برای بستن کانال‌های اطلاع‌رسانی دشمن نیست، بلکه روشنگری و اقناع مخاطب با تبیین جهادگرانه است.

۲-۱. انقلاب اسلامی تداوم قیام عاشورا

امام خمینی علیه السلام در جایگاه معمار انقلاب اسلامی همواره بر این باور تأکید می‌فرمود: «انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن بوده است»؛^۱ زیرا همان‌طور که هدف قیام امام حسین علیه السلام احیای اسلام بود، انقلاب اسلامی نیز اسلام را در قرن چهاردهم از نابودی رهانید و حیات دوباره بخشید؛ در واقع مهم این است که جنس انقلاب اسلامی و قیام عاشورا یکی است. انقلاب اسلامی نهضتی با نسبت تأثیر کوتاه‌مدت و معطوف به جابجایی قدرت و حاکمان یا اصلاح ساختارها و نظام معیشت مردم نبود، بلکه همانند قیام عاشورا و در ادامه همان مسیر، تغییر جهت تاریخی و تحول بنیادین در جامعه، حکومت و بنای تمدنی را هدف قرار داده است؛ از این‌رو در اوج سلطه مادی‌گرایی با دو قطب پر قدرت لیبرالیسم و سوسیالیسم بر دنیا، ظهور انقلاب اسلامی مسیر تاریخ این دوران را تغییر داد و موجب گسترش توجه به تشیع، اسلام، ادیان توحیدی و حرکت‌های ضد استکباری در دنیا شد. این تأثیر تاریخی و کلان، تابعی از تأثیر عاشورا بر کفر مسلط بنی‌امیه است که در اندک‌زمانی پس از عاشورا، کاخ ستم بنی‌امیه را ویران کرد و مسیر تاریخ را به سمت پیروزی نهایی حق بر باطل تغییر داد.

۳-۱. جریان کفر و استکبار جهانی، تداوم جریان باطل بنی‌امیه

انقلاب اسلامی ایران تنها به دنبال جابجایی قدرت نظام شاهنشاهی مستبد و ابسته و دین‌ستیز پهلوی نبود، بلکه آرمان‌ها و اهداف آن همان‌طور که در قانون اساسی و بیانات رهبر کبیر انقلاب

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۳.

اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی متبلور است، بر اساس اسلام ناب و مقابله با ظلم و بی‌عدالتی در هر سطح و مقیاس در جهان عنوان شده است. امام خمینی علیه‌السلام می‌فرماید: «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن عنایت فرموده است نمی‌رسند»^۱. همان‌طور که آن روز جریان استکباری بنی‌امیه، اسلام راستین را مانع دستیابی به منافع دنیایی و قدرت و ثروت خود می‌دید، با انقلاب اسلامی نیز احساس خطر جدی در اردوگاه استکبار جهانی به‌ویژه صهیونیسم پدیدار شد؛ زیرا انقلاب هرگونه سلطه‌نا مشروع و استکبار را در هر سطحی نفی می‌کرد و با تکیه بر ارزش‌های دینی به‌ویژه تحت تأثیر قیام عاشورا شیوه عمل و اهداف انقلاب را ترسیم می‌کرد و انقلابی بود به نام خدا، عدالت‌خواهانه، اخلاقی، مقدس، شهادت‌طلبانه و مستقل از اردوگاه‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم؛ همچنین انقلابی که در یک برآورد و نتیجه‌گیری تاریخی، رژیم مستبد و وابسته و فاسد پهلوی را با حامیان غربی او در یک تصویر، نظام استکباری و در تداوم جریان باطلی مانند بنی‌امیه می‌دید که امام حسین علیه‌السلام در برابر آن قیام کرده بود.

۲. وجوه مشابهت جنگ‌شناختی بنی‌امیه و استکبار جهانی

مشابهت‌های جنگ‌شناختی را می‌توان در ابعاد ذیل بررسی کرد:

۱-۲. تغییر نگرش‌ها و باورها

یکی از محورهای مهم جنگ‌شناختی، تغییر باورها و نگرش‌های اجتماعی به حقایق، وقایع و امور است؛ مثلاً رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تلاش زیادی کردند تا مطابق آموزه‌های دینی، هویت‌های جاهلی که مبتنی بر تعصب قومی و قبیله‌ای بود را تغییر دهد؛ همچنین دخالت معیارهای سفید و سیاه، قومی و قبیله‌ای را در برتری‌جویی اجتماعی از بین برد و تقوا را معیار تقرب و فضیلت انسان‌ها قرار دهند؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»^۲ و چنین هم

۱. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

۲. الحجرات: ۱۳.

شد. اما با قدرت یافتن بنی‌امیه، ارزش‌های جاهلی و تعصب قومی و نژادی و برتری عرب بر عجم ضربه سنگینی بر جامعه اسلامی وارد کرد. چنانچه:

امویان نسبت به خاندان و طرفدارانشان تعصب می‌ورزیدند و عناصر غیر عرب را، ولو اینکه همدست و هم‌داستان آنان بودند، تحقیر می‌کردند و برخی از عربان نیز در تحقیر دیگران از امویان پیروی می‌نمودند. نژادگرایان اموی و پیروانشان، در تحقیر غیر عرب و کم‌بهادادن به آنها، بر خلاف شرع و سنت و سیره پیامبر اسلام عمل می‌کردند. نقل شده است پیش از آنکه عباسیان به قدرت برسند، هرگاه عربی در بازار به یک غیرعرب برخورد می‌کرد و باری با خود داشت، آن بار را به آن شخص می‌داد تا حمل کند؛ درحالی‌که غیرعرب قدرت مخالفت نداشت.^۱

از جمله تغییر باورها، جایگاه و موقعیت ائمه بین امت اسلامی است که بنی‌امیه با اقدام‌ها و تبلیغات خود، این منصب را در عالم واقع و جامعه اسلامی از ائمه سلب کردند؛ همچنین آن را به یک مقام سیاسی همچون پادشاهی تقلیل دادند.

عبارت "لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَ أَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ" در زیارت عاشورا که خدا لعنت می‌کند کسانی که مقام امامت و ولایت را پایین می‌آورند، اشاره به این موضوع دارد. این موضوع در عصر حاضر نیز مصداق عینی دارد و دشمن با هدف تغییر افکار عمومی و نگرش‌های مردم با استفاده از روزنامه‌ها، سایت‌ها، فضای مجازی و حقیقی سعی در حذف مقام ولایت در جامعه اسلامی و همچنین تخریب انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن دارد.^۲

حرکتی که در دوران پهلوی، برای تضعیف هویت اسلامی جامعه ایرانی شکل گرفته بود هم از این مقوله است و آنها به دنبال ترکیب هویت جدیدی برای ایران بودند که در کنار رواج مظاهر تجدد و مدرنیته غربی، ایجاد هویت باستان‌گرایی ایرانی در نهادهایی مثل دفتر فرح پهلوی و توسط شخصیت‌هایی مانند داریوش شایگان و احسان نراقی پیگیری می‌شد. پس از انقلاب اسلامی نیز برجسته‌سازی گرایش‌های ملی و گسل‌های قومی مانند عرب، ترک، کرد، بلوچ،

۱. اسد حیدر، امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، ص ۳۸۵.

۲. ر.ک به: «جنگ‌شناختی از قیام عاشورا تا انقلاب اسلامی ایران»، ۱۱/۰۴/۱۴۰۱؛ در:

ترکمن، لر و فارس که توسط دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی دنبال می‌شد، در همین رابطه است.

۲-۲. تحمیل گفتمان دلخواه بر افکار عمومی

یکی از محورهای جنگ شناختی که در امتداد انحراف پس از رحلت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در امت اسلامی رخ داد و توسط بنی‌امیه پیگیری شد، گفتمان خلافت برای جانشینی از پیامبر در مقابل گفتمان امامت بود. خلافت نزد اهل سنت، امری زمینی و بشری است و امام و خلیفه چیزی فراتر از یک حاکم و زمامدار عادی نیست که امر گزینش او به اختیار امت و نهاده شده است. سخنان بسیاری از عالمان اهل سنت بر این معنا گواهی می‌دهد؛^۱ برای مثال ابن‌خلدون حکومت را در زمره مصالح عامه می‌داند که به نظر امت واگذار شده است.^۲

یکی از موضوعات بسیار مهمی که به دنبال خلافت مطرح می‌شود، عدالت صحابه است؛ به گونه‌ای که اهمیت و حساسیت این بحث برای اهل سنت به مثابه بحث عصمت برای امامیه است. منظور از مفهوم عدالت در اینجا، آن ویژگی است که به فرد اهلیت لازم را می‌بخشد که به نقل حدیث بیردازد و روایت او مقبول افتد.^۳ بر این اساس بیشتر عالمان اهل سنت، عدالت جمیع صحابه را ثابت می‌دانند؛ از جمله ابن‌عبدالبرّ می‌گوید: «عدالت تمامی صحابه ثابت است»^۴ یا ابن‌جزری می‌نویسد: «تمامی صحابه عادل هستند و جرح در آنان راه نیابد».^۵ در حالی که پیروان مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ معتقدند صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر چند امتیاز و افتخار مصاحبت پیامبر را داشته‌اند و میان آنها شخصیت‌های والا مقام پیدا می‌شوند، از نظر عدالت همانند اشخاص دیگر، جمعی عادل و گروهی غیرعادل بودند.^۶

بنابراین با استناد به این تحریف که معیار و مهم‌ترین بنیان‌های دین اسلام سنت صحابه و خلفا و اجماع مسلمین است، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را باغی و خارجی معرفی کردند و اذهان جامعه

۱. محمدتقی فخلعی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)، گفتمان خلافت، ص ۸۱.

۲. ابن‌خلدون، المقدمة، ص ۸۱.

۳. محمدتقی فخلعی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)، مفهوم صحابی، ص ۲۴۹.

۴. یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبرّ، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲.

۵. ابن حجر العسقلانی، الاصابة في تميز الصحابة، ج ۱، ص ۱۷.

۶. ناصر مکارم شیرازی، دایرة المعارف فقه مقارن - چگونگی حجیت تقریر معصوم عَلَيْهِ السَّلَامُ، ص ۲۱۵.

واکنشی از خود نشان نداد. بنی‌امیه این اندیشه را با تبلیغات حيله‌گرانه و دروغ خود به مردم باورانده بودند که هر کسی علیه حاکم وقت گرچه شخصی مثل یزید خروج کند، کافر است و باید کشته شود؛ در واقع به نوعی سوءاستفاده از عنوان «اتحاد امت» کردند. از جمله افرادی که به امام حسین علیه السلام چنین نسبت‌های ناروایی داد، نمایندگان عمرو بن سعید بن عاص (حاکم مکه) است؛ او به امام حسین علیه السلام زمانی که از مکه خارج می‌شد، گفت: «یا حسین، أ لا تتقی الله! تخرج من الجماعه، و تفرق بین هذه الامه؛^۱ آیا از خدا نمی‌ترسی که از جماعت مسلمین خارج شده و تفرقه بین امت ایجاد می‌کنی؟»

در انقلاب اسلامی نیز دشمن با جنگ‌شناختی به دنبال تحمیل گفتمان‌هایی است که جامعه اسلامی را از درون استحاله کند و به اهدافی که با راه‌اندازی انواع نبردهای سخت، ترور و آشوب‌های خشونت‌بار نرسیده است، با سوار شدن بر گفتمان‌های حاکم بر جامعه و همراه‌سازی درک و شناخت اجتماعی با خود بدان‌ها دست یابد. گفتمان‌هایی که بر اساس آن اندیشه، فکر و سپس برداشت‌های اجتماعی و در نتیجه اراده اجتماعی با نظم لیبرالی و پایه‌های اعتقادی آن هماهنگ و همراه شود؛ گفتمان‌های دموکراسی، حقوق بشر، اومانیزم، فمینیسم و توسعه در مجموع مکتبی را می‌سازند که انسان و جامعه انسانی را محصور در حیات مادی و بریده از آخرت و فضایل و کمالات روحی و معنوی تعریف می‌کند و در تقابل و تضاد صریح با اسلام و ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی است.

۲-۳. تحریف حقایق و مفاهیم

یکی از تلاش‌های بنی‌امیه برای بی‌اثر کردن رسالت نبوی، تحریف حقایق ناب اسلامی بود. خداوند می‌فرماید: «أَفَنظَمُونَ أَنْ يَوْمِنَا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ».^۲ یکی از آموزه‌های کلیدی اسلام، نگاه ابزاری به دنیا و امکانات آن برای کمال در جایگاه زمینه‌های مادی تعالی فردی و اجتماعی است؛ همان‌گونه

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۵، ص ۳۸۵.

۲. «آیا طمع دارید یهودیان به شما گرایش پیدا کنند؛ درحالی‌که گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنیدند و آن را تحریف می‌کردند با اینکه آن را می‌فهمیدند و خودشان می‌دانستند» (بقره: ۷۵).

که خداوند می‌فرماید: «یا قَوْمِ إِنَّمَا هِذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»^۱. مفاهیمی چون زهد، انفاق، احسان و فضایل دیگر با نفی تعلق به دنیا و بذل آن برای کسب رضایت الهی معنا پیدا می‌کند که بنی‌امیه با تغییر این معرفت، دنیاطلبی، تجمل‌گرایی و تفاخر به دنیا را رواج دادند و در حکمرانی همچون سلاطین ایران و روم به بنای کاخ‌ها و عمارت‌ها و تجملات و تشریفات سلطنتی روی آوردند و مردم نیز به پیروی از حاکمان و بزرگان اقوام و قبایل و آلوده‌شدن بسیاری از صحابه پیامبر به زر و سیم و دنیا، دنیاطلبی و میل به حیات مادی آلوده شدند. در انقلاب اسلامی نیز دشمن بیرونی و دنباله آن در داخل که در پی استحاله انقلاب از ارزش‌های اسلامی بودند، با گسترش روح تجمل‌گرایی و آلوده‌شدن به ثروت و مکنت به تدریج روحیه انقلابی آنان تضعیف شد و به‌ناچار باید به مسیری بیندیشند و به دنبال آن باشند که زندگی دنیایی و پر نعمت و رفاه آنان همچنان تامین شود. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «دشمن امروزه دائم با مزدورپروری، با حرام‌خوارسازی و با لطایف‌الحیل افرادی را حرام‌خوار می‌کند؛ وقتی حرام‌خوار شد مثل حیوان جلال، دیگر خیلی مشکل می‌شود او را از حرام‌خواری دور کرد و مزدورپروری می‌کنند. بعضی‌ها را با تهدید بعضی‌ها را با تطمیع و انواع و اقسام این چیزها، بنابراین جنگ نرم سختی وجود دارد»^۲.

۲-۴. ترویج سکولاریزم و تکثرگرایی برای نابودی حقیقت ناب

بنی‌امیه به گونه‌ای مرموز دین و سیاست را از هم تفکیک کرد و خوانشی از این جدایی را انتخاب نمود که سیاست و حکومت همه چیز و دین ابزار و وسیله رسیدن آنان به قدرت شد. معاویه آشکارا اظهار کرد: «لا والله الا دفناً دفناً»^۳ و یزید در یاوه‌گویی مستانه‌اش به غرور گفت: «لَعَبْتُ هَاشِمًا بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ»^۴. غرب نیز فلسفه حکومتی و قوانین اجتماعی خود را بر سکولاریزم قرار می‌دهد و نسخه آن را با ترویج مدرنیته برای همه بشریت تجویز و تحمیل می‌کند. سکولاریزم در غرب در جایگاه نوعی جهان‌بینی و مکتب مطرح است که در آن

۱. «ای قوم من، جز این نیست که این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است و بدون شک جهان آخرت سرای پایدار است» (غافر: ۳۹).

2. Farsi.ckamenei.ir 19/12/1400

۳. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۵، ص ۱۲۹.

۴. علی بن موسی سید بن طاووس، غم‌نامه کربلا: ترجمه‌اللهوف علی قتلی الطفوف، ج ۱، ص ۱۹۸.

اساس مرجعیت دین و اعتبار وحی و قوانین الهی در حیات انسانی و اجتماعی انکار می‌شود؛^۱ در حالی که امام حسین علیه السلام فلسفه قیام خود را احیا و اقامه دین، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه اسلامی می‌داند: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ماکان منا تنافساً فی سلطان و لا التماساً من فضول الحطام و لکن...».^۲ امام خمینی رحمته الله نیز انقلاب اسلامی را در ادامه همان مسیر می‌داند و مقصد انقلاب را همان مقصد انبیای الهی و مکتب اسلام،^۳ نظم عادلانه اجتماعی، اقامه احکام و شریعت، تربیت و تهذیب انسان‌ها تبیین می‌کند.^۴

جهان اسلام در دوران بنی‌امیه، شاهد تحولات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی بود. کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی که در این دوران شکل گرفت، از جمله تحولاتی است که تأثیرهای عمیق و درازمدتی بر جامعه اسلامی گذاشت. مفهوم کثرت‌گرایی در این دوران به معنای پذیرش و حضور اندیشه‌ها و باورهای متفاوت مذهبی و فرهنگی در جامعه اسلامی بود.

حکومت بنی‌امیه با اتخاذ سیاست‌های خود به عمد یا غیرعمد، بستر ساز کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی بود؛ از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تبعیض نژادی و قومی، مخالفت با روحانیت شیعه و ترویج ایدئولوژی اموی اشاره کرد؛ از این رو فرقه‌هایی مانند معتزله و خوارج در این دوران با توجه به فضای سیاسی و مذهبی موجود پرورش یافتند.

پیامدهای کثرت‌گرایی و فرقه‌سازی به دوران بنی‌امیه محدود نماند و تأثیر آن تا قرن‌ها بعد در تاریخ اسلام باقی ماند. این پدیده‌ها نه تنها به نوعی جوامع اسلامی را شکل داد و هویت‌های متفاوت را پدید آورد، بلکه مبنایی برای بسیاری از بحث‌های فکری و کلامی در جهان اسلام نیز شد.

جهان مدرن نیز به اقتضای مبانی مقبولی چون اومانیسزم، لیبرالیسم و دموکراسی، بستر کثرت‌گرایی شد. کثرت‌گرایی (پلورالیسم) در واقع پذیرش همه عقاید و باورها در کنار هم و نفی برتری هیچ‌کدام از آنهاست و از اینجا ناشی می‌شود که حق مطلق وجود ندارد و هر عقیده و فکری برای خودش درست و حق است و اصولاً نمی‌توان از دریچه فکری دیگری حقانیت یا

۱. حسن واعظی، ایران و آمریکا، ص ۳۲۷.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۷۰.

۳. سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۵۰؛ همو، حکومت اسلامی، ص ۷۰.

۴. سید روح‌الله موسوی خمینی، حکومت اسلامی، ص ۷۰.

عدم حقانیت عقیده را مورد قضاوت قرار داد. البته خیلی زود در اوایل قرن بیستم تضادهای بزرگ در جامعه غربی که سرچشمه آن عقاید فلسفی لیبرالیسم، فاشیسم، نازیسم و سوسیالیزم بود، آشکار شد و در نتیجه جنگ‌های خانمان‌سوز جهانی اول و دوم پدید آمد. چاره‌یابی تمدن مادی و تکثرگرایی غرب این بود که معیارهایی از حق را که مقبول همگان بود، به طور قراردادی توسط نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و شورای امنیت و نهادهایی مانند حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری و انواع میثاق‌های بین‌المللی ایجاد کند. جوهر این کثرت‌گرایی، جنگ با ادیان الهی و دعوت پیامبران الهی است. وقتی خدا، پیامبران، وحی الهی و ائمه از صحنه اداره نظم جهان حذف شدند، فرقی ندارد که بنی‌امیه باشند یا نظم جهانی مادی و مدرن و هر کدام به‌هرحال به کثرت‌گرایی می‌رسند و نتیجه آن تنازع همیشگی بین مکاتب و فرقه‌ها و در نتیجه جوامع بشری و نیز دورشدن بشر از حقیقت ناب و هدایت الهی است که باید توسط پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام تحقق یابد.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج‌البلاغه، محقق/ مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن حجر العسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، مکه: دار الباز، ۲۰۰۷ م.
۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد، المقدمة، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۴. ابن‌طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۵. ابن‌عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب، لبنان: دارالجلیل، ۱۹۹۲ م.
۶. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف‌العقول، قم: بصیرتی، ۱۳۹۴ ق.
۷. حیدر، اسد، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش.
۸. شریعتی، مهدی، بررسی مصادر و منابع فقه فریقین، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

ووجه تشابه جنگ شناختی در قیام عاشورا و انقلاب اسلامی ■ ۴۱

۹. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۱۰. العاملی، جعفر مرتضی، تحلیلی از زندگانی سیاسی امام حسن مجتبی علیه السلام، مترجم: محمد سپهری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. علیخانی، علی، امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده اطلاعات، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. فخلعی، محمد تقی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی (دفتر اول)، گفتمان خلافت، تهران: مشعر، ۱۳۸۳ ش.
۱۳. ماه‌پیشانی، مهسا، جنگ نرم در فضای رسانه و سایبر، تهران: نشر اولیا، ۱۳۸۹ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، دایرةالمعارف فقه مقارن - چگونگی حجیت تقریر معصوم علیه السلام، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۱ ش.
۱۶. _____، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ ش.
۱۷. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: سروش، ۱۳۷۹ ش.

سایت‌ها

1. <https://www.linkedin.com/pulse/cognitive-warfare-democracy-critical-analysis-ethical-holitschke-dleue>
2. <https://farsi.iranpress.com>
3. Farsi.ckamenei.ir 19/12/1400 .

عاشوراییان: پاسداران حیا، عفاف و حجاب

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

خدای متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»^۱ ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند، بگو چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد].»

افزون بر آیات متعدد مبنی بر لزوم حیا و حجاب،^۲ روایات فراوانی هم در وجوب حجاب زنان وجود دارد^۳ که نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه حجاب است.

«حجاب» همان پوشش ویژه و «عفاف»^۴ خصلتی فراتر از حجاب است؛ درحقیقت «عفاف» حالتی درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می‌دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان مانند حجاب نمایان می‌شود؛ ولی عفاف کفایت از حجاب نمی‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. احزاب: ۵۹.

۲. نور: ۳۰ - ۳۱.

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۸، ص ۵۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۱۶.
۴. عفاف و پاکدامنی از فضایل اخلاقی و حالتی در وجود انسان است که آدمی را از انجام محرّمات باز می‌دارد. عفت در کنار عدالت، شجاعت و حکمت از پایه‌های بنیادین فضایل اخلاقی و حد واسط میان شرّه (فرورفتن در شهوات) و خمودگی (دوری‌گزیدن از لذت‌های مشروع دنیوی) است. عفت جنسی، عفت در گفتار، عفت مالی و عفت شکم از اقسام عفت است و آثاری مانند استحکام در خانواده، آرامش روانی جامعه و آموزش گناهان را در پی دارد.

فرمود: «الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ؛ عَفَّتْ سِرْجِشْمُهُ هَمَّةٌ خُوبِي هَاسْت.» از دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام، عفاف ثمره و ویژگی حیاست: «تَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعِفَّةُ؛ ۲ میوه و ویژگی حیا، عفاف است».

عاشوراییان مدافعان حیا و عفاف

موضوع حیا و عفاف و حجاب در حماسه عاشورا بسیار برجسته است؛ به طوری که این مهم در مراحل حساس و بحرانی این قیام همواره مورد توجه عاشوراییان بوده است. ایمان اصلاً بدون حیا و عفاف معنا ندارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ ۳ ایمان ندارد کسی که حیا ندارد». عاشوراییان که در اوج ایمان قرار دارند، به یقین در داشتن و محافظت از این فضائل اخلاقی نمونه‌اند. به طور کلی می‌توان گفت انقلاب عاشورا، مقابله حیا با بی‌حیایی و عفاف با بی‌عفتی و در یک کلام مقابله فضایل با رذایل است.

با توجه به دلایل عقلی و نقلی حجاب و عفاف در اسلام بود که حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران غیرتمند ایشان در جریان حماسه عاشورا، همواره نگران حجاب و عفاف و حیای بانوان و دختران بودند؛ همچنین یکی از مهم‌ترین درس‌های عاشورا برای نسل امروز همین است. در این نوشتار به مواردی از اهتمام و نگرانی‌های عاشوراییان به موضوع حیا و عفاف و حجاب پرداخته می‌شود.

پوشش حداکثری بانوان عاشورایی

حجاب و پوشش حداکثری بانوان در کربلا و مراقبت امام حسین علیه السلام و یارانش برای حفظ حریم بانوان اهل بیت علیهم السلام، بهترین الگوی حفظ حجاب برای عاشقان سیدالشهدا علیه السلام است. سیره زنان اهل بیت علیهم السلام بر این بود که با وجود حضور در صحنه‌های مهم سیاسی و اجتماعی، خود را در معرض دید نامحرم قرار نمی‌دادند و از پوشش حداکثری استفاده می‌کردند؛ تا جایی که حتی چهره‌های ایشان را نامحرم نمی‌دید. آنچه در کربلا واقع شد، به یقین موجب معلوم‌شدن صورت بعضی از خانم‌ها برداشته‌شدن و نقاب و روبنده ایشان شد. کشف وجه گرچه حرمت شرعی

۱. آقاجمال خوانساری، شرح غرر الحکم و دُرر الکلم، ج ۱، ص ۴۲۱.

۲. همان، ج ۷، ص ۸۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۵۵۳.

ندارد، همین کشیدن روبند و معلوم شدن چهره، هتک حرمت زنان اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌آید.

حضرت زینب کبری علیها السلام و دیگر زنان و دختران اهل حرم امام حسین علیه السلام، تأکید بر رعایت حجاب حداکثری داشتند تا جایی که چهره‌های ایشان را تا آن موقع نامحرم ندیده بود. سید بن طاووس می‌نویسد: ابن سعد، بقیه روز عاشورا و تا ظهر روز بعد را توقّف کرد و: «حَمَلَ نِسَاءَ علیها السلام عَلَى أَخْلَاسِ أَقْتَابِ الْجَمَالِ بَغَيْرِ وَطْءٍ مُكْشَفَاتِ الْوُجُوهِ بَيْنَ الْأَعْدَاءِ - وَ هُنَّ وَدَائِعُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ؛^۱ سپس با بازماندگان خانواده حسین علیه السلام حرکت نمود و همسران امام علیه السلام را بر پارچه‌ای روی تخته و بر کوهان شتران بی‌جهاز و بی‌پوشش نشانند و با صورت‌های باز میان دشمنان حرکت داد؛ درحالی که آنان امانت بهترین پیامبران بودند».

خورشید روی قله نی آشکار شد کوچک‌ترین ستاره سر شیرخوار شد
ناموس حق به ناقه عربان سوار شد هشتاد و چهار خسته به هم، هم قطار شد

شیخ صدوق رحمته الله کیفیت پوشش بانوان حرم را هنگام ورود به شام از زبان همراهان قافله چنین توصیف می‌کند: «فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكْشَفَاتِ الْوُجُوهِ؛^۲ چون به شام رسیدیم، روز روشن زنان و اسیران را صورت‌های باز وارد کردند». منظور تعرض به حجاب حداکثری (چادر روئین و نقاب) و باز شدن چهره‌های آن گرامیان در مقابل نامحرمان بوده است که در گذشته اتفاق نیفتاده بود.

در ادامه به گزارش‌هایی درباره نگرانی عاشوراییان از تعرض دشمن به حجاب و عفاف و حیای بانوان اهل بیت علیهم السلام می‌پردازیم.

۱. آغاز حرکت کاروان حیا و عفاف

شبی از شب‌های ماه رجب سال ۶۰ قمری کاروان امام حسین علیه السلام با شکوه و جلال از مدینه به سوی مکه حرکت می‌کرد؛ درحالی‌که دو بانوی «حیا» و عفت را جوانان بنی‌هاشم و در رأس همه سید جوانان اهل بهشت احاطه کرده بودند. راوی می‌گوید: چهل محمل را دیدم که با پارچه‌های حریر [ابریشم] و دیباج زینت شده بودند. در این وقت امام حسین علیه السلام دستور داد

۱. علی بن موسی سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ج ۱، ص ۱۸۹.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، امالی، ج ۱، ص ۲۳۰.

بنی هاشم زن‌های محرم خود را سوار بر محمل‌ها نمایند. سپس در این حال من نظاره می‌کردم که ناگهان جوانی از منزل امام حسین علیه السلام بیرون آمد، درحالی‌که قامت بلندی داشت و بر گونه او علامتی بود و صورتش مانند ماه می‌درخشید و می‌فرمود: "تنحو یا بنی هاشم: بنی هاشم کنار روید" و آن‌گاه دو زن از خانه حسین علیه السلام خارج شدند؛ درحالی‌که دامانشان بر اثر حیای از مردم به زمین کشیده می‌شد و دور آن دورا خادمانشان احاطه نموده بودند. سپس آن جوان به سوی یکی از محمل‌ها پیش رفت و زانوی خود را تکیه داد و بازوی آنها را گرفت و بر محمل سوار کرد. من از بعضی پرسیدم آن دو بانو کیستند؟ جواب دادند: یکی از آنها زینب علیه السلام و دیگری ام‌کلثوم دختران امیرالمؤمنین علیه السلام هستند. سپس گفتم: این جوان کیست؟ گفته شد: او قمر بنی هاشم، عباس فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام است. سپس دو دختر صغیر را دیدم که گویا امثال آنها آفریده نشده است. سپس یکی را همراه زینب و دیگری را همراه ام‌کلثوم سوار نمودند. سپس از (اسم) آن دو دختر پرسیدم. گفته شد: یکی سکینه و دیگر فاطمه، دختران امام حسین علیه السلام می‌باشند. آن‌گاه بقیه بانوان به همین جلالت و عظمت و حیا و متانت سوار شدند و حسین علیه السلام ندا داد: «این اخی، این کیش کتیبی این قمر بنی هاشم: کجاست عباس قمر بنی هاشم؟» عباس عرض کرد: لبیک، لبیک، ای آقای من. فرمود: اسبم را بیاور. اسب آقا را حاضر کرد. آن‌گاه حضرت بر آن سوار شد و بدین‌سان کاروان حیا، عفت و متانت و نجابت مدینه را ترک گفت.^۱

۲. نگرانی جناب قاسم علیه السلام

محدث قمی نقل می‌کند قاسم بن الحسن - یادگار حضرت مجتبی علیه السلام - هنگامی که در شب عاشورا شنید عمویش امام حسین علیه السلام به اصحابش بشارت می‌دهد فردا تمامی آنها شهید خواهند شد، از امام علیه السلام سوال کرد: «عمو جان، آیا من هم در ردیف شهدا خواهم بود؟» امام فرمود: «یا بنی، کیف الموت عندك؛ پسر مرگ را چگونه می‌بینی؟» نوجوان خوش‌سیما با تمام خلوص و صفا پاسخ داد: «احلی من العسل؛ مرگ در راه حق از عسل شیرین‌تر است». قاسم پرسش خود را تکرار کرد: «آیا من هم در ردیف شهدای کربلا خواهم بود؟» امام علیه السلام پاسخ داد: «عمویت فدای تو باد، بلی به خدا قسم تو را هم در ردیف یارانم خواهند کشت، حتی کودک شیرخواره‌ام عبدالله را نیز به شهادت می‌رسانند». فرزند غیرتمند امام مجتبی علیه السلام با شنیدن این

۱. مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۲۰؛ موسوعة کلمات الامام حسین علیه السلام، ص ۲۹۷ - ۲۹۸.

سخن به سوی عمویش دوید و پرسید: «یا عم و یصلون إلی النساء حتی یقتل عبداللّه و هو رضیع؟» عمو جان، آیا آنها به خیمه‌گاه می‌رسند و بعد از تسلط به خیمه‌ها و بانوان، عبدالله را می‌کشند؟» آن‌گاه امام علیه السلام کیفیت شهادت طفل شیرخواره را برای قاسم شرح داد.^۱

۳. آیا یآوری برای دفاع از ناموس رسول الله وجود دارد؟

زمانی که یاران همه شهید شدند، امام حسین علیه السلام یکه و تنها در میدان حاضر شد و یاران باوفایش را صدا زد: «ای مسلم بن عقیل، ای هانی بن عروه، ای حیب بن مظاهر، ای زهیر بن قین، ... ای مسلم بن عوسجه، ... ای علی بن الحسین، ای دلاورمردان خالص، و ای سواران میدان نبرد، چه شده است که شما را صدا می‌زنم، ولی پاسخم را نمی‌دهید؟ و شما را می‌خوانم، ولی دیگر سختم را نمی‌شنوید؟ آیا به خواب رفته‌اید که به بیداری‌تان امیدوار باشم؟ یا از محبت امامتان دست کشیده‌اید که او را یاری نمی‌کنید؟ این بانوان از خاندان پیامبرند که از فقدان‌تان ناتوان شده‌اند. از خوابتان برخیزید، ای بزرگواران و از حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر طغیانگران پست دفاع کنید».^۲

امامی که هرگز تن به ذلت نداد، در آخرین لحظات برای دفاع از عفاف حرم و ناموس خدا فرمود: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الدریة الأطهار، هل من مجیر لآبناء البتول، هل من ذاب یدب عن حرم الرسول؟»^۳ آیا رحم‌کننده‌ای هست که به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ترحم کند؟ آیا یاری‌کننده‌ای هست که فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را یاری دهد؟ آیا کسی هست که به فریاد فرزندان زهرای بتول برسد؟ آیا دفاع‌کننده‌ای هست که از خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله دفاع کند».

۴. شایعه حمله به خیمه‌ها و برگشت امام علیه السلام از فرات

نهایت اهمیت حضرت سیدالشهدا علیه السلام برای حفظ و پاسداشت منزلت بانوان را می‌توان در این گزارش مشاهده کرد: «امام بعد از شهادت تمام یاران، برای تجدید قوا به سوی رود فرات تاخت و خود را به آب رساند. همین که خواست جرعه‌ای آب بنوشد، شخصی از لشکر عمرسعد فریاد

۱. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ج ۱، ص ۲۰۸.

۲. مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطين، ج ۲، ص ۱۷ - ۱۸.

۳. جمعی از نویسندگان، کلمات الإمام الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۶ - ۵۰.

زد: «ای اباعبدالله، با نوشیدن آب لذت می‌بری، حال آنکه به حرم تو تعرض می‌شود». امام بی‌درنگ و حتی بی‌آنکه آب بنوشد، آبی را که در دست گرفته بود، بر زمین ریخت و باشتاب به سوی خیمه‌ها آمد و دید به خیمه‌ها تعرضی نشده است.^۱ یعنی دشمن با سوءاستفاده از غیرت امام علیه السلام و با یک شایعه و خبر دروغ حضرت را از نوشیدن آب باز داشته است؛ با اینکه امام حسین علیه السلام با چه تلاشی به آب رسیده بود.

۵. اگر دین ندارید، آزاده باشید

امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات عمر که دیگر طاقت حرکت نداشت تا متوجه شد ناموشش در معرض چشمان نامحرمان قرار می‌گیرد، خود را به زحمت روی زمین به سمت خیمه‌گاه کشید و جمله معروفش را فرمود: «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَةَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ؛^۲ اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، دست‌کم در دنیای خود آزاده باشید»؛ یعنی دست‌کم تا من زنده هستم، به طرف خیمه بانوان نروید. مفهوم سخن امام علیه السلام آن است که به من چند ضربه، شمشیر و تیر بیشتر بزنید؛ ولی به سمت خیمه بانوان نروید. بعد حضرت فرمود: «این منم که با شما می‌جنگم و شما هم با من مبارزه می‌کنید. زنان را گناهی نیست، پس متجاوزان و ستمگران و جاهلان خود را تا زمانی که زنده‌ام، از خیمه‌گاه من باز دارید».^۳

۶. خواهرم، مراقب نامحرمان باشید

وقتی حضرت زینب علیها السلام دید که حضرت اباعبدالله با تنی پر از زخم در گودال قتلگاه افتاده است، به میدان دوید؛ زمانی که امام حسین علیه السلام زیر خنجر مشاهده کرد خواهرش زینب علیها السلام در آنجا حضور دارد و در برابر چشمان نامحرمان قرار گرفته است، حضرت علیه السلام با شدت زخم و عطشانی که دارد درحالی‌که عزیزانش را از دست داده است، در آن لحظه از حجاب حرم خود غافل نشد و خطاب به حضرت زینب علیها السلام فرمود: «یا اختاه، ارجعی الی القسطة؛^۴ خواهرم برگرد به خیمه‌ها»؛ چون نخواست زینب علیها السلام جلوی چشم نامحرمان و میان نامحرمان باشد.

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب، ج ۳، ص ۲۱۵.

۲. محمداقصر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۵۱.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸.

۴. جعفر بن ابی‌ابراهیم ابن‌نما حلی، مثير الاحزان، ص ۷۵.

زمانی که بانوان اهل حرم به بالای سر امام حسین علیه السلام در گودی قتلگاه آمدند، امام علیه السلام فرمود: «برگردید تا مبادا دشمن صدای گریه شما را بشنوند و نامحرم شما را ببیند». امام حسین علیه السلام خطاب به اهل حرم فرمود: «أَنْظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشْفِقَنَّ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَحْمِشَنَّ عَلَيَّ وَجْهًا؛^۱ مراقب باشید که وقتی من کشته شدم، گریبان خود را چاک مدهید و صورت خویش را مخرائید».

۷. درخواست ملزومات حجاب

اهمیت عفاف و حجاب برای اهل بیت علیهم السلام چنان اهمیت داشت که بعد از غارت خیام از عمرسعد فقط لوازم حجاب را درخواستند: «وَسَأَلَتْهُ النَّسْوَةُ لِيَسْتَرْجِعَ مَا أَخَذَ مِنْهُنَّ لِيَسْتَرْزَنَ بِهِ...؛^۲ پس از روز عاشورا و اسارت زنان خاندان پیامبر صلوات الله وسلاماته، آنان از عمرسعد خواستند تا آنچه از ایشان گرفته شده است، بازگردانده شود تا خود را با آن بپوشانند؛ اما این خواسته اثری نداشت. ابن سعد با اسیران حرکت کرد... و هنگامی که به کوفه نزدیک شدند، اهالی آنجا برای تماشای آنان آمدند. زنی از کوفیان بر بالای بام آمد و پرسید: «مِنْ أَيِ الْأَسَارِيِّ أَنْتُنَّ؟^۳ شما از کدام اسیران هستید؟» گفتند: «نَحْنُ أَسَارِي آلِ مُحَمَّدٍ؛ ما اسیران خاندان محمدیم». آن زن از بام پایین آمد و چادر و پیراهن و مقنعه جمع کرد و به آنان داد تا خود را بپوشانند. آری، زنان عاشورایی برای حفظ کرامت و شخصیت خود پوشش را بر همه چیز مقدم داشتند.

۸. نهیب ام کلثوم به نامحرمان

پاسدار عفت و پاکی منم با حیا در چادر خاکی منم
من حیا را مرزرداری کرده‌ام بانوان را جمله یاری کرده‌ام

ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین علیه السلام که زنی با فصاحت و بلیغ و سخنور بود و در مدت اسارت پیوسته با سخنانش ستم حکام را افشا می‌کرد، وقتی کاروان اسرا را به کوفه وارد کردند، در جمع انبوه حاضران به سخن پرداخت و آنان را به دلیل سستی و کوتاهی در یاری امام حسین علیه السلام نکوهش کرد. در بدو ورود به کوفه، مردم به تماشای آنان گرد آمده بودند. ام کلثوم بر سر آنان فریاد

۱. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵ ص ۸۴؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ج ۱، ص ۳۴۶.

۳. جعفر بن ابراهیم ابن نما حلی، منیر الأحزان، ص ۸۵.

کشید: «یا أَهْلَ الْكُوفَةِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ أَنْ تَنْظُرُوا إِلَى حَرَمِ النَّبِيِّ؛^۱ ای مردم کوفه، آیا از خدا و رسول حیا نمی کنید از اینکه به حرم و دودمان پیامبر نگاه می کنید؟».

۹. هزینه مادی برای حفظ حجاب

حجاب و عفاف چنان مهم بود که در گزارشی از ورود اسرای کربلا به شام آمده است بنا به تقاضای حضرت سکینه خاتون دختر امام حسین علیه السلام از یکی از اصحاب اهل بیت علیهم السلام وی مبلغ کلانی را پرداخت تا با تغییر در کاروان، نگاه نامحرمان از بانوان اهل بیت علیهم السلام دور شود. سهل بن سعد ساعدی^۲ وقتی اسیران را شناخت که از دودمان پیامبرند، جلورفت و از یکی از آنان پرسید: تو کیستی؟ گفت: سکینه، دختر امام حسین علیه السلام. پرسید: آیا کاری و حاجتی داری که من برایتان انجام دهم؛ من سهل ساعدی، صحابی جدت رسول خدایم. سکینه فرمود: «یا سعد قل لصاحب هذا الرأس أن يقدم الرأس أماننا حتى يشغل الناس بالنظر إليه ولا ينظروا إلى حرم رسول الله صلى الله عليه وآله؛^۳ به نیزه داری که این سر را می برد، بگو جلوتر از ما حرکت کند تا مردم به نگاه کردن آن مشغول شوند و به حرم رسول الله صلى الله عليه وآله چشم ندوزند». سهل به سرعت رفت و چهارصد دینار طلا به نیزه دار داد و او هم سر مطهر را از زنان دور برد.^۴

۱۰. گزارش های دیگر

با مروری به تاریخ کربلا و متن مقاتل و منابع، غیرت مردان عاشورایی و اصرار بانوان حرم برای حجاب در مقابل نامحرمان در جای جای گزارش های کربلایی به روشنی دیده می شود که برخی از آنها عبارت اند از:

الف) دفاع بانویی غیور از ناموس آل الله در غارت خیام؛^۵

ب) زیورآلات فدای حیا و عفت؛^۶

۱. مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۴۰۰.

۲. سهل بن سعد ساعدی، از صحابه رسول خدا صلى الله عليه وآله و یاران امام علی علیه السلام.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۲۷.

۴. همان.

۵. یا آل بکرٍ أْتَسَلَبُ بِنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ! لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، يَا ثَارَاتِ رَسُولِ اللَّهِ (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج

۴۵، ص ۵۸).

۶. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰۴.

- ج) نگرانی دختر امام حسین علیه السلام از حجاب هنگام غارت خیام؛^۱
د) دستور امام سجاد علیه السلام به بانوان حرم در کربلا؛^۲
ه) تنها درخواست بانوان در عصر عاشورا؛^۳
و) مقاومت برای حجاب در غارت خیام؛^۴
ز) عفاف زینب در مجلس ابن زیاد.^۵

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، أمالی، قم: نشر بعثت.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، قم: المكتبة الحيدرية، ۱۴۳۲ ق.
۳. ابن نما حلی، جعفر بن ابی ابراهیم، مثير الأحزان، قم: نشر مدرسة الإمام المهدي علیه السلام.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۵. خوانساری، آقا جمال، شرح غرر الحکم و دُرر الکلم، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۶۶ ش.
۶. سید بن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، المحقق: الشیخ فارس تبریزیان، تهران: دار الاسوه، ۱۴۱۷ ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۸. گروهی از نویسندگان، موسوعة کلمات الامام حسین علیه السلام، قم: معهد تحقیقات باقر العلوم علیه السلام، [بی تا].
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

-
۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۶۰ - ۶۱.
 ۲. هنگام غارت خیمه‌ها، حضرت زینب علیها السلام در برابر هجوم نامحرمان بنی امیه برای حفظ حرم از نامحرم، از امام سجاد علیه السلام چاره خواست؛ حضرت امام سجاد علیه السلام برای اینکه اهل بیت علیهم السلام را از دست و نگاه نامحرم مصون نگه دارد، فرمود: عمه جان به خانم‌ها بگو: «علیکن بالفرار: بر شماست که در صحرا پراکنده شوید».
 ۳. شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.
 ۴. «ثم اشتغلوا بنهب عيال الحسين و نسائه...» (جعفر بن ابراهیم ابن نما حلی، مثير الأحزان، ص ۷۷)؛ «تَسَابَقَ الْقَوْمُ عَلَى نَهْبِ بُيُوتِ آلِ الرَّسُولِ...» (سید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۳۲)؛ «و كانت سكينه تستر وجهها بزندها...» (اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء علیها السلام، ج ۷، ص ۳۲۲)؛ «... فقال لها: و ما يبكيك؟ قالت: كيف لا تبكي من ليس لها ستر تستر وجهها...» (اسماعیل انصاری زنجانی، الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء علیها السلام، ج ۷، ص ۳۲۲).
 ۵. سید نورالدین جزایری، خصائص زینبیه، ص ۱۵۶.

عاشورا تجلی وحدت موحدان عالم و نفی نژادپرستی

فرح‌الله میرعرب*

اشاره

عاشورا یادگار نهضت جاوید امام حسین علیه السلام است که جمعیت به ظاهر کوچکی جان خود را در راه حفظ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله فدا کردند. یاران امام حسین علیه السلام در عاشورا نه تنها یک شکل و یک‌رنگ نبودند، بلکه از نظر طبقات اجتماعی و فکری نیز یکسان نبودند. تصویری که از شب عاشورا ثبت و ضبط شده است، نشان می‌دهد یاران امام علیه السلام تا چه اندازه «آزاد» بودند. از مطالعه تاریخ می‌فهمیم تنوع و رنگارنگی عجیبی میان یاران امام بود؛ برعکس افراد در سپاه دشمن، مردمانی سطحی‌نگر، قبیله‌گرا، نژادپرست و دنیاگرا بودند که برای مال دنیا حاضر بودند آخرت خود را تباه کنند؛ درحالی‌که اصحاب امام علیه السلام صاحب فکر و فهم بودند و در شب عاشورا وعده پول و مقام نگرفتند، بلکه خبر کشته‌شدن دریافت کردند. امام علیه السلام شب عاشورا خطاب به یارانش فرمود: «خدایان از جانب من پاداشی نیکو دهد. بدانید که من می‌دانم فردا سرنوشت ما با این دشمنان چه خواهد شد. اکنون به همه شما اجازه رفتن می‌دهم، پس همه آزادید که بروید و بیعتی از من بر گردن شما نیست»^۱.

در توصیف امام و عاشوراییان باید گفت:

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی	جسم‌شان معدود لیکن جان یکی
غیرفهم و جان که در گاو و خرس	آدمی را عقل و جانی دیگرست
جان حیوانی ندارد اتحاد	تو مجو این اتحاد از روح باد

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. محمد ابن سعد، ترجمه الحسین علیه السلام و مقتله، ج ۱، ص ۷۰.

جان گرگان و سگان هر یک جداست متحد جان‌های شیران خداست^۱
در این نوشتار به معرفی تعدادی از یاران امام حسین علیه السلام می‌پردازیم.

۱. یاران خاص و بزرگ

گروهی از شخصیت‌هایی که میان موحدان متحد کربلا مانند خورشید می‌درخشیدند و جمع متحدان با حسین علیه السلام را آذین بسته بودند، عبارت‌اند از:

الف) حضرت علی اکبر علیه السلام

حضرت علی اکبر علیه السلام که تربیت شده مکتب حسینی و در کنار جدش امیرالمؤمنین علیه السلام بزرگ شده بود، دانشمندی الهی بود. در معرفی علی اکبر علیه السلام همین بس که پدرش امام حسین علیه السلام، او را شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از نظر قیافه ظاهری، اخلاق و سخن‌گفتن معرفی می‌کند^۲ و در نقلی فرمودند: «هنگامی که ما مشتاق دیدن پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شدیم، به چهره علی اکبر نگاه می‌کردیم»^۳.

ب) حضرت عباس بن علی علیه السلام

درباره شخصیت حضرت عباس علیه السلام، همین بس که امام صادق علیه السلام در وصف او می‌فرماید:
كَانَ عَمُّنَا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ، صَلْبَ الْإِيمَانِ، جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَأَبْلَى بَلَاءً حَسَنًا
وَمَضَى شَهِيدًا؛^۴

عموی ما عباس علیه السلام دیده‌ای تیزبین و ایمانی استوار داشت. همراه حسین علیه السلام جهاد کرد و از امتحان سرافراز بیرون شد و سرانجام به شهادت رسید.
امام سجاد علیه السلام در وصفش می‌فرماید:

خدا عمومیم عباس را رحمت کند که ایشار کرد و خود را به سختی افکند و در راه برادرش
جانبازی کرد، تا آنکه دست‌هایش از پیکر جدا گردید. آن‌گاه خداوند به جای آنها دو بال به وی
عنایت فرمود که در بهشت همراه فرشتگان پرواز کند، همان‌سان که برای جعفر طیار قرار داد.

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بخش ۱۷.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۱۳؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴.

۳. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴؛ علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف، ص ۱۱۳.

۴. محمد بن طاهر سماوی، ابصار العین، ص ۳۰.

عباس نزد خداوند مقامی دارد که همه شهدا در قیامت بدان غبطه می‌خورند.^۱

ج) حبیب بن مظاهر

حبیب از اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ همچنین در همه جنگ‌ها کنار امام علی عَلَيْهِ السَّلَام حضور داشت و از یاران خاص و از حاملان آن حضرت دانسته می‌شد.^۲ او عضو شرطة الخمیس (نیروی ضربتی و گوش‌به‌فرمان علی عَلَيْهِ السَّلَام) بود.^۳ حبیب از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام، علم منایا و بلایا (علم به اموری که بعدها اتفاق خواهد افتاد) را آموخته^۴ و حافظ قرآن کریم بود. از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که او هر شب قرآن را ختم می‌کرد.^۵ گفتگویی از او و میثم تمار سال‌های پیش از واقعه کربلا، نشان می‌دهد که هر کدام شیوه شهادت دیگری را پیشگویی کرده‌اند.^۶ او در برابر پیشنهاد امان و پول برای دست برداشتن از یاری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، گفت: «ما نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عذری نداریم که زنده باشیم و فرزند رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مظلومانه به قتل برسانند».^۷

۲. یاران فراری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

الف) انس بن حارث کاهلی

در واقعه عاشور پیرمردانی از اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام بودند. یکی از آنها انس بن حارث کاهلی است. انس پیرمرد سالخورده^۸ و از طایفه قبیله بنی‌اسد بود.^۹ گفته‌اند او در جنگ بدر و جنگ حنین نیز شرکت داشته است.^{۱۰} وی در روزهایی که خبر حرکت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام به سمت کوفه را شنید، از محل زندگی خود (کوفه)، برای پرهیز از واردشدن در

۱. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۶۸.

۲. محمد بن ظاهر سماوی، ابصار العین، ص ۱۲۷.

۳. محمد بن محمد مفید، الاختصاص، ص ۲ - ۷.

۴. محمدتقی مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۴۶۳.

۵. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۱۲۴.

۶. محمد بن ظاهر سماوی، ابصار العین، ص ۱۲۷.

۷. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۵۵۳.

۸. عباس جلالی، سلحشوران طف (ترجمه ابصار العین)، ص ۱۲۶.

۹. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۶۰.

۱۰. محمدهادی امینی، اصحاب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و الرواة عنه، ج ۱، ص ۶۸.

جنگ، از آن شهر خارج شد تا خود را از خطر دور کند؛ ولی در منزلگاه «قصر بنی مقاتل»، گفتگوی امام حسین علیه السلام با عبیدالله بن حر جُعفی را شنید. او نیز برای فرار از همراهی با حسین علیه السلام از کوفه خارج شده بود و وقتی که امام علیه السلام تصادفی در مسیر فرار او را دیده بود، نصیحتش کرد، یاری امام علیه السلام را نپذیرفت. پس از شنیدن گفتگو به خود آمد و نزد امام آمد و گفت:

به خدا سوگند از کوفه خارج نشدم جز به این سبب که همانند عبیدالله بن حر، جنگیدن با تو یا جنگیدن در کنار تو را ناخوش داشتم؛ ولی خداوند یاری تو را در دلم انداخت و به همراهی با تو برانگیخت.^۱

این شخصیت هم با چنین خصوصیتی آزادانه، جاذبه حسینی امانش نداد و او را در صف یاران قرار داد!

ب) زهیر بن قین بجلی

یکی دیگر از شخصیت‌ها و شهدای مشهور کربلا، زهیر بن قین است. او تاجری ثروتمند و از هواداران عثمان به شمار می‌رفت که کسی فکر نمی‌کرد او به اصحاب امام حسین علیه السلام پیوندد. او سال ۶۰ قمری، با همسرش به همراه برخی از خویشاوندان و اهل قبیله‌اش در مسیر مکه به کوفه، در یکی از منازل بین راه با امام حسین علیه السلام و همراهانش که به سوی کوفه در حرکت بودند، در نزدیکی هم خیمه زدند.^۲

امام حسین علیه السلام شخصی را نزد زهیر فرستاد و خواستار ملاقات با او شد. دعوت امام علیه السلام چنان غافل‌گیرانه بود که افراد سر سفره لقمه‌هایشان را انداختند و میخکوب شدند. زهیر در ابتدا تمایلی به این دیدار نداشت؛ اما به توصیه همسرش - دَلْهَم دختر عمرو - نزد امام حسین علیه السلام حاضر شد.^۳ این دیدار مسیر زندگانی زهیر را تغییر داد. او پس از این ملاقات کوتاه که گزارش دقیقی هم از جزئیاتش در تاریخ نیست، شادمان نزد خانواده و دوستانش بازگشت و فرمان داد تا

۱. احمد بن یحیی بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۳، ص ۱۷۵.

۲. احمد بن داود دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۴۶.

۳. محمد بن طاهر سماوی، إِبصار العین فی أنصار الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۲.

خیمه و بار و بُنه او را به کنار خیمه امام حسین علیه السلام منتقل کنند.^۱
زهیر با همسرش نیز وداع کرد و بنا به نقلی همسرش را طلاق داد و به او گفت: «نزد خانواده‌ات برگرد، زیرا نمی‌خواهم از سوی من چیزی جز خوبی به تو برسد».^۲
زهیر بعد از وداع با همسرش، به همراهانش گفت: «هرکه دوست‌دار شهادت است، همراه من بیاید، وگرنه برود و این آخرین دیدار من با شماست».^۳ زهیر برای نزدیکان خود نقل کرد که سلمان فارسی گفته است: «آن‌گاه که سید جوانان آل محمد صلی الله علیه و آله را درک کردید، از پیکار و کشته‌شدن در کنار او بیش از دستیابی به غنایم شادمان باشید».^۴

۳. فرماندهان و نیروهای سپاه دشمن

بخشی از شهدای کربلا که وحدت خونینی را رقم زدند، از وابستگان سپاه دشمن و حتی از سران سپاه آنان بودند که در ادامه به برخی از آنان اشاره می‌شود.

الف) حر بن یزید ریاحی

حر بن یزید از مشهورترین جنگاوران کوفه بود.^۵ در برخی منابع، از وی با عنوان صاحب شُرطه (رئیس پلیس) عبیدالله بن زیاد یاد شده است.^۶ او به دستور عبیدالله بن زیاد به فرماندهی بخشی از سپاه اعزامی برای مواجهه با امام حسین علیه السلام منصوب شد.^۷ امام حسین علیه السلام در منزل‌گاه ذی‌حُسم با حرّ و سپاهش روبرو شد.^۸ به گفته منابع، حرّ نه برای جنگ، بلکه برای انتقال امام نزد

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۷ - ۱۶۸؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۵۲ - ۴۵۳.

۲. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۹۶؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد، ص ۷۲ - ۷۳.

۳. احمد بن داود دینوری، الاخبار الطوال، ص ۲۴۶ - ۲۴۷.

۴. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۳؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲۳.

۵. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۹۲ - ۴۲۷؛ اسماعیل ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۱۹۵.

۶. عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، المنتظم، ج ۵، ص ۳۳۵؛ عمر بن مظفر ابن وردی، تاریخ ابن وردی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۷. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۲۲.

۸. همان، ص ۴۰۰.

ابن‌زیاد اعزام شده بود و از این‌رو با سپاهیان‌ش رودرروی توقفگاه کاروان امام صف‌آرایی کرد.^۱ حر و سپاهیان‌ش هنگام ظهر و درحالی‌که تشنه بودند، به امام علیه‌السلام و یارانش رسیدند. با وجود صف‌آرایی خصمانه، واکنش امام علیه‌السلام با آنان صلح‌آمیز بود، چنان‌که به یاران خود دستور داد سپاهیان حر و اسبان‌شان را سیراب کنند. حر مأموریت خود را به عرض امام علیه‌السلام رساند. امام علیه‌السلام تأکید کرد مردم کوفه از او دعوت کرده‌اند تا به کوفه بیاید؛ سپس با یادآوری مکاتبات و درخواست‌های مکرر کوفیان مبنی بر عزیمت امام به کوفه و دردرست‌گرفتن زمام امور، تصریح کرد که چنانچه کوفیان از خواست خود پشیمان شده‌اند، باز می‌گردد.

حرّ از وجود چنین مکاتباتی اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت او و همراهانش در زمره نویسندگان نامه‌ها نبوده‌اند و وی مأموریت دارد امام علیه‌السلام را به کوفه نزد ابن‌زیاد ببرد.^۲ دو گروه به نینوا رسیده بودند که نامه ابن‌زیاد به دست حرّ رسید؛ مبنی بر آنکه بر امام و یارانش سخت بگیرد و آنان را در زمینی بی‌آب و علف و بی‌حصار متوقف کند.^۳ حرّ که در تنگنا قرار گرفته بود و پیک ابن‌زیاد هم به مراقبت و جاسوسی او گماشته شده بود، به‌ناچار کاروان امام را متوقف کرد و درخواست امام و یارانش مبنی بر اردو زدن در روستای نینوا را نپذیرفت؛ از این‌رو در کربلا در نزدیکی رود فرات اردو زدند.^۴

روز عاشورا، عمر بن سعد لشکر خود را آراست و فرماندهان هر بخش از سپاه را تعیین کرد. او حر بن یزید ریاحی را فرمانده بنی‌تمیم و بنی‌همدان قرار داد و سپاه آماده جنگ شد. حر چون تصمیم کوفیان برای جنگ با آن حضرت علیه‌السلام را جدی دید، نزد عمر بن سعد رفت و به او گفت: «آیا تو می‌خواهی با این مرد بجنگی؟» عمر سعد گفت: آری به خدا قسم چنان جنگی بکنم که آسان‌ترین آن افتادن سرها و بریدن دست‌ها باشد. حر گفت: مگر پیشنهادهای او خوشایندتان نبود؟ ابن‌سعد گفت: اگر کار به دست من بود، می‌پذیرفتم؛ ولی امیر تو (عبیدالله) نپذیرفت.

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۸۰؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۷۲ - ۴۷۳؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۸ - ۸۰.

۳. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۰۸ - ۴۰۹؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۸۱ - ۸۴.

۴. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۸۴.

حر، عمر سعد را ترک کرد و در گوشه‌ای از لشکر ایستاد و اندک‌اندک به سپاه امام علیه السلام نزدیک شد. مهاجر بن اوس - از لشکریان عمر سعد - به حر گفت: آیا می‌خواهی حمله کنی؟ حر در حالی که می‌لرزید، پاسخی نداد. مهاجر که از حال و وضع حر به شک افتاده بود، گفت: به خدا قسم، هرگز در هیچ جنگی تو را به این حال ندیده بودم، اگر از من می‌پرسیدند شجاع‌ترین مردم کوفه کیست، از تو نمی‌گذشتم (و تو را نام می‌بردم)؛ پس این چه حالی است که در تو می‌بینم؟

حر گفت: «به راستی که خود را میان بهشت و جهنم می‌بینم و به خدا سوگند اگر تکه‌تکه شوم و مرا با آتش بسوزانند، من جز بهشت چیز دیگری را انتخاب نخواهم کرد». حر این را گفت و بر اسب خود نهیب زد و به سوی خیمه‌گاه امام علیه السلام حرکت کرد.

گفته‌اند وی با حالی پریشان با امام مواجه شد و با اذعان به اینکه هرگز گمان نمی‌کرد کوفیان کار را به جنگ بکشانند، طلب بخشش کرد. امام برایش استغفار نمود و فرمود که تو در دنیا و آخرت آزادمرد (حرّ) هستی.^۱

ب) خلاص و نعمان

دو برادر با نام‌های حُلاس بن عمرو ازدی راسبی و نعمان بن عمرو ازدی راسبی از اهالی کوفه به همراه عمر سعد به کربلا آمده بودند و چون شرایط امام توسط ابن سعد پذیرفته نشد، شبانه به امام پیوستند و در روز عاشورا در حمله نخست به شهادت رسیدند.^۲

ج) ابوشعثاء یزید بن زیاد

این فرد نیز ابتدا در سپاه ابن سعد بود؛ ولی چون کار به جنگ انجامید، به جانب امام علیه السلام آمد. وی قبل از حر به سپاه امام ملحق و ابتدا سواره به میدان رفت؛ ولی چون اسبش را پی کردند. به خیمه‌ها برگشت و در جلوی خیمه‌ها زانو زد و از آنجا که تیرانداز ماهری بود، صد تیر به سوی سپاه ابن سعد پرتاب کرد. امام در حق او چنین دعا کرد: «اللَّهُمَّ سَدِّدْ رَمِيَّتَهُ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ؛ خدایا، تیرش را به هدف بنشان و بهشت را پاداشش قرار ده».

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۷۵ - ۴۷۶ - ۴۷۹؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.

۲. محمد بن طاهر سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام، ص ۱۸۷.

ابوشعثاء پس از تمام شدن تیرها برخاست و گفت: از آن همه تیرهایم تنها پنج تیر به خطا رفت. سپس با شمشیر به صفوف دشمن تاخت و چنین رجز می خواند:

أَنَا يَزِيدُ وَأَبِي مُهَاجِرٌ أَشْجَعُ مِنْ لَيْثِ نَبِيلِ خَادِرٍ
يَا رَبِّ إِنِّي لِلْحُسَيْنِ نَاصِرٌ وَلَا بُنِ سَعْدِ تَارِكٌ وَهَاجِرٌ

منم یزید فرزند مهاجر، شجاع تر از شیر بیشه، خدایا من یاری کننده حسینم و ابن سعد را ترک گفته و از وی دوری جستم. او شجاعانه شمشیر می زد تا آنکه به فیض شهادت نائل آمد.^۱

۴. وابستگیان به خوارج

دو برادر از خوارج که در سپاه عمر سعد بودند، روز عاشورا از لشکر عمر بن سعد جدا شدند و به سپاهیان امام حسین علیه السلام ملحق شدند: ابوالحتوف و سعد بن حرث انصاری عجلانی. ابوالحتوف که به این لقب معروف شده است، از اولاد حَرَثِ انصاری عجلانی و اهل کوفه بوده است. او پیش تر از خوارج بود، ولی بعد با امویان همراه شد.^۲ با چنین پیشینه ای با برادرش سعد، همراه عمر بن سعد شد و به کربلا آمد، عصر روز عاشورا، پس از شهادت یاران امام حسین علیه السلام، وقتی امام با صدای بلند بانگ زد: «أَلَا نَاصِرٌ فَيَنْصُرُنَا؟ أَيَا كَمَكِ كَارِي نَيْسْتُ كِه مَارَا يَارِي كَنْد» و زنان و کودکان اهل بیت علیهم السلام این صدا را شنیدند و گریه نمودند، ابوالحتوف صدای امام و گریه خاندان امام را شنید و متحول گردید؛ از این رو به امام علیه السلام پیوست و بی درنگ به دشمن حمله برد و گروهی را به قتل رساند و آن گاه به شهادت رسید.^۳

سعد بن حرث نیز همانند برادرش ابوالحتوف اهل کوفه و از خوارج بود. او همراه عمر بن سعد به کربلا آمد و روز عاشورا و در آخرین لحظات عمر امام حسین علیه السلام هنگامی که صدای استغاثه و فریادرسی مظلومانه امام و گریه زنان و کودکان اهل بیت علیهم السلام را شنید، چون برادرش متحول شد و به امام پیوست و در رکاب سالار شهیدان به دشمن حمله برد و گروهی را به قتل رساند و سپس شهید شد.^۴

۱. علی ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۷۳.

۲. باقر شریف قرشی، حیات الامام الحسین بن علی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۵۹.

۳. محمد بن طاهر سماوی، ابصار العین فی انصار الحسین علیه السلام، ص ۱۵۹.

۴. حمید بن احمد محلی، الحدائق الوردیه، ص ۱۲۲.

از نوع رفتار این دو برادر پیداست که سپاه سیدالشهدا علیه السلام تجلی گاه وحدت انسان‌های با احساسی بود که فطرت الهی آنها زنده بود و وجدان قابل بیداری داشته‌اند، برخلاف سپاه دشمن که محل تجمع اشقیاء بوده است. همین ویژگی ممتاز آن دو را از صف متحدان با بنی‌امیه خارج و با اصحاب حسین علیه السلام متحد کرد.

۵. مسیحی تازه‌مسلمان

وهب بن وهب یا وهب بن عبدالله بن حباب کلبی از شهدای واقعه کربلا و یاران امام حسین علیه السلام است. منابع وهب را جوانی مسیحی دانسته‌اند^۱ که به همراه مادرش به دست امام حسین علیه السلام مسلمان شد و همراه با امام به کربلا آمد و روز عاشورا به میدان رفت. وهب در میانه نبرد به سمت مادر و همسرش بازگشت و از مادرش پرسید آیا از او راضی شده است یا نه؟ و در جواب، کشته شدن در راه حسین علیه السلام را شرط رضایت مادر می‌یابد.^۲

ماجرای وهب و مادرش نشان می‌دهد متحدان با سیدالشهدا علیه السلام گذشته فکری متفاوتی داشته‌اند که «حب الحسین» و جاذبه شخصیتی و اخلاص آن حضرت در راه خدا و صیانت از دین الهی آنان را جذب خود کرده بود و متحدانی بی‌نظیر ساخته است.

۶. غلامان

گروهی از یاران امام حسین علیه السلام غلامانی بودند که امام حسین علیه السلام آنان را آزاد کرد تا اگر بخواهند به دنبال زندگی خود بروند. جامعه آن روز عرب آنان را که بیشتر غیرعرب بودند، چیزی حساب نمی‌کرد؛ ولی آنان نیز جذب امام علیه السلام شده بودند و متحد با دیگران در جمع شهدا وارد شدند. وجود سیاهان آزاداندیش و نوع رفتار محبت‌آمیز امام علیه السلام با آنان به‌ویژه در لحظات شهادت، بیان‌کننده آن است که نژاد و رنگ هیچ اهمیتی در ارزش‌گذاری حسینی نداشته است.

الف) جون بن حوی

او فردی سیاه‌پوست اهل نوبه (منطقه‌ای در آفریقا) و غلام فضل بن عباس بن عبدالمطلب بود که امام علی علیه السلام او را خرید و به ابوذر بخشید. او پس از رحلت ابوذر در ربذه، به خانه علی علیه السلام

۱. محمد محمدی ری‌شهری، دانشنامه امام حسین علیه السلام، ج ۶، ص ۳۸۱.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶.

برگشت.^۱ روز عاشورا امام حسین علیه السلام چون را که پیرمردی بود، از رفتن به میدان بازداشت؛ ولی او خطاب به امام گفت: «به خدا سوگند هرگز از شما جدا نمی‌شوم تا خون من با خون شما درآمیزد». ^۲ از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «شب عاشورا چون در چادر امام حسین علیه السلام بود و شمشیر او را آماده می‌کرد». ^۳ او از جمله کسانی است که پس از شهادتش، امام حسین علیه السلام بر بالینش آمد و برایش دعا کرد.^۴

ب) سالم بن عمرو بن عبدالله

او غلام طایفه بنی‌مدینه کلبی و از شیعیان کوفه بود.^۵ او در قیام مسلم بن عقیل همراهش بود و پس از شهادت مسلم، توسط کثیر بن شهاب دستگیر شد. پس از مدتی از زندان ابن‌زیاد گریخت و میان قبیله‌اش مخفی شد.^۶ پس از ورود امام حسین علیه السلام به کربلا، سالم به همراه افرادی از بنی‌کلب به او پیوستند و در روز عاشورا به شهادت رسید.^۷

ج) سالم غلام عامر بن مسلم

سالم به همراه مولای خود عامر بن مسلم عبدی و یزید بن ثبیط عبدی که از اهالی بصره بودند، در منزل‌گاه ابطح در نزدیکی مکه به امام حسین علیه السلام پیوستند^۸ و در کربلا به شهادت رسید.^۹ نام او در زیارت‌الشهدا آمده است.^{۱۰}

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۳.

۲. سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۵.

۳. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۳.

۴. سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۵.

۵. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۵.

۶. عبدالمجید حسینی حائری شیرازی، ذخیره الدارین، ص ۴۳۱.

۷. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، ص ۵.

۸. همان، ص ۱۱۷.

۹. سیدابوالقاسم خوئی، معجم رجال‌الحديث، ج ۸، ص ۳۲.

۱۰. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۷۲.

کتابنامه

۱. ابن اثیر، علی، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۶ ق.
۲. ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ۱۹۹۱ م.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد، الاصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل احمد و علی محمد معوض، بیروت: [بی نا]، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن سعد، محمد، ترجمة الحسين عليه السلام و مقتله، بیروت: موسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه، [بی تا].
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف، ترجمه: احمد فهري زنجاني، چ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۸. _____، اللهوف، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۹. ابن کثیر، اسماعیل، البداية و التّهایة، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. ابن وردی، تاریخ ابن الوردی، نجف: [بی نا]، ۱۳۸۹ ق.
۱۱. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۹۸۶ م.
۱۲. امینی، محمد هادی، اصحاب امیر المؤمنین عليه السلام و الرواة عنه، چ اول، بیروت: دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، محقق: محمود فردوس العظم، دمشق: دار الیقظه، ۲۰۰۰ م.
۱۴. جلالی، عباس، سلحشوران طف (ترجمه إِبصار العین)، چ اول، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. حسینی حائری شیرازی، عبدالمجید، ذخیره الدارین، تحقیق: باقر دُزیاب نجفی، قم: زمزم هدایت، [بی تا].
۱۶. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، چ دوم، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۳ ق.
۱۷. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: مرکز نشر الثقافة الاسلامیة فی العالم، ۱۴۱۳ ق.

۱۸. دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم، قاهرة: دار احیاء الکتب العربی، ۱۹۶۰ م.
۱۹. سماوی، محمد بن طاهر، ابصار العین فی انصار الحسین، ترجمه: عباس جلالی، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری (تاریخ الأمم و الملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
۲۲. قرشی، باقر شریف، حیاة الامام الحسین، قم: مدرسه علمیه ایروانی، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. قمی، شیخ عباس، نفس المهموم، ترجمه: کمره‌ای، تهران: چاپ اسلامی، ۱۳۷۶ ق.
۲۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محیی‌الدین مامقانی، قم: مؤسسه آل‌البت لایحیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، تحقیق: موسوی کرمانی، علی‌پناه اشتهاودی، طباطبائی، چ دوم قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
۲۷. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، چ دوم، قم: نشر معروف، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. محلی، حمید بن احمد، الحدائق الوردیة، تحقیق: مرتضی بن زید محطوری، صنعاً: مکتبه بدر، [بی‌تا].
۲۹. محمدی ری‌شهری، محمد، دانش‌نامه امام حسین علیه‌السلام، ج ۱، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۳۰. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، چ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۳۱. _____، الارشاد، تحقیق: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. موسوی زنجانی، سید ابراهیم، وسیله الدارین، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.

توصیف مرگ و زندگی پس از آن در کلمات امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی شجریان*

اشاره

بینش‌ها و باورهای هر انسانی، به کنش‌ها و رفتارهای او جهت می‌دهند. کسی که مرگ را نابودی می‌پندارد و بر این باور است که با رسیدن مرگ، فرصت زیستن او به تمامی پایان می‌یابد و حیاتی دیگر را در پیش ندارد، میل به دوری‌گزیدن از زشتی‌ها در او کم‌رنگ می‌شود و عمدتاً سختی عمل کردن به وظایف اخلاقی را به دوش نخواهد کشید؛ به همین دلیل اصلاح زندگی فردی و اجتماعی، ارتباطی عمیق با اصلاح باورهای اعتقادی و تصحیح نظام جهان‌بینی هر انسان دارد. باورهای اعتقادی در مکتب امام حسین علیه السلام نیز نقشی تعیین‌کننده در صحنه‌های عمیق و دقیق واقعه کربلا داشته‌اند. روح توحید، نبوت، امامت و معاد در جای‌جای حماسه حسینی به روشنی دیده می‌شود؛ اما باور به معاد و زندگی پس از مرگ جایگاهی ویژه دارد. امام علیه السلام مکرر از معاد سخن می‌گوید و ارتباط حماسه خود با باور به معاد را تبیین می‌کند؛ حتی شب عاشورا هنگامی که بی‌تابی خواهرش را دید، با یاد معاد او را آرام کرد:

وَ اعْلَمِي أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ يَمُوتُونَ وَ أَنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْتُغُونَ وَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ بِقُدْرَتِهِ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ فَيَعُودُونَ؛^۱

بدان که زمینیان خواهند مرد و آسمانیان نیز باقی نخواهند ماند و همه چیز غیر خداوند که زمین را با قدرت خویش آفریده است و مخلوقات را مبعوث می‌کند و به زندگی بعد از مگر باز می‌گرداند، هلاک خواهد شد.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. لوط بن یحیی ابومخنف، وقعة الطف، ص ۲۰۱.

امام حسین علیه السلام در اوج اعتقاد به معاد، این حماسه را آفرید و یاران حماسه‌آفرین او در کربلا نیز با این اعتقاد به جان‌فشانی پرداختند و خون خویش را نثار آن حضرت کردند. این امر به‌روشنی در رجزهای امام و یاران ایشان دیده می‌شود.

سعید بن حنظله در برابر شمشیرها و نیزه‌ها صبر پیشه می‌کند تا به بهشت و نعمت‌های جاودانه و آرامشی حقیقی دست یابد که در آن است:

صَبْرًا عَلَى الْأَسْيَافِ وَالْأَسِنَّةِ صَبْرًا عَلَيْهَا لِذُخُولِ الْجَنَّةِ
وَحُورٍ عَيْنٍ نَاعِمَاتٍ هُنَّ يَا نَفْسُ لِلرَّاحَةِ فَاجْهَدِيَّ
يَا نَفْسُ لِلرَّاحَةِ فَاطْرَحِي وَفِي طَلَابِ الْخَيْرِ فَارْغَبِي^۱

جانفشانی‌ها و ایثارگری‌های رخ‌داده در حماسه حسینی، در تاریخ بی‌نظیر و کم‌نظیر است. باید دید چه نگاهی به مرگ و زندگی پس از آن، در ورای این صحنه‌آفرینی‌ها وجود داشته است؟ همچنین باید نگاه آنان به مرگ و زندگی پس از آن، ژرف‌اندیشانه‌تر مطالعه شود. این نوشتار با همین هدف می‌کوشد مهم‌ترین اوصاف و ویژگی‌های برجای مانده در میراث روایی از امام حسین علیه السلام درباره مرگ و حیات بعد از را تبیین و تشریح کند.

۱. سه ویژگی مرگ در کلام امام حسین علیه السلام

سه ویژگی را برای مرگ می‌توان از کلام امام علیه السلام به این شرح به دست آورد:

۱-۱. حتمی و قطعی بودن

بسیاری از ما انسان‌ها برای حادثه‌های احتمالی اما مهم در زندگی خود، از قبل برنامه‌ریزی داریم و بدون آمادگی به استقبال آنها نمی‌رویم. آمادگی درباره حوادثی که قطعیت و ارزش بیشتری دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ اما هیچ حادثه‌ای در زندگی انسان به اندازه مرگ، حتمی و قطعی نیست. می‌توان گفت تمام حوادث آینده نظیر ازدواج انسان مجرد، فارغ‌التحصیلی یک دانشجو، به دنیا آمدن فرزند یک مادر، رسیدن به آخر برج و دریافت حقوق و مزایا و ... همه در هاله‌ای از ابهام هستند و احتمال واقع نشدن آنها حتی به صورت ضعیف وجود دارد؛ اما تنها یک حادثه به قول معروف «دیر و زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد» و آن «مرگ»

۱. محمد بن ابی طالب حائری، تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسم بـ«مقتل الحسین علیه السلام»، ج ۲، ص ۲۸۸.

است. مرگ تنها حادثه حتمی و یقینی است و بی تردید واقع می شود؛ با این وجود بیشتر ما انسان ها از برنامه ریزی و آمادگی برای آن در غفلت هستیم و عمر خود را برای حادثه های دیگر - که قطعی و حتمی نیستند - صرف می کنیم.

در قرآن کریم از مرگ به «یقین» تعبیر شده است: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»^۱ و پروردگارت را عبادت کن تا یقین [= مرگ] تو فرارسد؛ همچنین: «وَكُنَّا نَكُذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ أَنَا الْيَقِينُ»^۲ و همواره روز جزا را انکار می کردیم، تا زمانی که مرگ ما فرارسید.

بنابراین حادثه قطعی مرگ نباید مورد غفلت قرار گیرد و تک تک انسان ها باید به آن بیندیشند و برای آن برنامه ریزی داشته باشند. در کلامی از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «يَا بَنَ آدَمَ! أَذْكَرَ مَصْرَعَكَ وَ فِي قَبْرِكَ مَضْجَعَكَ وَ مَوْقِفَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ»^۳ ای فرزند آدم، یاد کن مرگ خویش را، و خوابیدن خود را در قبرت، و ایستادن خود در برابر خدا را، در حالی که اعضایت علیه تو شهادت می دهند.

چند باشی به این و آن نگران؟	پند گیر از گذشتن دگران
واعظت، مرگ همنشینان بس	اوستادت فراق اینان بس
پدرت مرد و باخبر نشدی	مادرت رفت و دیده ور نشدی
داغ فرزند و هجر همسالان	همه دیدی، نمی شوی نالان

۲-۱. گل خوشبوی مؤمن

در زبان عربی به هر گل و گیاه خوشبو، «ریحان» گفته می شود. «ریحانه» نیز به معنای یک شاخه گل خوشبو است.^۴ انسان ها در عاطفی ترین شرایط، شاخه گل خوشبو را به یکدیگر هدیه می دهند و با این عمل عشق و علاقه خود به طرف مقابل را ابراز می دارند. شاخه گل در فهم انسانی ما لطیف ترین حالت ها را به ذهن تداعی می کند و مملو از حس خوب آرامش است. اگر بنا باشد چیزی را به شاخه گل تشبیه کنیم و نشان دهیم مانند شاخه گل غرق در طراوت، آرامش

۱. حجر: ۹۹.

۲. مدثر: ۴۶-۴۷.

۳. حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۹.

۴. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۴۵۹.

و زیبایی است، چه چیزی را تشبیه می‌کنیم؟ شگفت است که امام حسین علیه السلام «مرگ» را این چنین توصیف می‌کند و می‌فرماید: «الموتُ ریحانة المؤمن؛^۱ مرگ شاخه گل مؤمن است». شگفت است؛ زیرا در نگاه بسیاری از مردم عادی، مرگ حادثه‌ای تلخ و ای بسا هولناک است و با شاخه گل فاصله‌ای ژرف دارد. این تفاوت نگاه، حادثه کربلا را رقم می‌زند و حماسه‌های جاوید آن را آفریده است و نباید از آن غفلت کرد.

نکته مهم دیگر این روایت آن است که طراوت و خوشبویی مرگ، همگانی نیست، بلکه ویژه مؤمنان است. به نظر می‌رسد در تعبیر «ریحانه المؤمن»، اضافه لامیه وجود دارد و تقدیر آن چنین است: «ریحانه للمؤمن»؛ از این رو مرگ برای منکران و کافران چنین طراوت و حلاوتی نخواهد داشت و در باور آنها که مرگ را نابودی و نیستی می‌پندارند، حتمی‌ترین حادثه و با این وجود تلخ‌ترین حادثه‌ای است که بشر تا زنده است باید خود را در قبال آن به غفلت و فراموشی بزند.

بنابراین بهتر می‌توان کلام بلند قاسم بن حسن علیه السلام در شب عاشورا را فهم کرد؛ آنجا که شهادت در راه خدا را «شیرین تر از عسل» دانست^۲ و ما را به اندیشیدن و بازاندیشیدن در ماهیت مرگ دعوت کرد.

۳-۱. پلی برای عبور

«قنطره» در زبان عربی به معنای پلی است که روی آب برای عبور ساخته می‌شود و «جسر» نیز اعم از بنای روی آب است و به هر پلی گفته می‌شود.^۳ در روایت امام حسین علیه السلام برای مرگ از هر دو تعبیر استفاده شده است. امام حسین علیه السلام در کلامی می‌فرماید:

مَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ؛
فَأَيْكُم يَكْرَهُ أَنْ يَنْتَقِلَ مِنْ سِجْنٍ إِلَى قَصْرٍ؟! وَمَا هُوَ لِأَعْدَائِكُمْ إِلَّا كَمَنْ يَنْتَقِلُ مِنْ قَصْرِ
إِلَى سِجْنٍ وَعَذَابٍ؛^۴

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۷۹.

۲. حسین بن حمدان خصیبی، الهدایة الكبرى، ص ۲۰۴.

۳. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۵۰۸.

۴. محمد بن علی ابن بابویه، معانی الأخبار، ص ۲۸۹.

توصیف مرگ و زندگی پس از آن در کلمات امام حسین علیه السلام ■ ۶۹

مرگ جز پلی نیست که شما را از ترس و سختی به سوی بهشت گسترده و نعمت جاوید، عبور می‌دهد؛ پس کدام‌یک از شما ناخوش دارد که از زندان به کاخ منتقل شود؟ و آن برای دشمنان جز مانند این نیست که از کاخ به زندان و عذاب، منتقل می‌شود».

در کلامی دیگر می‌فرماید: «أَنَّ الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ، وَالْمَوْتُ جِسْرٌ هُوَ لَاءِ إِلَى جَنَاتِهِمْ، وَجِسْرٌ هُوَ لَاءِ إِلَى جَحِيمِهِمْ؛^۱ دنیا، زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ، پل اینها به بهشت‌شان و پل آنان به دوزخ‌شان است».

درباره تشبیه مرگ به پل در کلام امام حسین علیه السلام نکاتی به نظر می‌رسد:

الف) برخلاف ویژگی قبل (شاخه گل خوشبو)، این ویژگی (پل بودن) اختصاص به مؤمنان ندارد. حقیقت مرگ برای همگان همین است: پل عبور. نفی و «الا» در روایت نخست، این برداشت را روشن‌تر می‌کند. گویی مرگ چیزی جز این نیست و برای همگان ماهیتی جز «مسیر عبور» ندارد.

ب) پل بودن و مسیر عبور بودن مرگ، ملازمه‌ای با سختی و مشقت در آن یا راحتی و آرامش در آن ندارد. همان‌طور که انسان در عبور از پل گاهی از شرایطی بهتر به شرایطی بدتر وارد می‌شود و گاهی برعکس، در مورد مرگ نیز همین‌طور است. عده‌ای از این مسیر عبور می‌گذرند و به شرایطی بهتر می‌رسند و عده‌ای دیگر از این مسیر گذشته و به شرایطی سخت‌تر وارد می‌شوند. مهم این است که مرگ «نقطه زوال و نابودی» نیست، بلکه «مسیر عبور و حرکت» است.

۲. دو ویژگی زندگی پس از مرگ در کلام امام حسین علیه السلام

از کلام امام حسین علیه السلام دو ویژگی برای حیات اخروی به این شرح به دست آورد:

۲-۱. برتری بر دنیا

یکی از مهم‌ترین زوایای معادباوری، مقایسه دنیا و آخرت است. کسی که به زندگی پس از مرگ باور دارد، باید معرفتی درباره کیفیت هر دو زندگی داشته باشد و بتواند میان آنها مقایسه کند و درجه ارزش و اعتبار هر کدام از آنها را بشناسد؛ چراکه بدون شناخت و مقایسه، معادباوری آدمی

۱. محمد بن علی ابن بابویه، الإعتقادات (صدوق)، ص ۵۲.

به کمال نمی‌رسد. به همین دلیل اصل اعتقاد به زندگی بعد از مرگ کافی نیست، بلکه مهم‌تر قدرت مقایسه بین این دو دنیاست و بر همین اساس آنها که معاد را باور دارند، اما آن را غیر مرتبط با دنیا می‌دانند یا به تعبیر رایج نسیه‌ای می‌شمارند که نباید نقد را برای آن رها کرد و نیز آن افراد بسیار اندکی که دنیاگریز هستند و تنها آخرت را سرای زندگی می‌شمارند و از ذات دنیا بیزارند، مسیر افراط و تفریط در پیش دارند و معادباوران کاملی نیستند.

کمال معادباوری وقتی شکل می‌گیرد که اولاً شخص معتقد به اصل وجود آخرت باشد؛ ثانیاً آخرت را در مقایسه با دنیا برتر بداند و با این وجود دنیا را نیز بی‌ارزش و بی‌مقدار قلمداد نکند، بلکه آن را مزرعه آخرت و مرحله جمع‌آوری زادوتوشه برای آن محسوب کند. این نگاه صحیح در کلمات امام حسین علیه السلام دیده می‌شود؛ به اعتقاد امام حسین علیه السلام دنیا امری نفیس است و در جای خود ارزش و مقدار دارد؛ اما آخرت که سرای ثواب الهی است و ثمره تلاش‌های انسان در دنیا در آنجا به دست می‌آید، جهانی برتر و نفیس‌تر است:

فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا تُعَدُّ نَفِيسَةً فَدَارُ ثَوَابِ اللَّهِ أَعْلَىٰ وَ أَتَبَلُّ^۱

نگاه متعادل و صحیح به دنیا و آخرت، یکی از فلسفه‌های قیام امام حسین علیه السلام است. اگر آخرتی نبود، یا آخرت بود اما اصل همین دنیا بود، جایی برای جانفشانی‌های کربلایی باقی نمی‌ماند و حماسه خونین کربلا در راه اعتلای کلمه اسلام شکل نمی‌گرفت؛ به همین دلیل آن حضرت در نامه کوتاه و پرمغز خود به برادرش محمد حنفیه نوشت: «فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَ كَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ؛ گویا دنیا نبوده است و گویا آخرت همیشگی است».

برای کربلایی شدن باید به همه دنیا با تمام زرق و برق آن پشت کرد و آن را در مقایسه با سرای ابدی آخرت، هیچ و ناچیز شمرد و همین نگاه بلند سرچشمه شکل‌گیری حماسه جاوید حسینی شده است؛ همچنین همین نگاه، موجب می‌شود امام شهادت خود در صحرای کربلا را بر زنده ماندن و اطاعت از یزیدیان ترجیح دهد. اگر امام با یزید بیعت می‌کرد و او را تأیید می‌نمود، بی‌شک از متاع دنیا بهره‌مند می‌شد و مکنت و اعتباری از طرف دستگاه خلافت می‌یافت؛ اما امام شهادت خونین خود را عزت می‌داند و تبعیت از یزید را ذلت می‌شمرد. عزت به معنای نفوذناپذیری امام، هنگامی شکل می‌گیرد که به اطاعت از عناصر پلید یزیدی تن ندهد؛ حتی

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۱۳.

اگر این امر با شهادت و ریختن خون آن حضرت و دیگر مصایب جانکاه کربلا رقم بخورد و ذلت هنگامی شکل می‌گیرد که از آنان اطاعت کند؛ حتی اگر به حسب ظاهر به مکت و شوکت دنیایی برسد. امام حسین علیه السلام عزت همراه با محرومیت و مصایب دنیایی را بر آن ذلت همراه با مکت و امکانات دنیایی ترجیح می‌دهد؛ زیرا در نگاه او دنیا ارزش حقیقی ندارد و تمام ماجرا نیست. شهادت عزت‌مندانه به حیات حقیقی و جاودانه در سرای آخرت ختم خواهد شد؛ اما زنده ماندن ذلیلانه با بهره‌مندی از مکت محدود دنیایی، مرگ حقیقی و محروم شدن از سعادت ابدی در سرای آخرت را در پی خواهد داشت و مثل امام حسین علیه السلام با نگاه صحیحی که به دنیا و آخرت دارد، هرگز به این ذلت تن نخواهد داد. آن حضرت در این باره فرمود:

لَيْسَ الْمَوْتُ فِي سَبِيلِ الْعِرِّ إِلَّا حَيَاةٌ خَالِدَةٌ وَ لَيْسَتِ الْحَيَاةُ مَعَ الدُّلِّ إِلَّا الْمَوْتُ الَّذِي لَا حَيَاةَ مَعَهُ؛^۱

مرگ در مسیر عزت چیزی جز زندگی همیشگی نیست و زندگی همراه با ذلت چیزی جز مرگی که در آن حیاتی نیست، نمی‌باشد.

به هر حال مقایسه بین دنیا و آخرت و ارزشمندتر دانستن آخرت، مسئله‌ای است که در قرآن کریم نیز به فراوانی از آن یاد شده است: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ»^۲ زندگی دنیا با همه زرق و برقی که دارد، تنها "متاع" است. «متاع، هر چیزی است که به گونه‌ای از آن بهره برده می‌شود.^۳ بنابراین زندگی دنیا بی ارزش و مقدار نیست، اما با مقایسه با آخرت بسیار ناچیز است؛ به همین دلیل در آیه شریفه، متاع به صورت نکره آمده است تا به ناچیز بودن این ارزش اشاره کند. علامه طباطبایی در توضیح این آیه باورمند است ارزش دنیا بالغیر و از باب مقدمه برای زندگی حقیقی در آخرت است و در این مقایسه ارزش بالاستقلال داشتن دنیا صحیح نیست.^۴ در حالی که بیشتر انسان‌ها با غفلت از زندگی آخرت، نگاه استقلال‌لی به دنیا دارند و آن را منتهای آرزوها و آمال خویش قرار می‌دهند.

۱. قاضی نورالله شوشتری، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۱۱، ص ۶۰۱.

۲. رعد: ۲۶.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۷۵۷.

۴. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۴۸.

در آیه دیگر دنیا «عرض» است: «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ».^۱ عرض هر چیز سریع‌الزوال است.^۲ بیشتر انسان‌ها به این حقیقت معترف‌اند که «دنیا به چشم به‌هم‌زدنی می‌گذرد». عمر چندده‌ساله ما مثل برق گذشته است و این یعنی دنیا عرض است و حیات حقیقی در جایی دیگر است. ما این دنیای زودگذر عرضی را می‌خواهیم، اما خدای بزرگ آخرت ابدی و همیشگی را برای ما خواسته است و منشأ همه گرفتاری‌های ما همین جاست که خواسته خود را با خواسته و اراده خدای بزرگ سازگار نکرده‌ایم.

۲-۲. سلطنت بی‌کهنگی

حفظه یکی از یاران امام در کارزار عاشورا به ایشان عرض کرد: «آیا من به سوی آخرت نشتابم و به برادرانم ملحق نشوم؟» امام فرمود: «رُحْ إِلَى خَيْرٍ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا وَاللَّيْلِ لَا يَبْلِي؛^۳ بشتاب به عالمی بهتر از دنیا و آنچه در آن است و به سوی سلطنتی که کهنه نگردهد».

وقتی ابلیس آدم را فریب داد تا به درخت مورد نهی نزدیک شود، به او همین وعده را داد که در صورت نزدیک شدن، به «سلطنت بی‌کهنگی» خواهد رسید: «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَ مُلْكٍ لَا يَبْلِي».^۴ آن ملعون دروغ گفت؛ چراکه سلطنت بدون کهنگی، هرگز در دنیا شدنی نیست. محدودیت دنیا به همه چیز به‌مرور رنگ کهنگی و فرسودگی می‌زند؛ بنابراین چینی چیزی تنها در سرایی دیگر با قواعدی دیگر امکان‌پذیر است.

به‌هرحال مرگ از نظر امام برای اهل تقوا، نظیر شهدای کربلا اولاً سلطنت است؛ زیرا اهل ایمان و تقوا در قیامت سلطه دارند و هر اراده‌ای که داشته باشند، محقق می‌شود. ویژگی پادشاهان، امرا و سلاطین این است که امر آنها مطاع و سلطه آنان مستقر است و هرچه بخواهند می‌کنند. البته تاریخ نشان داده است هیچ سلطانی سلطنت مطلق نداشته است و همواره محدودیت‌هایی سبب شده است نتواند تمام آنچه می‌خواهد را عملی کند. قوی‌ترین پادشاهان دنیا هم در مواقعی با موانعی روبرو شده‌اند و از خواسته‌های خود دست‌شسته‌اند و ای بسا تا آخر

۱. انفال: ۶۷.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹.

۳. ابومخنف، وقعة الطف، ص ۲۳۵.

۴. طه: ۱۲۰.

عمر در حسرت به دست آوردن محبوبی و رسیدن به مطلوبی مانده‌اند؛ در حالی که متقیان در بهشت، هر چه بخواهند، می‌کنند و مانعی سر راه آنان نیست؛ از این رو باید گفت سلطنت دنیا، سلطنتی محدود و مجازی است؛ اما سلطنت آخرت، سلطنتی نامحدود و حقیقی است که به انجام همه اراده‌ها منجر خواهد شد، بلکه به تعبیر قرآن چیزی بیش از این است که معنای حقیقی آن را تنها باید در سرای آخرت لمس کرد: «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ»^۱ برای بهشتیان در آنچه هر چه اراده کنند مهیاست و نزد ما بیش از این است.

ثانیاً این سلطنت، کهنه نیز نمی‌شود و جاودانه است؛ پادشاهان دنیایی عمری محدود داشته‌اند و در نهایت خروارها آرزوی دست‌نایافته خویش را با خود به گور برده‌اند. دوران محدود سلطه محدود آنها، کم‌کم کهنه و کهنه‌تر می‌شود و در نهایت مرگ آنان را فرا می‌گیرد و بعد از این سلطه محدود کوتاه، باید در دادگاه عدل الهی در برابر تک‌تک سلطه‌ها و اراده‌هایی که داشته‌اند، پاسخ بدهند. این سلطنت مانند لباس فاخری بر تن آنها بود که به مرور کهنه شده است و در آخر عمر آن قدر بی‌ارزش و بی‌مقدار است که از آن حتی برای دستمال نظافت نیز نمی‌توان استفاده کرد. کهنگی بر همه شئون سلطنت آنان سایه می‌اندازد؛ اما سلطنت بهشتیان تازه و پرتراوت است و در سایه جاودانگی و ابدیت اهل بهشت، همیشه فاخر و ذی نفوذ باقی خواهد ماند.

اگر کسی چنین نگاهی در حقیقت به زندگی پس از مرگ داشته باشد، سختی‌های دنیا در راه رسیدن به این سلطنت را به جان خواهد خرید و در مسیر سخت بندگی خدا به سستی تن نخواهد داد، بلکه با اطمینان و آرامش به وظایف خود حتی در سخت‌ترین شرایط تن خواهد داد. سر نشاط روحی که سیدالشهدا علیه السلام در کربلا داشت و دیگر اصحاب او نیز چنین بودند، همین است. نقل شده است هر چه امام علیه السلام به لحظه شهادت نزدیک‌تر می‌شد، چهره‌اش برافروخته‌تر و شکفته‌تر می‌گشت.^۲ این تعبیر نشان‌دهنده عشق الهی اوست که تبدیل هجران به وصال را می‌دید و به وجد می‌آمد. لبخند بر مرگ و برافروخته‌شدن چهره‌ها در آستانه شهادت، تنها برای کسانی میسر است که نشاط روحی داشته و مشتاق دیدار یار باشند: «مَا أَوْلَهُنَّي إِي أَسْلَافِي

۱. ق: ۳۵.

۲. نعمت‌الله جزایری، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج ۱، ص ۲۳۱.

اشْتِيَاقَ يَعْقُوبَ إِلَى يُوسُفَ؛^۱ من به دیدار نیاکانم چنان اشتیاق دارم که یعقوب به دیدار یوسف چنان مشتاق بود».

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او جانی برم بی رنگ و بو او ز من دلقی ستاند رنگ رنگ

خداوندا، بارقه‌ای از خورشید درخشان معادباوری در منطق امام حسین علیه السلام و یاران فداکار او را بر وجود ما بتابان، تا حیات و ممات ما شباهتی با آنها پیدا کند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، تحقيق: طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الإعتقادات (صدوق)، تحقيق: عصام عبدالسید، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ۱۳۷۱ ش.
۳. _____، معاني الأخبار، تحقيق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱ ش.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، تحقيق: محمدحسین آشتیانی، قم: علامه، [بی تا].
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تحقيق: احمد فهري زنجانی، تهران: جهان، [بی تا].
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع، [بی تا].
۷. ابومخنف، لوط بن یحیی، وقعة الطف، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ۱۴۱۷ ق.
۸. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفة الأئمة، تحقيق: هاشم رسولى و جعفر سبحانی تبریزی، تهران: بنی هاشمی، [بی تا].
۹. جزایری، نعمت‌الله، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة التاريخ العربي، ۱۴۲۷ ق.

۱. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۶۱.

توصيف مرگ و زندگی پس از آن در کلمات امام حسین علیه السلام ■ ۷۵

۱۰. حائری، محمد بن ابی طالب، تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسم بـ«مقتل الحسین علیه السلام»، تحقیق: فارس حسون کریم، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، تحقیق: عباس طباطبائی، قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان في تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ۱۳۵۲ ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعي، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳ ش.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. ورام، مسعود بن عیسی، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعة ورام)، قم: دار صعب، [بی تا].

پای بندی به اصول انسانی و اخلاقی در قیام عاشورا

حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا*

اشاره

حماسه عاشورا، صحنه تقابل انسانیت و اخلاق و ضد اخلاق است. همان‌گونه که امام حسین علیه السلام و یاران گرامی اش معلمان اخلاق و اسوه‌های انسانیت هستند و به تمام اصول اخلاقی و انسانی به تمام معنا متعهدند، دشمنان‌شان هم در جنایت و حیوانیت و سبعیت گوی سبقت را از اقران ربوده‌اند. در یک کلام می‌توان گفت عاشورا، بهترین جلوه‌گاه خوبی‌ها و بدی‌هاست. در اردوگاه امام حسین علیه السلام، عصاره انسان‌های وارسته و بندگان صالح الهی جمع‌اند و در اردوگاه یزیدیان، تمام افراد خودفروخته و شیطان‌صفت صف کشیده‌اند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام در ستایش از یاران خود فرمود: «فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ لِي أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي»؛^۱ نیز در معرفی یزیدیان در زیارت اربعین می‌خوانیم: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ عَرَّتِهِ الدُّنْيَا وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكِسِ؛ و هم‌دست شدند علیه آن حضرت، کسانی که دنیا فریب‌شان داد و فروختند آخرت‌شان را به بهای اندک و ناچیز».

سیاست‌مداران در حرکت‌های سیاسی به طور معمول برای افزودن به هواداران خود از ابزارهای مختلف استفاده می‌کنند تا بهره‌برداری‌های سیاسی کنند؛ اما امام حسین علیه السلام در حماسه عاشورا - با اینکه به شدت به نیروی انسانی نیاز داشتند - هرگز برای پیشبرد اهدافش ذره‌ای از اصول اخلاقی و موازین انسانی عدول نکرد؛ حتی بارها مخالفان و دشمنان سرسخت خود را به سوی رشد و هدایت و کرامت دعوت می‌کند و آنها را هم به پایبندی به اصول اخلاقی ترغیب

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. ابن‌نما حلی، مشیر الاحزان، ص ۵۲.

می فرمود: «فَإِنْ تُجِيبُوا دَعْوَتِي وَتُطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ»^۱ اگر به سخنم گوش دهید و از فرمانم اطاعت کنید، شما را به راه رشد و کمال راهنمایی خواهم کرد». نازم آن آموزگاری را که در يك نصف روز

دانش آموزان عالم را چنین دانا کند
ابتدا قانون آزادی نویسد در جهان
بعد از آن با خون هفتادودو تن امضا کند
نقد هستی داد و هستی جهان يك جا خرید
عاشق آن باشد که چون سودا کند، يك جا کند
عقل مات آمد ز دانشگاه سیار حسین
کاین چنین غوغا به پا در صحنه دنیا کند

۱. اصل عزت و کرامت انسان

پای بندی به اصل عزت و کرامت انسان، از مبانی حماسه عاشوراست که ریشه در آیات الهی دارد:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^۲

ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، [بر مرکب های راهوار] حمل کردیم؛ و از انواع روزی های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده ایم، برتری بخشیدیم».

بر اساس این اصل، همه انسان ها عزیزند و تکریم شان لازم، مگر اینکه خود را از درجه انسانیت ساقط کنند. فلسفه قیام عاشورا، احیای کرامت پایمال شده انسان ها بود که امام علیه السلام با شعار کرامت و نفی ذلت انسان ها، قیام خود را جاودانه کرد. آن حضرت با ندای «هیهات مِنَّا الدُّلَّة»، راه به دست آوردن عزت و افتخار را آموخت که عزت حقیقی فقط در سایه توجه به خدا و در پرتو

۱. همان، ص ۲۷.

۲. اسراء: ۷۰.

عمل به قانون الهی است:

إِنَّ الدَّعِيَ ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مِّنَّا الدَّلَّةُ يَا أَبَى اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ حُجُورٌ طَهَّرَتْ وَ نُفُوسٌ أَبِيَّةٌ وَ أَنْوْفٌ حَمِيَّةٌ مِنْ أَنْ تُؤْتِرَ طَاعَةَ اللّٰمِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ؛^۱

این [یزید] ناپاک‌زاده، فرزند ناپاک‌زاده مرا میان دو انتخاب قرار داده است: کشته‌شدن یا قبول ذلت و چقدر دور است که ما تن به ذلت دهیم. خداوند و پیامبر او و مؤمنان هرگز برای ما ذلت و زبونی نمی‌پسندند و نیاکان پاک سرشت و دامن‌های پاک‌ای که ما را پرورانده‌اند و بزرگ‌مردان غیرتمند و انسان‌های باشرافت این را از ما نمی‌پذیرند. هرگز ما فرمان‌برداری فرومایگان را بر مرگ شرافت‌مندانه ترجیح نخواهیم داد.

انسان‌های وارسته که هیچ‌گاه توان تحمل حقارت‌ها و حرکت‌های ذلت‌آور و افراد پست و فرومایه را ندارند و به هیچ‌قیمتی حاضر به فداکردن ارزش‌های انسانی و کرامت خود نیستند، به پیام کرامت‌بخش حسینی لبیک گفتند و در قیام عاشورا شرکت جستند.

عاشوراییان، انسان‌های آزاده‌ای بودند که از رواج گناه، نابودشدن ارزش‌های الهی، شایع‌شدن برخی عقاید و خیال‌های باطل و ناهنجاری‌های فراوان جامعه به ستوه آمده بودند و از تحقیر و خدشه‌دارشدن کرامت مسلمانان رنج می‌کشیدند و در دل‌های خود آرزوی رهبری شایسته و لایق را انتظار می‌کشیدند. حضرت سیدالشهدا علیه السلام، با یاری آن عده به ظاهر اندک، پیام عاشورایی خود را در بلندای تاریخ منتشر کرد و بازگرداندن عزت و افتخار به مسلمانان را سرلوحه قیام خود قرار داد. هنگامی که دشمن آن گرامی را در قتلگاه آماج تیرهای خود قرار داد و از سوی دیگر به سوی خیمه‌ها هجوم می‌بردند، سرور آزادگان فریاد برآورد:

وَيَحْكُمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَخْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ هَذِهِ، وَازْجِعُوا إِلَيَّ أَحْسَابَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَرَباً كَمَا تَزْعُمُونَ؛^۲

وای بر شما، ای پیروان آل ابی سفیان، اگر دین ندارید و از حسابرسی روز قیامت نمی‌ترسید، دست‌کم در دنیای خود آزاده باشید و اگر خود را عرب می‌دانید، به خلق و خوی عربی خویش پای‌بند باشید؛

۱. ابن‌نما حلی، مثير الأحران، ص ۵۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۰-۵۱.

یعنی کرامت انسانی خود را لکه‌دار نکنید.

مولوی با یادآوری اصل عزت و کرامت انسان به او این‌گونه هشدار می‌دهد:
منگر به هر گدایی، که تو خاص از آن مایی

مفروش خویش ارزان که تو بس گران‌بهایی

۲. اصل وفای به عهد

وفای به عهد از دیگر اصول مسلم قرآنی و اخلاقی است که اهل ایمان به‌شدت به آن پای‌بندند؛ چراکه خداوند متعال فرمود: «وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا؛^۱ کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند». بر اساس همین فرمان، حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام و یارانش نیز به عهد و پیمان‌های خود کاملاً متعهد بودند و به آن وفا می‌کردند؛ اما در مقابل کوفیان عهد خود را شکستند و البته اثر عهدشکنی‌شان را هم دیدند که تسلط ستمگران بر آنان از جمله آن آثار بود. امام باقر علیه‌السلام فرمود:

أَرْبَعَةٌ أَسْرَعُ شَيْءٍ عُقُوبَةً: رَجُلٌ أَحْسَنَتْ إِلَيْهِ وَ يُكَافِيكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ إِسَاءَةً، وَ رَجُلٌ لَا تَبْغِي عَلَيْهِ وَ هُوَ يَبْغِي عَلَيْكَ، وَ رَجُلٌ عَاهَدْتَهُ عَلَى أَمْرٍ فَمِنْ أَمْرِكَ الْوَفَاءُ لَهُ وَ مِنْ أَمْرِهِ الْعَدْرُ بَكَ، وَ رَجُلٌ يَصِلُ قَرَابَتَهُ وَ يَقْطَعُونَ^۲؛

چهار چیز است که کیفرشان از هر گناهی زودتر به انسان می‌رسد: کسی که توبه او خوبی کنی و او پاداش آن را به بدی دهد؛ کسی که توبه او ستم نکنی و او به تو ستم کند؛ کسی که در کاری با او پیمان بندی و توبه پیمانت وفادار مانی و او پیمان‌شکنی کند؛ و کسی که توبه او پیوند برقرار کنی و او پیوند ببرد.

کوفیان در مقابل خوبی، هم بدی کردند، هم ستم روا داشتند، هم پیمان‌شکستند و هم پیوند بریدند.

او وفای عهد را با سر کند سودا ولی

خون به دل از کوفیان بی‌وفا دارد حسین علیه‌السلام

۱. بقره: ۱۷۷.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۰.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا در خطبه معروف فرمود: «إِنِّي قَدْ أَذِنْتُ لَكُمْ...»^۱ من به همه شما رخصت رفتن دادم...»؛ آن‌گاه چراغ را خاموش کرد و فرصت خوبی برای رفتن بود.^۲ اولین کسی که کمال وفاداری خود را ابراز داشت، حضرت عباس علیه السلام بود که فرمود: «آقا، ما هرگز شما را رها نمی‌کنیم تا بعد از شما زنده بمانیم؛ خداوند هرگز چنین روزی را نیاورد». ^۳ بعد دیگر یاران هم وفاداری را به اوج رساندند.

شاهها من ار به عرش رسانم سریر فضل

مملوک این جنابم و محتاج این درم

گر برکنم دل از تو و بردارم از تو مهر

این مهر بر که افکنم و این دل کجا

نمونه دیگر هنگامی بود که سالار شهیدان در مقابل باران تیر دشمن به نماز ایستاد. چند نفر از یاران امام به نام‌های زهیر بن قین، سعید بن عبدالله حنفی و عمرو بن قرظه انصاری برای محافظت از امام علیه السلام پیشاپیش ایستادند، سینه‌هایشان را در مقابل تیرهای دشمن سپر قرار دادند و حضرت به همراه یاران باقی‌مانده خود، نماز ظهر عاشورا را اقامه کردند.

سعید که در مرکز خطر ایستاده بود، تیرهای دشمن را با دست و صورت و سینه‌اش دفع می‌کرد. هنگامی که نماز به پایان رسید، او با بدنی خونین به زمین افتاد^۴ و درحالی‌که نفس‌های آخر را می‌کشید، چشمانش را گشود و با تسمی ملیح به سیمای امام حسین علیه السلام نگریست و در همان لحظه به امام عرض کرد: «أَوْفَيْتُ يَا إِبْنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ ای پسر رسول خدا، آیا من به عهد خود وفا کردم؟» سرور آزادگان از جان‌نثاری و فداکاری سعید تقدیر کرد و با لحنی رضایت‌آمیز فرمود: «نَعَمْ، أَنْتَ أَمَامِي فِي الْجَنَّةِ؛^۵ تو در بهشت، پیشاپیش من خواهی بود».

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۱۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲-۳۹۳.
۲. حضرت حسین علیه السلام در شب عاشورا می‌فرماید: «بروید، بیعتم را برداشتم»؛ ولی روز عاشورا می‌گوید: «بیاید به من کمک کنید، آیا یاور و مددکاری هست؟ هل من ناصر ینصرنی». شب تلاش می‌کند تا مبادا خبیثی بین طیب‌ها مانده باشد و روز سخن می‌گوید تا مبادا طیبی بین خبیث‌ها مانده باشد، شب غربال می‌کند تا فقط صالحان بمانند و روز غربال می‌کند تا فقط اشقیاء در مقابل او ایستاده باشند.
۳. «... لا ارانا الله ذلک ابدا» (سید محسن امین، لواعج الاشجان، ص ۱۱۹).
۴. همان، ص ۱۵۶.
۵. محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا، ص ۲۰۲.

در مقابل امام حسین علیه السلام و یارانش، پیمان شکنی در جبهه مخالف امری عادی دانسته می شد. آنان دروغ گفتن و بی وفایی و عهد شکنی را سر لوحه کارشان قرار داده بودند؛ به گونه ای که زینب کبری علیها السلام در خطبه کوتاه، ولی به جا و دقیق و پر بار، بی وفایی کوفیان را به رخ آنان کشید: «یا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْخَثَلِ وَالْغَدْرِ...»^۱ ای مردم کوفه، ای نیرنگ بازان و بی وفایان، ... مَثَلُ شَمَا مَثَلُ آن زنی است که پشم های خود را پس از محکم بافتن، از هم می گسست و ضایع می نمود. شما هم سوگندها و پیمان های خود را وسیله خیانت و فساد قرار می دهید».

۳. اصل مسئولیت پذیری و عمل به تکلیف

اصل مسئولیت پذیری و عمل به تکلیف الهی، از دیگر فضایل اخلاقی و انسانی و قرآنی است که در مکتب عاشورا به شایستگی جلوه می کند. امام حسین علیه السلام در این باره فرمود: «أَمَا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ خَيْرًا مَا أَرَادَ اللَّهُ بِنَا، قُتِلْنَا أَمْ ظَفَرْنَا»^۲ به خدا، من امیدوارم که آنچه خدا برای ما خواسته، نیک باشد: کشته شویم یا ظفر یابیم». وقتی نامه های پیاپی مردم کوفه به امام حسین علیه السلام رسید و از ایشان دعوت برای آمدن به کوفه کردند و وعده نصرت و حمایت دادند، امام علیه السلام احساس تکلیف برای رفتن کرد. هر چند می دانست مردم کوفه چگونه اند، ولی آن دعوت نامه ها و اعلام حمایت ها تکلیف آور بود؛ اما پس از برخورد با سپاه حر که راه را بر او بستند، حضرت ضمن خطبه ای به آنان فرمود: «إِنِّي لَمْ أَقْدِمُ عَلَى هَذَا الْبَلَدِ حَتَّى أَتَيْتِي كُتُبَكُمْ...»^۳ من پیش شما نیامدم مگر پس از آنکه نامه ها و فرستاده هایتان رسید». این تعبیر نشان دهنده عمل به تکلیف از سوی امام است. یاران او نیز همین گونه بودند و برای انجام تکلیف الهی در راه نصرت او شهید شدند.^۴ امام علیه السلام درباره همراه آوردن خانواده فرمود: «إِنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا؛^۵ خدا می خواهد آنان را در لباس اسارت ببیند»؛ یعنی تکلیف است و مشیت الهی و رضایت خداوند در آن است.

۱. نگاهی به خطبه های حضرت زینب علیها السلام، ص ۵۲.

۲. عبدالرزاق مقرر، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳. ابن اعثم کوفی، الفتوح، ج ۵، ص ۷۷.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم، ج ۵، ص ۴۲۰.

۵. سید محسن امین، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۵۸۸.

بُردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب

ور نه این بی‌حرمتی‌ها کی روا دارد حسین علیه السلام

۴. اصل آزادگی

پایبندی به اصل حریت و آزادی از تعلقات مادی، میان عاشوراییان موج می‌زد؛ از یک‌سو افراد دشمن خود را بردهٔ حکومت ستمگر اموی می‌دانند و از سوی دیگر انسان‌هایی آزاده در صف یاران حضرت سیدالشهدا علیه السلام ایستاده‌اند. سرور آزادگان جهان تربیت‌یافته مکتب آن آزادمردی است که آزادی را در نهج‌البلاغه این‌گونه معنا می‌فرماید: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَاطَةَ لِأَهْلِهَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ آیا آزادمردی نیست که این لقمهٔ جویدهٔ حرام دنیا را به اهلش واگذارد؛ همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست، پس به کمتر از آن نفروشید».

امثال عمرسعد و دیگران چنان بردهٔ زرق‌وبرق دنیا و وعدهٔ دنیاپرستان شده بودند که تشخیص حق و باطل برایشان ناممکن بود. در مقابل آزادی از تعلقات دنیا، چنان به عاشوراییان بصیرت داده بود که ذره‌ای در انتخاب خود تردید نداشتند؛ به قول حافظ:

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

امام حسین علیه السلام، حر را از تعلقات مادی و وابستگی‌ها و اطاعت ستم‌پیشگان آزاد کرد و بر بالای پیکر خونینش فرمود: «تو آزادمردی، همچنان‌که مادرت تو را حرّ نامید؛ واقعاً تو در دنیا و آخرت آزاد هستی».^۲

زهیر بن قین بجلی از شخصیت‌های برجسته کوفه بود که به برکت نفس امام حسین علیه السلام از تعلقات دنیایی آزاد شد و به مرتبه‌ای رسید که به امام حسین علیه السلام گفت: «اگر هزار بار هم کشته شوم و زنده گردم، هرگز از یاری پسر پیغمبر صلی الله علیه و آله دست برنخواهم داشت....».

من از آن روز که در بند توام آزادم

پادشاهم، چو به دست تو اسیر افتادم

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۲. ابوجعفر محمد بن موسی خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج ۲، ص ۱۴.

امام زمان علیه السلام در زیارت «ناحیه مقدسه» به وی این‌گونه سلام می‌دهد: «السَّلَامُ عَلَيَّ زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ الْبَجَلِيِّ»^۱.

هر کسی که در حقیقت دل به حضرت داد، از قید و بندهای شیطانی و نفسانی رها می‌شود و به آزاد مردان عالم می‌پیوندد.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزادست

۵. اصل عدالت‌طلبی

اصل عدالت‌خواهی، یکی دیگر از اصول مسلم مکتب عاشورا است که سالار شهیدان و یاران گرامی‌اش بر آن پای می‌فشردند. امام حسین علیه السلام ندای عدالت‌خواهی را در برابر دعوت مردم کوفه این‌گونه به گوش عالمیان رساند: «فَلَعَفَرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَ الْأَخِذُ بِالْقِسْطِ...»^۲؛ به جانم سوگند، امام و پیشوا تنها کسی است که به کتاب خدا عمل کند و عدل و داد را برپا دارد».

این سخن سالار شهیدان، مهم‌ترین پیام قیام عاشورا را به عالمیان در طول تاریخ می‌رساند که هدف ایشان برقراری عدالت و ستم‌ستیزی میان احاد جامعه است و این دقیقاً همان استمرار قیام‌های عدالت‌خواهانه انبیای الهی و فلسفه بعثت آنهاست؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا ... لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...»^۳؛ همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم ... تا مردم به عدالت برخیزند، ...» و به همین دلیل در زیارت وارث، امام حسین علیه السلام را وارث پیامبران الهی می‌خوانیم.

اساساً عدالت‌خواهی نه‌تنها در قیام عاشورا به طور برجسته متبلور است، بلکه قیام‌های عدالت‌طلبانه بعد از این حادثه هم ریشه در عاشورا دارد.^۴

۱. همان.

۲. لوط بن یحیی ازدی، وقعة الطف، ج ۱، ص ۹۶.

۳. حدید: ۲۵.

۴. نگارنده در مقاله «نقش قیام عاشورا در قیام‌های حق‌طلبانه»، در شماره‌های قبلی «ره‌توشه» به این موضوع پرداخته است.

۶. اصل خودسازی

اصل خودسازی و جهاد اکبر، از ارکان مکتب اباعبدالله الحسین علیه السلام است که بدون آن قیام عاشورا معنایی ندارد. اصولاً هیچ کسی نمی‌تواند الگوی خودسازی برای دیگران باشد، مگر اینکه خودش در خودسازی به مرتبه والا برسد. به قول عبدالرحمن جامی:

ذات نایافته از هستی بخش

چون تواند که بود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی

ناید از وی صفت آب‌دهی

تهذیب نفس و ارتباط همیشگی با مبدأ عالم هستی، چنان برای آن گرامی اهمیت داشت که یک شب برای تعالی نفس بیشتر خود از دشمن مهلت گرفت.^۱ روح پاک و معنوی امام حسین علیه السلام چنان بود که لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌شد و بخش اعظم اوقاتش را به عبادت و مناجات با پروردگار و ذکر دعا و قرائت قرآن می‌گذرانید و این‌گونه به نفس خود صفا می‌بخشید. نقل شده است زمانی آن حضرت کنار کعبه ایستاده و پرده کعبه را در طرف رکن اسود گرفته و با چشمانی اشک‌بار و ناله‌های جانسوز با حضرت حق مناجات می‌کرد و می‌گفت: «الهی، أَنْعَمْتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا...؛^۲ خداوند، نعمتم دادی، اما مرا شکرگزار نیافتی...»^۳ و این اثر دعا

۱. محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۹۰.

۲. کلمات الإمام الحسین علیه السلام، ص ۷۹۱.

۳. ممکن است کسی بگوید: آیا معصومین در کمالات و تهذیب نفس مگر نیاز داشتند که همچنان با عبادت و معنویات به جهاد اکبر بپردازند؟

چند پاسخ به این پرسش می‌توان ارائه داد: پاسخ اول: انبیای عظام و ائمه اطهار از روزی که به منصب پیامبری یا امامت برگزیده شدند، حد نصاب کمالات و عصمت و پاکی و طهارت و علم را دارا بودند؛ ولی این مقام، عالی‌ترین منصب کمالات نبود و با گذشت زمان هر روز به مقامات بالاتر و کمالات والاتر نایل شده‌اند... (عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۳، ص ۲۱۳).

پاسخ دوم: با توجه به اینکه سیر تکاملی انسان به سوی نامتناهی پیش می‌رود و تنها کمال مطلق خداوند است، روشن می‌شود که اعمال معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان، سبب فیوضات و عنایات تازه الهی بر آن گرامیان است؛ چنان‌که در تشهد می‌گوییم: «وارفع درجته» (پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۳، ص ۱۹۷).

و ارتباط با قادر متعال بود که سیدالشهدا علیه السلام در مقابل طاغوت‌ها و آن همه مصایب و مشلات با شهامت و شجاعت ایستادگی می‌کرد. امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ؛^۱ ناتوان‌ترین مردم آن کسی است که از رازونیا و مناجات باز ماند».

یاران تربیت‌یافته امام حسین علیه السلام نیز چنین بودند؛ ابن‌نمای حلی در مثير الاحزان نقل می‌کند در شب عاشورا، گروهی از سپاهیان عمر سعد به دلیل زمزمه دل‌نواز مناجات و نماز شب یاران امام حسین علیه السلام ... یک‌باره از یزید دست کشیدند و به امام حسین علیه السلام پیوستند، و بامدادان همگی به شهادت رسیدند.^۲

آری، سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب باوفایش به اسلام و اصول اخلاقی وفادار بودند؛ به همین دلیل با وجود گذشت نزدیک به ۱۴۰۰ سال از نهضت عاشورای آن حضرت، هر سال و هر روز شور مردم بیشتر می‌شود. حضرت زینب علیه السلام - پاسدار انقلاب کربلا - خطاب به یزید فرمود:

فَكَد كَيْدَكَ وَاشَعَ سَعِيكَ ... فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحِينًا ...^۳

ای یزید، هر نیرنگی که خواهی بزن و هر اقدامی که توانی، بکن و هر کوششی که داری، دریغ مدار؛ سوگند به خدا، که نمی‌توانی نام ما را محو کنی. و نمی‌توانی نور وحی ما را خاموش نمایی، تو نمی‌توانی عظمت امر ما را درک کنی و ننگ این ستم را هرگز از خود نتوانی زدود.

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت

دائما یکسان نباشد حال دوران، غم مخور

از دیگر اصول اخلاقی و انسانی عاشوراییان می‌توان به این موارد اشاره کرد: اصل جوانمردی، اصل رحمت و مدارا، اصل حق‌طلبی، اصل ترویج معروف و ستیز با منکر، اصل صبر و استقامت و

پاسخ سوم: دعا و نماز و استغفار اولیای الهی و معصومان، مرتبه‌ای بالاتر از مردم عادی است. آنان چون مستغرق در ذات جمیل الهی‌اند و توجه به مقام ربوبی (کمال مطلق) دارند، وقتی به خود و اعمال خویش می‌نگرند، با تمام عظمت و بزرگی آن اعمال، آنها را در برابر عظمت بی‌نهایت الهی، بسیار کوچک و مایه سرافکندگی و شرمندگی می‌بینند. برای همین نهایت تلاش را در این‌باره دارند.

پاسخ چهارم: عبادت و جهاد اکبر معصومین علیهم السلام برای امت جنبه تربیتی و آموزش دارد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۹۴.

۲. «فَكَانَ لَهُمْ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ دَوِي كَالنَّحْلِ ...» (ابن‌نمای حلی، مثير الاحزان، ص ۵۲).

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۵.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن‌اعثم کوفی، محمد بن علی، الفتوح، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ق.
۲. ازدی، لوط بن یحیی، وقعة الطّف، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۳. آمین، سید محسن، أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ق.
۴. پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام، بی‌جا: فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۰ش.
۵. جمعی از نویسندگان، موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام، قم: معهد تحقیقات باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۸۳ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل‌البت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۷. حلی، جعفر، ابن‌نما، مثير الأخران، قم: مدرسه الامام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۸. سماوی خوارزمی، محمد، مقتل الحسین علیه السلام، بی‌جا: انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.
۹. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، بوشهر: موعود اسلام، ۱۳۹۲ش.
۱۰. طبری، ابن‌جریر، تاریخ الأمم و الملوک، بی‌جا: دار التراث، بی‌تا.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، لبنان: الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۲. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۳. مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه السلام، بیروت: موسسه الخرسان للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
۱۴. نجمی، محمدصادق، سخنان حسین بن علی (از مدینه تا کربلا)، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۲ش.
۱۵. هاشمی‌نژاد، عبدالکریم، درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت، تهران: شمس فراهانی، ۱۳۹۲ش.

تبیین عفو و گذشت در نهضت امام حسین علیه السلام

دکتر مرضیه قنبری*

اشاره

نهضت امام حسین علیه السلام، دارای جلوه‌های فراوان اخلاقی است. در واقعه عاشورا فضایل بسیار عالی از امام حسین علیه السلام مشهود است؛ ایشان در مقابل دشمن نیز به دلیل عزت و احترام انسانی، همواره رفتار همراه با عفو و گذشت داشتند. صفت عفو و گذشت از اوصاف خداوند متعال است که به دلیل ایجاد انگیزه گرایش خلق به سوی خالق به عفو و گذشت از خطا و گناهان بندگان اقدام می‌کند و با آنکه بنده مستحق مجازات دنیوی یا اخروی است، از وی می‌گذرد. «عفو» به معنای گذشتن از تقصیر و گناه دیگران در زمانی است که حقی از انسان ضایع شود. نگاشته حاضر به تبیین عفو و گذشت در نهضت امام حسین علیه السلام پرداخته است و حقیقت عفو را در سخنان و سیره امام حسین علیه السلام و نیز سیره امام سجاد علیه السلام بیان می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی عفو

«عفو» در لغت به معنای بخشیدن، محو گناهان، اسقاط حق،^۱ ترک نمودن^۲ چیزی که موجب عقوبت است^۳ و گذشت نمودن^۴ به کار رفته است و از مصادیق آن صرف نظر کردن از گناهان و

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

۱. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۷۲.

۲. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۷.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۵۸.

۴. احمد بن محمد فیومی، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ج ۴، ص ۱۹.

خطا و عقاب است.^۱ تأکید آموزه‌های اسلامی بر این است که انسان به محض آزر دیدن از کسی نباید در پی انتقام برآید، بلکه شایسته است عفو و گذشت کند و نیز شخص را مورد احسان قرار دهد. افرادی که با کوچک‌ترین اهانت یا تحقیری به خود دلگیر می‌شوند و در پی انتقام برمی‌آیند، افرادی کم‌ظرفیت هستند. بر این اساس عفو برای زمانی است که شخص استحقاق حقیقی را داشته باشد و از آن بگذرد، مانند قصاص یا غرامت.^۲ در واقع از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی که رسیدن به آن کار آسانی نیست، عفو هنگام قدرت و ترک انتقام‌جویی است.^۳ «عفو» یعنی هرگاه از کسی جرمی و تقصیری در برابر انسان واقع شود، آن را در ظاهر و باطن فراموش کند و احسان را به او زیاده‌تر از پیش کند.

۲. عفو در آموزه‌های دین

«عفو» از صفات برجسته و خوی‌های پسندیده‌ای است که در آیات و روایات هم تأکید شده است و آیات و روایات در مدح و حُسن آن از حد و حصر متجاوز است.^۴ عفو یکی از بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است که رسیدن به آن کار آسانی نیست؛ زیرا بسیاری از مردم کینه‌ها را در سینه‌های خود پنهان می‌کنند همواره در انتظار روزی هستند که بر دشمن پیروز شوند و چند برابر از او انتقام بگیرند.^۵ در آیات قرآن کریم به اهمیت این مطلب اشاره شده است: «وَلْيُغْفِرُوا وَ يُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۶ آنها باید عفو کنند و چشم‌پوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است». اسلام دین آسان و قوانین آن بهترین قوانین به حال اجتماع است و امتش، امت وسط است؛ از این رو پیروانش باید در مقابل اسائۀ دیگران راه احسان پیش گیرند، به‌ویژه در مورد ارحام که لزوم رعایت این قاعده بیشتر است و انسان باید همه وقت، محتاجان را دستگیری کند و با آنان آن‌گونه معامله کند که

۱. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۱۸۱.

۲. محمد بن مرتضی فیض کاشانی، راه روشن، ج ۵، ص ۴۳۸.

۳. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۴۰۹.

۴. احمد بن محمد مهدی نراقی، معراج السعادة، ص ۲۴۷.

۵. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۴۰۹.

۶. نور: ۲۲.

دوست دارد خدای کریم با او رفتار نماید.^۱

خداوند متعال در آیه دیگری درباره عفو و بخشش می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخْفَوْهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا»^۲؛ اگر نیکی‌ها را آشکار یا مخفی سازید و از بدی‌ها گذشت نمایید، خداوند بخشنده و تواناست [و با اینکه قادر بر انتقام است،] عفو و گذشت می‌کند. خداوند همیشه صفتش این است که از بدی‌ها و زشتی‌ها درمی‌گذرد، با آنکه هرگونه قدرتی بر انتقام و پاداش دارد.^۳ از این آیه معلوم می‌شود عفو در قدرت از صفات الهی است و اتصاف انسان به این صفت الهی بسیار ارزنده است. طبرسی ذیل آیه آورده است هر کسی که از خطا و گناه دیگران درگذرد، خداوند رحیم در پاداش عفوش، وی را می‌آمرزد.^۴

روایات بسیاری به عفو و نادیده‌گرفتن اشتباه دیگران دستور می‌دهند؛ از جمله در روایتی از امام حسین علیه السلام آمده است: «إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَنْ قُدْرَةٍ»^۵؛ باگذشت‌ترین مردم آن است که در موضع قدرت عفو کند. در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مرآت خاندان اهل بیت علیهم السلام آمده است: «مُرُّوْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَنَّا ظَلَمْنَا وَ إِعْطَاءٌ مِّنْ حَرَمِنَا»^۶ فتوت و بزرگ‌منشی ما خاندان رسالت، عفو و اغماض از کسی است که به ما ظلم کرده و بذل و عطا به کسی است که ما را محروم کرده است. نیکوترین عمل در روایتی از امام علی علیه السلام چنین بیان شده است: «أَحْسَنُ أَعْمَالِ الْمُقْتَدِرِ، الْعَفْوُ»^۷؛ این حدیث بیان‌کننده این است که عفو و اغماض، نیکوترین عمل یک انسان مقتدر و تواناست. امام علی علیه السلام در حدیث دیگری فرمودند: «أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعَفْوِيَّةِ»^۸؛ شایسته‌ترین مردم به عفو، قادرترین آنها به مجازات است. زکات پیروزی نیز طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام عفو معرفی شده است: «الْعَفْوُ زَكَاةُ الظُّفْرِ»^۹؛ در

۱. ابوالقاسم محمدی گلپایگانی، جرعه‌ای از زلال قرآن، ج ۳، ص ۱۱۸.

۲. نساء: ۱۴۹.

۳. محمدحسین حسینی طهرانی، نور ملکوت قرآن، ج ۱، ص ۵۵.

۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۷، ص ۱۱۸.

۵. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأنمه، ج ۲، ص ۳۰.

۶. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۸.

۷. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۹۳.

۸. نهج البلاغه، حکمت ۵۲.

۹. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۱۰.

حدیث دیگری از امام علی علیه السلام توصیه به عادت به عفو و گذشت شده است: «عَوِّذُ نَفْسِكَ السَّمَاخُ»^۱ این حدیث به انسان دستور می‌دهد که خود را به گذشت و جوانمردی عادت بدهد.

الف) عفو و گذشت در کلام امام حسین علیه السلام

اهمیت عفو و بخشش از دیدگاه امام حسین علیه السلام به گونه‌ای است که در احادیث متعددی بدان اشاره کرده‌اند. امام علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ مَنْ كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ فَلْيَدْخُلِ الْجَنَّةَ فَيَقَالُ مَنْ ذَا الَّذِي أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ فَيَقَالُ الْعَافُونَ عَنِ النَّاسِ؛^۲

هنگامی که بندگان در پیشگاه خدا می‌ایستند، آوازدهنده‌ای ندا دهد: آن‌که مزدش با خداست برخیزد و به بهشت رود. گفته می‌شود: چه کسی مزدش با خداست؟ می‌گوید: گذشت‌کنندگان از مردم.

این روایت بیان‌کننده آن است که وقتی بندگان در پیشگاه خدا می‌ایستند، عفوکنندگان به دلیل اینکه مزدشان با خداست، به بهشت می‌روند.

اولین آداب عفو، پذیرش بی‌منت و سریع خطاکار عذرخواه است؛ امام علی علیه السلام در حدیثی فرمودند: «إِقْبَلْ عُذْرَ مَنْ اعْتَدَرَ إِلَيْكَ؛^۳ بپذیر عذر کسی را که از تو عذرخواهی کرد». در حدیث دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام در ناروا بودن نپذیرفتن گنهکار چنین آمده است: «مَا أَقْبَحَ الْعُقُوبَةَ مَعَ الْإِعْتِذَارِ؛^۴ چقدر زشت و نارواست که انسان، گنهکاری که از او پوزش می‌طلبد را عقوبت نماید». پذیرش عذر دیگران امری پسندیده است؛ زیرا این امر نشانه بالندگی و رشد اخلاقی انسان است. از طرفی نیز این امر سبب می‌شود کینه‌ها و کدورت‌ها از بین برود. امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «لَا تُعَاجِلِ الذَّنْبَ بِالْعُقُوبَةِ وَاجْعَلْ بَيْنَهُمَا لِإِعْتِذَارٍ طَرِيقًا؛^۵ در عقوبت کسی که به تو بدی کرده است، عجله نکن و یک راه پوزشی برای او باقی بگذار». بر این اساس یکی از

۱. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۴۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۶۶.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۲.

۴. عبدالواحد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۶.

۵. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۲۴.

راه‌های ایجاد فرهنگ عذرپذیری، توجیه لغزش طرف مقابل است؛ چنان‌که در آموزه‌های دینی تأکید شده است که برای خطای دیگران عذر بتراش.

ب) عفو و گذشت در سیره امام حسین علیه السلام

پذیرش عذر دیگران از مصادیق عفو است که مورد توجه معصومین علیهم السلام هم قرار گرفته است. در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است: «اقْبَلْ مَنْ مُتَّصِلٍ عُذْرَهُ فَتَنَّاكَ الشَّفَاعَةُ»^۱. این حدیث بیان می‌کند اگر کسی از تو معذرت خواست، تو عذر او را بپذیر تا شفاعت شفیعیان [در روز جزا] نصیبت گردد. عفو شگفت‌آور حر توسط امام حسین علیه السلام در عاشورا و کربلا، معلّم اخلاق بشریت است و درس‌های آموزنده فراوانی دارد. «حرّ بن یزید ریاحی ظلم بزرگی در حقّ امام حسین علیه السلام و یاران ایشان روا داشت و به قول خودش اولین کسی بود که بدن حضرت زینب علیها السلام را لرزاند. او باعث شد امام و عیال و یاران آن حضرت در بیابان گرم و سوزان کربلا، بدون آب و آذوقه محصور شوند؛ سپس لشکریان ابن‌زیاد به کربلا آمدند و آن حادثه ناگوار تاریخی رخ داد. در واقع مسبب محاصره کاروان امام حسین علیه السلام، شهادت ایشان و اسارت عیال، حر بود؛ اما روز عاشورا به‌راستی پشیمان شد. از اطرافیان او نقل شده است که بدنش می‌لرزید و می‌گفت: خود را بین بهشت و جهنّم می‌بینم. در همین حال که فرمانده لشکر بود، همه چیز را رها کرد و به سوی امام حسین علیه السلام روانه شد. نرسیده به خیام حرم، پیاده شد و با تضرّع و زاری و با شکسته‌نفسی در حال حرکت بود. حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وقتی از دور حر را دیدند، بدون توجه به بدی و شدّت اقدام قبلی او، نخواستند شاهد ذلّتش باشند؛ از این‌رو به حضرت ابوالفضل علیه السلام امر کردند به استقبال او برود. حضرت عباس علیه السلام هم او را با عزّت، نزد امام آورد و آن امام بدون هیچ‌گونه سرزنشی، او را بخشیدند. حر از شدّت شرمندگی سر به زیر و سرافکنده بود و هرچه امام حسین علیه السلام می‌فرمودند: تو را عفو کردم، سرش را بالا نمی‌آورد و خجالت می‌کشید در روی ایشان نگاه کند. سپس به امام علیه السلام عرض کرد: اگر مرا عفو کردید، اجازه بدهید تا در راه شما جهاد کنم. حضرت علیه السلام هم به او اجازه رفتن به میدان را دادند. او کارزار جانانه‌ای کرد تا بالأخره سپاه دشمن گرد او را گرفتند و به شهادت رسید. وقتی روی خاک افتاد، امام علیه السلام به بالین او رفتند و سرش را به دامن گرفتند. سپس دستمالی آوردند و زخم پیشانی حرّ بن یزید

۱. محمد بن علی ابن‌بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۱.

ریاحی را بستند»^۱.

نیاساید مشام از طبله عود بر آتش نه که چون عنبر ببوید
بزرگی بایدت بخشندگی کن که دانه تا نیفشانی نروید

ج) عفو در کلام امام سجاده علیه السلام

عفو و گذشت از گفتار و کردار زشت عمدی دیگران، موجب ادب‌شدن آنان و اجتناب آنان از بدی می‌شود. درحقیقت یکی از راه‌های آموزشی و تربیتی در ایجاد جامعه سالم، ترک مقابله‌به‌مثل است؛ زیرا وقتی مقابله‌به‌مثل می‌شود، ممکن است دیگری همین رویه را در جایگاه اصل رفتار در جامعه و اجتماع برداشت کند و رفتار زشت خود را ادامه دهد. اما با عفو و گذشت طرف را شرم‌منده خود می‌کند و این امکان فراهم می‌شود که او به زشت‌کاری و بدی خود ادامه ندهد؛ بدین ترتیب سلامت اخلاقی و هنجاری در جامعه تقویت و گسترش می‌یابد. امام سجاده علیه السلام فرمودند: «اما حق کسی که از جانب او با سخن یا عمل به تو بدی رسیده، این است که اگر بدی او عمدی باشد، گذشت از او برای تو بهتر است؛ زیرا گذشت موجب منصرف‌شدن آن شخص از بدی کردن و ادب‌شدن اوست»^۲.

در نیایش‌های امام سجاده علیه السلام چنین آمده است: «خدایا، اگر بنده‌ای در حق من به کاری دست زده که تو او را از آن باز داشته‌ای، یا آبرویم را که تو حرمت آن را بر او لازم گردانیده‌ای، به ناحق ریخته است و در این حال از دنیا رفته، یا زنده است و حق من برگردنش باقی است، او را در ستمی که بر من روا داشته، بیامرز و در حقی که از من با خود برده است ببخشای و او را به سبب آنچه با من کرده، سرزنش مفرمای و بدی‌هایش را پیش چشمش میاور که آزرده‌خاطر شود. این عفو و بخشایش بی‌دریغ و بخشش رایگان من درباره آنان را که پاک‌ترین صدقه و برترین عطیه‌ای قرار ده که صدقه‌دهندگان و تقرب‌جویان به دیگران می‌بخشند. و در عوض این گذشت، از من بگذر. و در برابر دعایم در حق آنان، بر من رحمت آور تا هریک از ما به مدد فضل تو به سعادت رسیم و به احسان تو روی رهایی بینیم»^۳.

1. <https://www.mehrnews.com>.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۰.

۳. صحیفه سجادیه، نیایش ۳۹.

د) عفو و گذشت در سیره امام سجاد علیه السلام

امام صادق علیه السلام می فرماید: در طول ماه مبارک رمضان، علی بن الحسین علیه السلام با غلامان و کنیزان و دیگر زبردستان خود، عفو و گذشت پیش می گرفت؛ به این ترتیب که هرگاه غلامان و کنیزان آن حضرت خطایی را مرتکب می شدند، آنان را تنبیه نمی کرد. آن حضرت فقط خطاها و گناهان آنان را در دفتری ثبت می کرد و تخلّفات هر یک را با نام و مورد آن مشخص می فرمود؛ اما در آخر ماه همه آنان را جمع می کرد، میان آنها می ایستاد و این کلمات را به خویش و آنان تلقین می کرد و آنان با هم تکرار می کردند و خود امام که میان آنان ایستاده بود، می گریست و با لحنی ملتسمانه می گفت:

رَبِّ إِنَّكَ أَمْزَيْتَنَا أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمْنَا فَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَتَحْنُ قَدْ عَفَوْنَا عَمَّنْ ظَلَمْنَا كَمَا
أَمْزَيْتَ فَاعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِثًّا وَ مِنَ الْأُمُورِ...^۱

پروردگارا، تو به ما فرمودی از ستمکاران خویش درگذریم و ما به راستی بر خود ستم کرده ایم. همان طور که فرمودی، ما از کسانی که ستم کرده اند درگذشتیم، تو نیز از ما درگذر که تو در عفو کردن از ما و مأموران برتری ...

پس از آن، امام سجاد علیه السلام خطاب به خدمتگزاران خویش می فرمود: «من شما را عفو کردم، آیا شما هم من و بدرفتاری های مرا که فرمانروای بدی برای شما و بنده فرومایه ای برای فرمانروای بخشاینده عادل بوده ام، بخشیدید؟ همگی یک صدا می گفتند: ما از شما جز خوبی ندیده ایم».

ه) داستان عفو و گذشت بزرگان

در عصر زعامت مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی در شبی از شب ها که ایشان در نجف نماز مغرب و عشا را به جماعت می خواندند، بین نماز شخصی فرزند او را که حقا شایستگی داشت جانشین پدر شود، شهید کرد. ایشان وقتی از شهادت فرزند باخبر شد، به قدری بردباری و صبوری و بزرگواری از خود نشان داد که فرمود: «لا حول و لا قوة الا بالله» و بلند شد نماز عشا را خواند و قاتل فرزند را هم مورد عفو و بخشش قرار داد.

یکی از استادان اخلاق می فرمود: آیت الله اصفهانی هر ماه یک دستمال نامه فحش که برایش نوشته بودند را برمی داشت به سوی رود دجله روانه می شدند و نامه های توهین آمیز و فحش را در

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۳.

آنجا می‌ریختند و چنان دارای عظمت نفس بودند که ابداً لب بر نمی‌آوردند و عاملین را نیز می‌بخشیدند.^۱

نقل شده است شخصی از مردم سامرا که به دلیلی عاطفی به میزای شیرازی کینه می‌ورزید، پسر بزرگ میرزا را مضروب کرد و میرزا محمد به علت این ضربت درگذشت. میرزای شیرازی در این واقعه لام تا کام نگفت و کمترین واکنشی نشان نداد. دشمنان آن روز اسلام، واقعه را مورد توجه قرار دادند و خواستند برای ایجاد فتنه‌ای در دنیای اسلام از آن بهره‌برداری کنند؛ بدین منظور عده‌ای به سامرا آمدند و به خدمت میرزا رسیدند و از وی درخواست کردند تا در این رابطه اقدام کند و دستورهایی بدهد. میرزای بزرگ به شدت آنان را از خود راند و فرمود: شما حق ندارید در هیچ‌یک از امور مربوط به ما مسلمانان و سرزمین‌های ما دخالت کنید. این قضیه ساده‌ای است که میان دو برادر اتفاق افتاده است. آن عده با بینی‌های به خاک مالیده از حضور میرزا مرخص شدند. این جریان در آن ایام در استانبول به گوش خلیفه عثمانی رسید و او از این موضع‌گیری هوشمندانه مرجع شیعه شادمان شد و به والی بغداد دستور داد خود به حضور میرزا برسد و از وی تشکر کند و از وقوع این حادثه ابراز تأسف کند.^۲

1. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4693/5159/47208>.

2. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/4693/5159/47208>.

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مكتبة الأعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الكتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۹. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، راه روشن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۰. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. قمی، عباس، سفینة البحار، قم: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. لیشی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار لجامعة الدرر الأخبار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. محمدی گلپایگانی، ابوالقاسم، جرعه‌ای از زلال قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ق.
۱۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. _____، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ش.
۱۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، جامع السعادات، تهران: قائم آل محمد صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۰ ش.

ماندگاری فرهنگ عاشورا در فرهنگ مقاومت

حجت الاسلام والمسلمین عیسی عیسی‌زاده*

اشاره

روح قیام عاشورا که مقاومت در مقابل ظلم و ستم و مبارزه با سلطه ستمکاران است، در اقصی نقاط جهان جاری شده است. امروزه عاشورا مکتبی منحصر به جهان تشیع نیست، بلکه از خاورمیانه گرفته تا آفریقا و قلب اروپا و آمریکا نام حسین بن علی علیه السلام می‌درخشد؛ از این‌رو حامیان مستکبر غربی به هر وسیله‌ای می‌خواهند مانع رسیدن پیام مقاومت‌ساز قیام امام حسین علیه السلام به سراسر جهان شوند؛ چراکه هر انسان آزاده‌ای در عالم اگر این پیام نورانی را بشنود، شیفته آن می‌شود.

آری، گفتمان مقاومت در دنیای معاصر ثمره شیرین فرهنگ عاشورا است و رابطه بین این دو، رابطه‌ای متقابل است؛ از یک‌سو فرهنگ عاشورا فراهم‌کننده زمینه شکل‌گیری گفتمان مقاومت شده است و از سوی دیگر گفتمان مقاومت با تکیه بر ارزش‌های اسلامی با ایشار و پایمردی مجاهدانی همچون مدافعان حرم و مبارزان فلسطین و... توانسته است افزون بر خنثی‌کردن توطئه‌های دشمنان، نظر مردم جهان را به فرهنگ عاشورا جلب کند و در قالب بیداری امت‌ها و تشکیل هسته‌های مقاومت، در سرتاسر جهان به گفتمان مقاومت تبدیل کند.

عاشورا امروزه الگوی مبارزان و محور مقاومت در سطح جهان است: «شکستن ابهت پوشالی ابرقدرت‌ها»، «انتقال کانون وحشت از دل مظلومان جهان به دنیای ظالمان و مستکبران»، «جرئت مبارزه و ایستادگی در برابر ظالمین و نظام سلطه»، «اتحاد جهان اسلام»، «برهم‌خوردن نظم فرعون‌ی غرب بر جهان»، «تشکیل و تجهیز انتفاضه فلسطین»، «جهانی‌شدن

* استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

آرمان دفاع از فلسطین»، «ایجاد مشی جهادی و شهادت‌طلبی بین مبارزان جهان»، «تجدید حیات اسلام ناب محمدی»، «رنگ‌باختن منازعات انگلیسی‌ساخته شیعه و سنی»، «پرده‌برداشتن از چهره تزویر و نفاق جهان‌خواران و مستکبران»، «گسترش اسلام به قلب آفریقا و به‌ویژه نیجریه»، «ترویج و نهادینه‌سازی آزادی‌خواهی در جهان» همه و همه از آثار فرهنگ عاشورا، کربلا و خون حضرت ثارالله است.

این نوشتار می‌کوشد گذرا به شرایط تداوم فرهنگ عاشورا در فرهنگ مقاومت بپردازد.

فرهنگ عاشورا

مقصود از فرهنگ عاشورا، مجموعه مفاهیم، سخنان، اهداف و انگیزه‌ها، شیوه‌های عمل، روحیات و اخلاقیات والایی است که در نهضت کربلا گفته شده است یا به آنها عمل شد یا در حوادث آن نهضت تجسم یافته است؛ ارزش‌ها و باورهایی که در کلمات و رفتارهای حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اصحاب و فرزندان ایشان متجلی شده است.

فرهنگ عاشورا همان زیربنای عقیدتی و فکری است که در امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا و اسرای اهل بیت علیهم السلام وجود داشت و همین زیربنای فکری سبب پیدایش آن حماسه و ماندگاری آن شده است. فرهنگ ناب عاشورا را می‌توان در عناوین ذیل خلاصه کرد:

- * قیام خالصانه برای خدا؛
- * مقابله با تحریف دین؛
- * مبارزه با ستم طاغوت‌ها و جور حکومت‌ها؛
- * ترجیح مرگ سرخ بر زندگی ذلت‌بار؛
- * پیروزی خون بر شمشیر و شهادت بر ستم؛
- * شهادت‌طلبی و آمادگی برای مرگ؛
- * احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و سنت‌های اسلامی؛
- * فتوت و جوانمردی حتی در برخورد با دشمن؛
- * نفی سازش با جور یا رضایت به ستم؛
- * عمل به تکلیف برای رضای خدا، تکلیف‌گرایی چه به صورت فتح یا کشته‌شدن؛
- * جهاد و فداکاری همه‌جانبه؛

- * قربانی کردن خود در راه احیای دین؛
- * آمیختن عرفان با حماسه و جهاد با گریه؛
- * نماز اول وقت؛
- * شجاعت و شهامت در برابر دشمن؛
- * صبر و مقاومت در راه هدف تا مرز جان؛
- * ایثار، وفا، پیروزی گروه اندک ولی حق بر انبوه گروه باطل؛
- * هواداری از امام حق و برائت و بیزاری از حکام جور؛
- * لبیک‌گویی به فریاد استغاثه مظلومان؛
- * فدا شدن انسان‌ها در راه ارزش‌ها و ...^۱

راهکارهای تداوم‌بخشی فرهنگ عاشورا

برای ادامه‌داشتن فرهنگ اصیل و ناب عاشورایی در جنبش‌های مقاومت باید به چند امر توجه داشت:

۱. پیراستن فرهنگ عاشورا از آسیب‌ها

پیراستن فرهنگ عاشورا از آسیب‌ها و خرافات یکی از راهکارهای مهمی است که می‌تواند در تداوم‌بخشی نقش عاشورا در جهانی‌سازی فرهنگ مقاومت تعیین‌کننده باشد و مانع خدشه‌دار شدن چهره نورانی و مقاومت‌آفرین این عطیه الهی شود.

فرهنگ عاشورا در طول تاریخ همواره برای جامعه اسلامی و مؤمنان الهام بخش بوده است؛ به تعبیر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»^۲ برای شهادت حسین عَلَيْهِ السَّلَام، حرارت و گرمایی در دل‌های مؤمنان است که هرگز به سردی نمی‌گراید». این الهام‌بخشی را در طول تاریخ به‌ویژه در دوران اخیر در پیروزی انقلاب اسلامی، حماسه‌آفرینی‌های هشت‌سال دفاع مقدس، پیروزی در جنگ سی‌وسه‌روزه لبنان در مصاف با اسرائیل غاصب و مقاومت مردم مظلوم فلسطین به‌روشنی می‌توان مشاهده کرد.

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۱۸.

۲. سیدحسین طباطبایی بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۵۶.

با وجود تمام آثار ایجابی و خیرات و برکات فرهنگ عاشورا، گاهی در مقام عمل برای پاسداری و بزرگداشت حماسه‌های حسینی و عاشورایی از یک‌سوی بعضی اعمال و آیین‌هایی توسط عزاداران اجرا می‌شود که ما را از فرهنگ واقعی عاشورا دور می‌کند و خدای ناکرده موجب وهن اسلام می‌شود. از طرف دیگر دشمنان اسلام که پیامد مقاومتی این فرهنگ را دیده‌اند، با تمام وجود می‌کوشند از قدرت حقیقی و نقش سازنده مجالس و آیین‌های عزاداری بکاهند. در این مسئله، تقویت فرهنگ ناب عاشورا می‌تواند مانعی بزرگ بر سر راه دشمنان قسم‌خورده اسلام باشد و توطئه‌های آنان را نیز خنثی کند؛ از این‌رو ضرورت تبیین تحریف‌ها و راهکارهای برون‌رفت از آسیب‌ها و آفات این فرهنگ مقدس از اولویت‌های فرهنگی به شمار می‌رود.

با توجه به اهمیت این مسئله، در دوران معاصر متفکر شهید استاد مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی و تحریفات عاشورا بسیار نقادانه و عمیق به این موضوع توجه کرده است؛ ایشان درباره تحریف‌ها معتقد است: «برای مصیبت امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام ایشان به خاطر آن همه زجرهای روحی و جسمی و ضربات شمشیرها نباید گریست، بلکه باید به خاطر مظلومیت و دروغ‌پردازی‌هایی گریست که مقام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را متزل می‌کند»^۱. رهبر معظم انقلاب رحمته الله علیه نیز طی سال‌های اخیر به گسترده‌گی در بیانات خود به تحلیل موضوع تحریف‌ها و بدعت‌های عاشورا و ضرورت پرهیز از شبهات و بدعت‌ها و تحریفات پرداخته‌اند؛ از جمله:

عزیزان من، مؤمنین به حسین بن علی علیه السلام، امروز حسین بن علی می‌تواند دنیا را نجات دهد؛ به شرط آنکه با تحریف، چهره او را مغشوش نکنند. نگذارید مفاهیم و کارهای تحریف‌آمیز و غلط، چشم‌ها و دل‌ها را از چهره مبارک و منور سیدالشهدا علیه السلام منحرف کند. با تحریف مقابله کنید.^۲

یکی از وظایف اساسی مبلغان و مصلحان دینی، جهت‌دهی صحیح هیئت‌ها و مبارزه با آفت‌ها و انحراف‌های معنوی و تاریخی حادثه عاشورا است؛ چراکه بی‌تردید با انحراف در این جریان

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۷۲.

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=2752>

به‌تازگی دفتر نشر فرهنگ اسلامی مجموعه بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در این باره را با عنوان نسیم مبارک عاشورا: مروری بر نهضت خونین محرم به چاپ رسانده است.

دینی، حادثه عاشورا در فرهنگ‌سازی، مقاومت و عبرت‌انگیز بودن خود را از دست می‌دهد و تنها حادثه‌ای تاریخی دانسته می‌شود؛ درحالی‌که مهم‌ترین هدف عاشورا، تزریق فرهنگ مقاومت و مبارزه با ظلم و ستم در طول تاریخ اسلام است؛ همان‌گونه که امام حسین علیه السلام از آغاز حرکت خویش از مدینه تا روز حماسه عاشورا، همواره به آفت‌ها و صدمه‌هایی اشاره می‌کند که به دین وارد شده است و هدف از قیام خود را مبارزه با ظلم و اصلاح این آسیب‌ها معرفی می‌کند:

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ، وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ، لِيرَغَبِ الْمُؤْمِنِ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا، فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا؛^۱

آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌شود؟ به‌راستی که مؤمن باید به [مرگ و] دیدار خدا روی آورد. پس من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز رنج و ملال نمی‌بینم.

همچنین فرمود:

أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؛^۲

قصد من از خروج، فقط اصلاح امت جدم است. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و پدرم حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عمل کنم.

بی‌تردید قضیه عاشورا، قیام دینی بود؛ قیامی بر محور دین اسلام برای مبارزه با ظلم و ستم و اصلاح آسیب‌هایی که بعد از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا آن زمان به‌مرور زمان بر دین تحمیل شد؛ از این‌رو شرط تأثیرگذاری این قیام در توسعه فرهنگ مقاومت و مبارزه با ظلم و ستم در عالم، مشروط به پیراستن این قیام خونین از آسیب‌هاست، اعم از آسیب‌های شکلی و آسیب‌های محتوایی؛ بنابراین رسالت مبلغان دینی در انجام این مأموریت الهی (مبارزه با خرافات) دوچندان می‌شود.

۲. بهره‌گیری از ظرفیت کم‌نظیر حرکت میلیونی در اربعین حسینی

بهره‌جستن از ظرفیت کم‌نظیر حرکت میلیونی در اربعین حسینی در تداوم‌بخشی نقش عاشورا در

۱. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۸۹.

جهانی‌سازی فرهنگ مقاومت یکی از راهکارهای بسیار مهم فرهنگی است؛ زیرا گفتمان بزرگ مقاومت متأثر از فرهنگ حماسی عاشورا، رفته‌رفته همه نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان را به هم پیوند می‌زند. نقطه مشترک همه نهضت‌های آزادی‌بخش در کل جهان، پیروی از فرهنگ حماسی عاشورا است؛ فرهنگی که برای همه آزادی‌خواهان جهان الهام‌بخش، الگو و وحدت‌آفرین است. گفتمان مقاومت الهام‌گرفته از فرهنگ عاشورا در سایه راهپیمایی بزرگ اربعین روزبه‌روز وسیع‌تر و جهانی خواهد شد و انسان‌های تشنه معنویت، آزادی، عدالت و حق‌طلبی را گرد شمع وجود حضرت حسین شهید علیه السلام جمع خواهد کرد.

امام خامنه‌ای دامنه‌الله در این باره می‌فرماید: «امام حسین علیه السلام فقط مختص شیعیان نیست، بلکه متعلق به همه مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی و متعلق به انسانیت است و به همین علت ما شاهد حضور غیرمسلمانان نیز در راهپیمایی اربعین هستیم»^۱.

اجتماع گسترده انسان‌هایی از سراسر جهان با ملیت‌ها و نژادهای مختلف و از اقشار، پایگاه‌ها و منزلت‌های اجتماعی گوناگون که در واقع می‌توان آن را به‌مثابه نمونه‌ای از جامعه بشری دانست، در کنار نمایش جلوه‌های مختلف فضایل اخلاقی همچون از خودگذشتگی و ایثار، صبر، یاری به هم‌نوع، محبت و عطف و صدها خصلت والای انسانی نشان از شکل‌گیری فراجنبشی اجتماعی در سطح جهانی است که بشر را به آرمان‌شهری عینی فرا می‌خواند. این حرکت عظیم انسانی نه جنبشی است بر مبنای عقلانیت ابزاری که انسان‌ها در آن بر اساس محاسبه سود و زیان مادی به کنشگری پردازند، نه حرکتی است توده‌وار و بی‌هدف و مبتنی بر احساس صرف و نه حرکتی است ناشی از تضادهای طبقاتی، بلکه خیزشی است جهانی برای پاسخ به ندای فطری خداجویی و حق؛ به همین دلیل راهپیمایی اربعین پلی است میان درونگی و بیرونگی انسان مدرن و به‌واقع نسخه شفابخش و التیام‌دهنده بیماری‌های انسان معاصر است؛ چراکه ابعاد سازنده و معنوی تأثیر آن در خودسازی، همدلی و همبستگی میلیون‌ها مسلمان در مناسکی سیاسی و مذهبی که تحکیم‌کننده هویت آنان در تذبادهای معنویت‌گریز و به‌دور از هویت انقلابی است، حضور زائران حسینی از کشورهای مختلف جهان

۱. بیانات، ۱۳۹۸/۶/۲۷؛ در:

و حتی مذاهب متفاوت در مراسم اربعین، تا حد زیادی از مجادلات بی پایه‌ای چون عرب، عجم، شیعه، سنی و ... می‌کاهد.

به معنای دیگر تنوع ملی، قومی و مذهبی در مراسم اربعین، کمک می‌کند مفهوم امت به جای ملت قرار گیرد و از هزینه‌های تفرقه در جهان اسلام کاسته شود. شکل‌گیری گفتمان مقاومت امت اسلامی - انقلابی در برابر اسلام آمریکایی، پیوند و همبستگی نیروهای آزادی‌بخش مقاومت نیز از نتایج مهم در تحلیل جامعه‌شناختی راهپیمایی اربعین است.^۱ حضور فراملیتی در مراسم پیاده روی اربعین یکی از مسائل جذابی است که در تمامی گزارش‌های خبری مخابره شده از این رویداد بزرگ به چشم می‌خورد. این حضور فراملیتی به قدری پررنگ است که آمارها از حضور اتباع بیش از هشتاد کشور جهان در این رویداد عظیم حکایت دارد.^۲

با وجود حرکت مثال‌زدنی و کم‌نظیر این حماسه، رسانه‌های بین‌المللی که از هر سوژه‌ای برای ایجاد اختلاف یا اختلاف‌نمایی میان ملل مسلمان سوءاستفاده می‌کنند، این راهپیمایی و تجمع بیست‌میلیونی را سانسور کرده و درباره آن هیچ خبر و گزارشی مخابره نکرده‌اند؛ درحالی‌که کوچک‌ترین و کم‌ارزش‌ترین خبرها مانند جشنواره پرتاب تخم‌مرغ، مسابقات گاو‌بازی و ده‌ها همایش و جشنواره و تجمع مضحک دیگر را چند بار از تلویزیون‌های خود پخش می‌کنند، در برابر تجمع عظیم چندمیلیونی اربعین، سیاست سانسور و سکوت خبری را پیش گرفته‌اند که این سیاست همچنان ادامه دارد.^۳

بنابراین با توجه به فراهم شدن زمینه حضور فراملیتی اعم از مسلمان و غیرمسلمان در این حرکت حماسی و معنوی، شایسته است گرادندگان اصلی این حرکت به‌ویژه مشعل‌داران هدایت و مبلغان با بهره‌جستن از پیام‌های آزادی‌بخش قیام عاشوراییان در ترویج فرهنگ مقاومت و مبارزه با ظلم و استکبار تلاش مضاعفی کنند و با جهت‌دهی صحیح فرهنگی این حرکت عظیم، زمینه دست‌یابی به تمدن نوین اسلامی را فراهم نمایند؛ زیرا میلیون‌ها مسلمان زائر اعم از مهمان و میزبان در اربعین حسینی با نیت‌های خالصانه، گام‌های ارزشمند و بی‌نظیری در اجرایی نمودن

۱. مرضیه شهریاری و رضا کریم‌دوست، «بررسی پتانسیل و بسترهای مناسب زیارتی بر اساس فهم نظام معنایی مشارکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین»، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۵.

۳. همان، ص ۷۵.

آموزه‌های اسلامی برمی‌دارند. می‌توان گفت این فرصت طلایی می‌تواند نقش تأثیرگذاری در دست‌یابی به مقاومت جهانی و تمدن نوین اسلامی داشته باشد.

کتاب‌نامه

قرآن

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، نجف: مطبعة حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۳. بحرانی، سیدهاشم، مدینه المعاجز، قم: مؤسسه معارف الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، نسیم مبارک عاشورا (مروری بر نهضت خونین محرم)، تهران: دفتر فرهنگ نشر اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۵. شهریاری، مرضیه و کریم رضادوست، «بررسی پتانسیل و بسترهای مناسک زیارتی بر اساس فهم نظام معنایی مشارکت‌کنندگان در پیاده‌روی اربعین»، فصل‌نامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۶، ش ۴، تابستان ۱۴۰۱ ش.
۶. طباطبایی بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعه، تهران: المهر، ۱۳۸۰ ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ش.
۸. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم: نشر معروف، ۱۳۷۶ ش.
۹. مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۷۲ ش.

امام حسین علیه السلام الگوی رفتاری با خانواده

حجت الاسلام والمسلمین حسن شیرزاد کمانگر*

اشاره

خانواده عضو کوچکی از جامعه است که در تعالیم اسلامی از جایگاه مهمی در اثرگذاری رشد مادی و معنوی زندگی فردی و اجتماعی دارد؛ البته در صورتی که روابط درست عقلانی، منطقی و اخلاقی وجود داشته باشد.

هر انسانی بر اساس آداب، رسوم، اعتقادات و باورهای خودش، دارای روابط خاصی خواهد بود؛ ولی شخص مسلمان چون معتقد است اسلام دینی جامع، جاودانه و دارای برنامه‌ها برای زندگی است، باید روابط خودش را بر اساس آنها تنظیم کند؛ از این رو اسلام با وجود دارا بودن آموزه‌های ارزشمند برای سبک زندگی، از الگوهایی سخن می‌گوید که نگاه و همراهی با آنان می‌تواند مسیر پر پیچ و خم و فراز و فرود زندگی را با احساسی اطمینان‌آور و آرام‌تر پیمود و با الگوبرداری از این انسان‌های کامل رفتار مناسب در زندگی به‌ویژه با خانواده داشت و می‌تواند زندگی سعادت‌بخش و مورد رضایت خداوند را فراهم نماید.

امام حسین علیه السلام از انسان‌های کاملی است که قرآن از آنان به پاکان از بدی‌ها،^۱ نیکوکاران،^۲

* پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن.

۱. احزاب: ۳۳؛ مراد از آیه تطهیر، پیامبر اکرم، فاطمه، علی و حسن و حسین علیهم السلام هستند (علی بن ابراهیم قمی، تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۱۹۳؛ فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیرالکوفی، ج ۱، ص ۳۳۱ - ۳۴۲) و امامیه از آن به عصمت اهل بیت علیهم السلام استدلال نمودند (محمد بن حسن طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۳۳۹).

۲. انسان: ۵؛ مراد از «الأبرار» درباره علی، فاطمه، حسن و حسین است (فضل بن حسن طبری، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۶۱۶؛ ملا محسن فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۲۶۱) و روزه نذری برای شفای حسن و حسین علیهم السلام و اطعام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شد (محمود زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۶۷۰؛ سلیمان بن احمد طبرانی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۴۰۴).

اولی الامر،^۱ راستگویان^۲ تعبیر کرده است. ایشان رفتار و روابط گوناگونی با خانواده در فرازونشیب زندگی داشت که می‌تواند همانند آینه‌ای تمام‌نمای انسان کامل باشد و چون ماهی درخشان و ستاره‌ای فروزان مسیر صحیح را در رفتار با خانواده نشان دهد. این نوشتار درصدد بیان همین اهداف است.

آینهٔ حق‌نما، حسین است حسین جان و تن مصطفی، حسین است حسین
مصباح هدایت بشر تا محشر بی‌شبهه حسین است حسین

ضرورت الگو

الگو در لغت فارسی به معنای مدل، سرمشق، شخص یا چیزی است که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست.^۳ در لغت عربی از آن به «اسوه» و «قدوه»^۴ تعبیر شده است که هر دو واژه آن در قرآن به کار رفته است.^۵

داشتن الگو در همه زمینه‌ها، کمک بزرگی به ارتقای کمی و کیفی زندگی در استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌ها می‌کند و کمترین دغدغه‌ها را برای رسیدن به اهداف عالی فراهم می‌نماید. از آنجاکه خاستگاه همه کردارهای آدمی، اندیشه یا گرایش اوست، در صورت سالم ماندن آن دو، در تأمین سعادت خود مشکلی ندارد. رهبران الهی به‌ویژه دودمان علوی هم مسئولیت هدایت اندیشه امت را بر عهده دارند و هم رهبری پویندگی جامعه را؛ از این رو پیامبر مهرورزی صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندم حسین علیه السلام چراغ هدایت و کشتی نجات است؛ همچنین «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لِمَكْتُوبٌ عَنِ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مُصْبِحٌ هَدَى

۱. نساء: ۵۹ - ۸۳؛ آیه «أولى الأمر» درباره امیرمؤمنان علی علیه السلام (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴۲)، حسن و حسین است و خاص برای ما (فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۱۰ - ۱۰۸؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۴۷) و ائمه آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شد (محمد بن حسن، طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۳۶).
۲. توبه: ۱۱۹؛ مراد از «صادقین» بر آل محمد، ائمه معصومین علیهم السلام و علی علیه السلام منطبق شده است (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ عبدعلی بن جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰ - ۲۸۲).
۳. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۳، ص ۳۲۴۸.
۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۹۵، ج ۷، ص ۳۳۳.
۵. ممتحنه: ۴؛ احزاب: ۲۱.

و سفینه نجات^۱؛ یعنی هنگامی که به کاری نیاز دارید، آن حضرت شما را از دریای طوفنده رهایی می‌دهد و به ساحل امن می‌رساند و زمانی که محتاج اندیشه‌اید، او رهنمای باورهای شماست.^۲

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَحَبِّ أَهْلِ الْأَرْضِ إِلَى أَهْلِ السَّمَاءِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحُسَيْنِ رِوَاةَ
الطَّبْرِيَانِ فِي الْوَلَايَةِ وَالْمَنَاقِبِ وَالسَّمْعَانِي؛^۳

کسی که دوست دارد به محبوب‌ترین اهل زمین در نزد آسمانیان نگاه کند، پس به حسین نظر نماید.

در زمین هم وقتی به رفتار آن حضرت نگاه می‌کنیم، او را شخصیتی می‌بینیم که در همه مواقع برای خانواده ارج می‌نهد و تا حد امکان در دفاع، صیانت و حقوق آنان کوتاهی نمی‌کند. در نقل‌ها آمده است امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام شب عاشورا خطاب به اصحاب خود درباره خانواده‌اش فرمود: «وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي، وَلَا أُضِلُّ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛^۴ اهل بیته را نیکوتر و بایوندتر از اهل بیت خود نمی‌دانم».

پس با الگوگیری از چراغ هدایت و محبوب‌ترین افراد نزد آسمان‌ها در جایگاه انسانی کامل و آراسته به اخلاق کریمانه، می‌توانیم بهترین رفتار را با خانواده داشته باشیم؛ به همین دلیل شاعر درباره حضرت گفته است:

فرمانده عشاق، دل آگاه حسین است بیراهه مرو، ساده‌ترین راه حسین است
از مردم گمراه جهان راه مجوید نزدیک‌ترین راه به الله حسین است

نمونه‌هایی از رفتار امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام با خانواده

در تعالیم اسلامی افزون بر آثار و فلسفه تشکیل خانواده از قبیل برخورداری از آرامش، الفت و محبت: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۵۹ - ۶۰.

۲. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۸، ص ۲۲۷.

۳. محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۷۳.

۴. محمد بن محمد شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۳۱.

وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱، تأمین نیازهای جنسی، تولیدمثل و بقای نسل، راهکارهایی را برای تحقق آن از جمله انسان‌های کامل در جایگاه الگوی زندگی برای رسیدن آسان برای چنین اهدافی مطرح شده است؛ از این‌رو امام حسین علیه السلام به اعتبار جایگاه و مواجه‌شدن با فرازونشیب زندگی یعنی آسایش‌ها و سختی‌ها، شادی‌ها و اندوه‌ها، یکی از بهترین الگوها در رفتار با خانواده است. در ادامه برای نمونه به برخی از رفتارهای حضرت اشاره می‌شود.

۱. پرداخت حقوق

اهتمام به پرداخت حقوق خانواده از جمله همسر پیش از درخواست او، امری ارزشمند و در جلب اعتماد و محبت او بسیار اثرگذار خواهد بود؛ از جمله حقوق واجب همسر، پرداخت مهریه اوست که متأسفانه از سوی برخی مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد که حتی در جایگاه دین و طلبکاری او قبول ندارند و اگر شوهری بتواند در آغاز زندگی مشترک به او پرداخت کند، زمینه فراهم‌نمودن امکانات و رفاهیات زندگی از سوی همسر بر اساس سلیقه خودش به وجود خواهد آمد. امام حسین علیه السلام مهریه همسرش را زود هنگام می‌پرداخت و به حقوق طبیعی و مشروع آن احترام می‌گذاشت.

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند عده‌ای بر امام حسین علیه السلام وارد شدند؛ ناگاه فرش‌های گران‌قیمت و پستی‌های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت مشاهده کردند. عرض کردند: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله، ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می‌کنیم که ناخوشایند ماست [وجود این وسایل در منزل شما را مناسب نمی‌دانیم]. حضرت فرمود:

إِنَّا نَتَرَوُجَ النِّسَاءِ فَتَعْطِبُهُنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَشْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ، لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ؛^۲

ما بعد از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می‌کنیم و آنها هرچه دوست داشتند، برای خود خریداری می‌کنند. هیچ‌یک از وسایلی که مشاهده نمودید، از آن ما نیست.

۲. دعوت به صبر

صبر، ابزار و وسیله‌ای بسیار نقش‌آفرین در عرصه‌های گوناگون زندگی است که مورد اهتمام تعالیم اسلامی نیز قرار گرفته است و از آن به‌منزله سر انسان تعبیر شده است. امام صادق علیه السلام

۱. روم: ۲۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۳، ص ۱۰۱.

فرمودند: «الضَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَثْرَلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ وَ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الضَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ».^۱ از صبر باید استعانت جست: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»^۲ از صبر و نماز یاری جوید؛ [و با استقامت و مهار هوس های درونی و توجه به پروردگار، نیرو بگیرید] و این کار، جز برای خاشعان، گران است». این گونه آیات و روایات نشان می دهد هیچ طاعت و اجتناب از معصیت و واکنش صحیح در برابر بلاها و رسیدن به اهداف تحقق نخواهد یافت مگر در سایه صبر.

امام حسین علیه السلام در جایگاه الگوی زندگی به موضوع صبر توجه بسیاری داشتند و در رفتار با خانواده به آن سفارش می کردند. امام سجاد علیه السلام فرمودند: در شبی که فردایش پدرم کشته شد، بیدار بودم و عمه ام زینب مرا پرستاری می کرد. پدرم در خیمه خود تنها بود و «جون» آزاد کرده ابی ذر غفاری نزد او شمشیرش را آماده و اصلاح می کرد و پدرم این ابیات را می خواند:

يَا ذَهْرُ أَفَّ لَكَ مِنْ خَلِيلٍ كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ
مِنْ طَالِبٍ وَ صَاحِبِ قَتِيلٍ وَ الدَّهْرُ لَا يَقْنَعُ بِالْبَدِيلِ
وَ كُلُّ حَيٍّ سَالِكٍ سَبِيلٍ مَا أَقْرَبَ الْوَعْدُ إِلَى الرَّحِيلِ
وَ إِنَّمَا الْأَمْرُ إِلَى الْجَلِيلِ

ای روزگار، اف بر دوستی تو باد که از طلوع آفتاب تا غروب، چه بسیار دوستان را می کشی و در کشتن هم بدیل نمی پذیری. هر زنده ای این راه را می رود. چه نزدیک است گاه کوچ کردن و عاقبت کار به سوی پروردگار جلیل است.

دو - سه مرتبه امام حسین علیه السلام اشعار را تکرار کرد و من مقصودش را دانستم و گریه ام گرفت؛ اما جلوی گریه ام را گرفتم. ولی وقتی عمه ام زینب آن ابیات را شنید، بی اختیار دوید تا به پدرم رسید و گفت: وای از این مصیبت، کاش مرگ مرا در کام خود می گرفت و به زندگی من خاتمه داده بود. امروز مادرم فاطمه و پدرم علی و برادرم حسن از دنیا رفتند؛ ای جانشین گذشتگان من و ای پناه و یاور بازماندگان من.

امام فرمود: «يَا أَحْيَيْتَهُ لَا يُذْهِبَنَّ حِلْمَكَ الشَّيْطَانُ؛ ای خواهرک مهربان من، صبرت را شیطان

۱. همان (ط - دار الحدیث)، ج ۳، ص ۲۲۶.

۲. بقره: ۴۵.

نبرد) و اَشْكُ در چشمانش حلقه زد. عمه‌ام گفت: «يا وَبَلَّتْاهُ! أَفْتَعْتَصِبُ نَفْسَكَ اغْتِصَابًا؟ فَذَاكَ أَقْرَحُ لِقَلْبِي وَ أَشْدُّ عَلَى نَفْسِي؛ ای وای بر من، پس تو را به ستم می‌گیرند؟ و این بیشتر دل مرا جریحه‌دار و آزرده می‌کند و تحملش بر جان من دشوارتر است». آن‌گاه چنان سیلی بر چهره خود زد و گریبان چاک نمود که بیهوش بر روی زمین بیفتاد. حضرت امام حسین علیه السلام برخاست، آب بر روی او پاشید تا به هوش آمد و به او گفت:

يا اِحْتَاةَ اِنْتَهَى اللهُ وَ تَعَزَّى بِعِزِّ اللهِ وَ اعْلَمِي اَنَّ اَهْلَ الْاَرْضِ يَمُوتُونَ، وَ اَنَّ اَهْلَ السَّمَاءِ لَا يَبْقُونَ؛ وَ اَنَّ كُلَّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَ اللهِ الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ؛ وَ يَبْعَثُ الْخَلْقَ وَ يُعَوِّدُونَ وَ هُوَ فَزْدٌ وَ حُدَّةٌ جَدِي خَيْرٌ مِنِّي، اَبِي خَيْرٌ مِنِّي؛ وَ اُمِّي خَيْرٌ مِنِّي، وَ اَخِي خَيْرٌ مِنِّي وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اَسْوَةٌ؛^۱

ای خواهر من، تقوای الهی را پیشه گیر و به شکیبایی از جانب خداوند، خود را تسلی بده. و بدان که اهل زمین می‌میرند و اهل آسمان باقی نمی‌مانند و هر چیزی فانی گردد مگر وجه خدا؛ آن خدایی که مخلوقات را به قدرت خود آفرید و آنها را بر می‌انگیزاند و باز می‌گرداند؛ درحالی که خودش فرد و تنهاست. جد من بهتر از من بود؛ پدرم بهتر از من بود؛ مادرم بهتر از من بود؛ برادرم بهتر از من بود. و من و هر مسلمانی باید به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأسی جوییم.

۳. بیان واقعیت‌ها به خانواده

کسی که در جایگاه پدر، مدیریت خانواده را بر عهده دارد، در مواجهه با سختی‌ها و مشکلات باید خانواده را در جریان قرار دهد و آنان را آماده برای تحمل و تدبیر مشکلات کند. امام حسین علیه السلام در آخرین ساعت‌های عمر مبارک خویش، دیدارهایی با خانواده خود داشت و خطاب به زنان اهل بیت علیهم السلام فرمود: «ای سکینه، ای فاطمه، ای زینب، ای ام‌کلثوم علیکن منی السلام». دختر گرامی‌اش سکینه عرض کرد: «يا اَبَةُ اسْتَسَلَمْتَ لِلْمَوْتِ؟؛ ای پدر، آیا تن به مرگ داده‌ای؟» فرمود: «چگونه تن به مرگ ندهد کسی که یارویاوری ندارد؟ عرض کرد: ما را به حرم جدمان بازگردان. حضرت در پاسخ این مثل را آورد: «هيهات لَوْ تُرِكَ الْقَطَا لَنَامَ؛ اگر صیاد از مرغ قطا دست برمی‌داشت، آن پرنده در آشیانه خود آسوده می‌خوابید»؛ کنایه از اینکه لشکر دشمن دست از من بر نمی‌دارند و نمی‌گذارند شما را به جایی ببرم. زن‌ها با صدای بلند به گریه افتادند؛

۱. محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۳۲؛ شیخ عباس قمی، در کربلا چه گذشت، ص ۲۸۹.

حضرت خطاب به ام‌کلثوم فرمود: «اوصیک یا اخیه بنفسک خیرا وانی بارز الی هولاء؛ ای خواهرم تو را به خوبی‌ها [رفتار خوب و متناسب با شأن و منزلت‌تان] سفارش می‌کنم و من رهسپار مبارزه با این دشمنان هستم».^۱

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: پدرم مرا در برگرفت و به سینه خود چسبانید و در آن روز که کشته شد «والدماء تغلی؛ و خون‌ها در بدن مبارکش جوش می‌خورد»، فرمود: «ای پسر من، حفظ کن از من دعایی را که تعلیم فرمود آن را به من فاطمه علیها السلام، تعلیم فرمود به اورسول خدا صلی الله علیه و آله و تعلیم نمود به آن حضرت جبرئیل از برای حاجت و مهم و اندوه و بلاهای سخت که نازل می‌شود و امر عظیم و دشوار؛ سپس فرمود:

أَدْعُ بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِحَقِّ طَهٍ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلٰی حَوَائِجِ السَّائِلِينَ، يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الصَّمِيرِ، يَا مُنْفَسَّ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، يَا مُفْرَجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ، يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الضَّعِيفِ، يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلَّى عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.^۲

این رفتار امام حسین علیه السلام می‌آموزد هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات تا جایی که امکان بازگرددن برای خانواده وجود دارد، باید گفته شود تا آنان به درستی از موقعیت پدر باخبر باشند تا بتوانند به درستی خود را آماده برنامه‌ریزی و تحمل حوادث ناگوار با حفظ عزت و کرامت نفس خود کنند و در راستای اهداف پدر گام بردارند.

۴. اظهار محبت

زن، کانون احساسات و عواطف است و مرد باید او را درک کند و روابط خودش را با او بر چنین حالات و صفاتی تنظیم نماید و از اظهار هرگونه محبت که عنصر مهمی در جذب همسر است، دریغ نرزد؛ همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۳ اگر مرد به همسرش بگوید تو را دوست دارم، اثر این کلام محبت‌آمیز هیچ‌گاه از قلب او بیرون نمی‌رود».

۱. شیخ عباس ثمی، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، ج ۲، ص ۸۸۸ به نقل از ذپدهوات راوندی، ص ۵۴.

۲. همان، ص ۸۹۰.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۳۱۶.

رباب یکی از همسران امام حسین علیه السلام و دارای دو فرزند به نام سکینه و عبدالله (علی اصغر) است که حضرت خطاب به او چنین اظهار محبت می‌کند:

لَعْمَرُكَ إِنِّي لَأُحِبُّ دَارَا تَحُلُّ بِهَا سَكِينَةُ وَ الرَّبَابُ
 أُحِبُّهُمَا وَ أَبْدُلُ جُلَّ حَالِي وَ لَيْسَ لِأَثْمِي فِيهَا عِتَابُ

به جانت سوگند، خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن حضور داشته باشند. آنان را دوست دارم و بیشترین اموال خویش را برایشان هزینه می‌کنم و در این کار، جای سرزنش هیچ نکوهش‌گری وجود ندارد.^۱

رباب نیز علاقه وافری به امام حسین علیه السلام داشت. او در سفر کربلا همراه امام علیه السلام بود و پس از شهادت آن حضرت علیه السلام نیز وفاداری‌اش را به زبان شعر و نیز در عمل نشان داد. رباب در اشعار زیر خلوص و ارادت خود را به آن حضرت علیه السلام نشان می‌دهد:

إِنَّ الَّذِي كَانَ نُورًا يَسْتَضَاءُ بِهِ بِكَرْبَلَاءَ قَتِيلٌ غَيْرُ مَدْفُونٍ
 سَبَطُ النَّبِيِّ جَزَاكَ اللَّهُ صَالِحَةً عَنَّا وَجَبَّيْتَ خُسْرَانَ الْمَوَازِينِ
 قَدْ كُنْتَ لِي جَبَلًا صَعْبًا أَلُوذُ بِهِ وَ كُنْتَ تَصَحَّبُنَا بِالرَّحِمِ وَالذِّينِ
 مَنْ لِيَتَامَى وَمَنْ لِلسَّائِلِينَ وَمَنْ يَغْنَى وَيَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مَسْكِينِ
 وَاللَّهِ لَا أَبْتَغِي صِهْرًا بِصِهْرِكُمْ حَتَّى أُغَيَّبَ بَيْنَ الرَّمْلِ وَالطَّيْنِ؛^۲

آن پرتوی که دیگران از درخشش آن بهره می‌بردند، در کربلا کشته شده و غیرمدفون رها شده است. ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، خدا از طرف ما تو را پاداش نیکو داده و در وقت «میزان» تو را از هر زیبایی به دور دارد. تو آن چنان کوه محکمی بودی که من بدان پناه می‌بردم و تو با رحمت و از سر دینداری با ما همنشینی داشتی. دیگر چه کسی برای یتیمان و فقیران مانده است؟ و چه کسی است که مسکینان بدو پناه برند و او بی‌نیازشان سازد؟ به خدا قسم، دیگر سایه‌ای بعد از تو بر سرم نخواهم پذیرفت تا در میان خاک، پنهان شوم.

۱. شیخ محمد بن طاهر سماوی، سلحشوران طف، ترجمه ابصار العین، ص ۶۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۹۵؛ اسماعیل بن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۱۱. در برخی از نقل‌ها به جای «تحلُّ بها»، «تکون بها» آمده است.

۲. سیدمحسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۹.

رشته‌ای بر گردنم افکنده دوست می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست
رشته بر گردن نه از بی‌مهری است رشته عشق است بر گردن نکوست

عبیدالله بن عتبّه می‌گوید نزد حسین بن علی علیه السلام بودم که علی بن حسین علیه السلام وارد شد. حسین علیه السلام (امام سجاد علیه السلام) او را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: «پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبایی»^۱.

از این رفتار امام حسین علیه السلام می‌توان اهمیت اظهار محبت را فهمید. زمانی که همسر و فرزندان، محبت را در خانه احساس کنند و فضای خانه را آکنده از مهر و محبت ببینند، اعتماد آنان به پدر خانه زیاد خواهد شد و دیگر از خانه‌های خود خارج نمی‌شوند تا به دامان غریبه‌ها و بیگانگان پناه ببرند.

۵. تشویق و تحذیر

پدر خانه به دلیل اشتغال و تلاش برای تأمین نیازهای منزل، نمی‌تواند به عملکردهای همسر و فرزندان بی‌توجه باشد؛ از این رو باید کارهای روزانه خود را طوری تنظیم کند که فرصتی در کنار خانواده‌بودن و با هم گفتگو داشتن را فراهم نماید؛ زیرا توجه به عملکرد همسر و فرزندان و داشتن واکنش مناسب، اثر ارزشمندی در تشویق به انجام خوبی‌ها و بازدارندگی از اعمال نادرست خواهد داشت. سزاوار نیست مرد خانه در برابر تلاش و زحمات همسر و فرزندان بی‌تفاوت باشد و گاه رفتار نسنجیده‌ای داشته باشد، به‌ویژه در این زمان که مادران بیشترین وقت خود را برای رسیدگی به فرزندان و درس و بحث آنان می‌گذارند و فرزندان هم با همکاری آنان احساس فضای مدرسه را در خانه خود می‌کنند. امام سجاد علیه السلام فرمود: من به مریضی شدیدی مبتلا شدم. پدرم به من فرمود: چه چیزی میل داری؟ گفتم: میل دارم از کسانی باشم که در مورد چیزی که خدا برایم اندیشیده، پیشنهادی نداشته باشم. (یعنی راضی و خشنودم به آنچه خدا برایم پیش آورد) پدرم فرمود: آفرین بر تو که شبیه ابراهیم خلیل علیه السلام هستی که وقتی جبرئیل به او گفت: آیا حاجتی داری [هنگامی که می‌خواستند او را در آتش بیندازند]؟ فرمود: پیشنهادی به پروردگارم نمی‌کنم؛ او بهترین وکیل است و مرا کفایت می‌کند.^۲

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۶۷، ح ۳۴.

۲. همان.

امام زین العابدین علیه السلام هنگام وفات خود، فرزندش امام محمدباقر علیه السلام را به سینه چسبانید و فرمود: ای پسر جان، من وصیت می‌کنم تو را به آنچه وصیت کرد به من پدرم هنگامی که وفاتش حاضر شد و فرمود: این وصیت را پدرم به من نموده است؛ فرمود: «إِيَّاكَ وَ ظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ»^۱ ای پسر جان من، بپرهیز از ظلم بر کسی که یابوری و دادرسی ندارد مگر خدا».

کتاب‌نامه

قرآن

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مصحح: هاشم رسولی و محمدحسین آشتیانی، قم: علامه، [بی تا].
۲. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، محققان: مجید حیدری فرد و احسان ابراهیمی، قم: عترت، ۱۳۹۱ ش.
۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، چ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۶. سماوی، شیخ محمد بن طاهر، سلحشوران طف، مترجم: عباس جلالی، قم: زائر، ۱۳۸۱ ش.
۷. سیدرضی، محمد، نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق.
۸. شیخ صدوق، ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، محقق/ مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، چ سوم، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۹ ق.
۱۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اردن: دار الکتب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۹۱؛ به نقل از: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۱.

۱۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مصحح: احمد حبیب عاملی، مقدمه نویسنده: محمد محسن آقابزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۱۴. عاملی، سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، محقق: هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، محقق/ مصحح: حسین اعلمی، چ دوم، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. قمی، شیخ عباس، در کربلا چه گذشت/ نفس المهموم، مترجم: آیت الله کمره‌ای، چ چهاردهم، قم: مسجد جمکران، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. _____، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، قم: دلیل ما، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، محقق: طیب موسوی جزایری، چ سوم، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، چ ۱۳، تهران: کتابفروشی اسلامیه، [بی تا].
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/ مصحح: دار الحدیث، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۲۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار (ط- بیروت)، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، چ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

بستر سازی و روش شناسی شبهات عاشورا و روش پاسخگویی به آنها

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

اشاره

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد شبهه می فرماید: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛^۱ شبهه را از آن روی شبهه گویند که شبیه به حق است». بنابراین شبهه شباهت اندکی به حق دارد و به همین دلیل افراد غیرمتخصص توان تشخیص واقعی از بدل را ندارند؛ برای مثال تمام تلاش جاعلان سکه طلا بر این است تا اندازه و رنگ آن بیشترین شباهت را به سکه واقعی داشته باشد و به قول معروف «گنجشک را جای قناری رنگ می کنند و می فروشند» نه کلاغ و خروس را. از آنجاکه شبهه ممکن است بسیاری از افراد را بی راهه بکشاند، شبهه زدایی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به همین دلیل امام علی علیه السلام شبهه را یکی از ارکان چهارگانه کفر به شمار می آورد.^۲

زمانی که شبهه در جامع رواج یابد، وظیفه عالمان و مبلغان دینی مشخص می شود؛ زیرا یکی از رسالت های اصلی آنها پاسخ به شبهه هاست؛ چراکه بسیاری توانایی تشخیص طلای واقعی از بدل ندارند و عالمان دینی در این باره بسان طلاشناس می توانند گزارش واقعی از جعل را شناسایی و از فریب دادن مردم توسط بدلکاران دینی جلوگیری کنند.

رسالت مبلغان در پاسخ گویی به شبهه ها

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «یکی از رسالت های انبیای الهی، برطرف نمودن شبهات و

* دکتری تاریخ و تمدن اسلامی.

۱. سیدرضی، نهج البلاغه (للصحیحی صالح)، ص ۳۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۹۱.

پاسخ‌گویی به آن است»^۱.

همه امامان معصوم علیهم‌السلام بخشی از وقت خود را به پاسخ‌گویی شبهه‌ها اختصاص می‌دادند؛ زیرا پاسخ‌گویی به شبهه یکی از اساسی‌ترین وظایف عالمان و مبلغان دینی است. امام صادق علیه‌السلام دانشمندان شیعی را همچون مرزداران می‌دانند که مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان می‌شوند و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می‌گیرند؛ همچنین فضیلت این عملکرد را بالاتر از رزمندگانی معرفی می‌کند که با روم و ترک و خزر در حال جهادند، زیرا علما از دین مردم دفاع می‌کنند و رزمندگان از جسم آنها.^۲ معاندان امروزه با استفاده از فضای مجازی بیش از پیش به ترویج شبهه‌ها می‌پردازند و به طور بدیهی جوانان بیشترین آسیب را متحمل خواهند شد. همان‌گونه که وظیفه فرماندهان نظامی، پاسداری است و تا حد توان مانع از بین رفتن نفوس می‌شوند، عالمان دینی باید عزم خود را جزم کنند، مانع کشتار روح جوانان شوند و جوانانی را دریابند که روح دینی‌شان در این بستر در شرف ذبح شدن است.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ»^۳ به جوانان خود حدیث پیام‌زید پیش از آنکه مرجئه بر شما سبقت گیرند». امروزه شبهه‌افکنان در جایگاه مرجئه قرار گرفته‌اند و روح جوانان و نوجوانان را هدف قرار داده‌اند. شبهه‌های معاندان به تناسب مکان و زمان مطرح و در فضای مجازی و حتی حقیقی نشر داده می‌شود؛ در ایام فاطمیه شبهه‌های فاطمی، در غدیر شبهه‌های مرتبط به غدیر و در محرم و صفر شبهه‌های عاشورایی را مطرح می‌کنند.

هدف شبهه‌سازان در موضوع عاشورا

قیام امام حسین علیه‌السلام تنها یک قیام بر ضد طاغوت زمان نبود، بلکه الگویی برای بسیاری از قیام‌ها و انقلاب‌های آینده شد و به تعبیر دیگر قیامی است قیام‌پرور؛ به همین دلیل در هر دوره با تأسی به این قیام، انقلاب‌هایی علیه حاکمان ظالم به وقوع می‌پیوندند و در هر دوره حاکمان جور و

۱. سیدرضی، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۴۶.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۸، ص

ستم افزون بر سرکوبی قیام، به دنبال خشکاندن ریشه آن هستند؛ از این رو با ابزارهای مختلف در پی مقابله با حماسه حسینی بر می آیند؛ برای مثال متوکل عباسی حرم حسینی را تخریب کرد، اما متعرض دیگر اماکن مقدس در عراق نشد.

شیعیان، مسلمانان و حتی غیر مسلمانان در دوره اخیر با الگو گرفتن از این قیام، در مقابل زورگویان عالم ایستادگی کردند و آنها را در بسیاری از اهدافشان ناکام گذاشته‌اند. وصیت‌نامه بسیاری از شهدا گویای سرمشق گرفتن آنان از حماسه حسینی است؛ در واقع مجالس حسینی است که با ترزیق روحیه شهادت طلبی امثال «شهید سلیمانی» می‌پروراند و شعار «ما ملت امام حسینیم» را به عالمیان مخابره می‌کند.

کسانی که امروزه از قیام امام علیه السلام آسیب دیده‌اند، می‌کوشند آن قیام شهید پرور را به ماجرای تاریخی خشنایی تبدیل کنند و شبهه‌ها بهترین کمک را به آنها خواهد کرد؛ پس ریشه اصلی شبهه‌های عاشورا، تضعیف این جنبه از قیام امام حسین علیه السلام و کاستن تأثیرهای آن است؛ برای نمونه، عزاداران را دیوانه معرفی می‌کنند که برای ماجرای تاریخی که ۱۴۰۰ سال از آن گذشته است، بر سروسینه خود می‌کوبند؛ در حالی که اگر به سروسینه‌زدن‌ها تأثیر ندارد، چرا شبکه‌های گوناگون معاندین با صرف هزینه‌های سرسام آور در پی تضعیف آن هستند؟ این هزینه‌ها گویای اهمیت موضوع است.

بسترهای شبهه‌ساز

الف) گزارش‌های ضعیف

مقاتل و کتاب‌های تاریخی کهن، گزارش‌های صحیح و جعلی را در دل خود جای داده‌اند. گزارش‌هایی که عوامل متعددی از جمله سلايق و تعصبات قومی، قبیله‌گی و مذهبی و نیز تطمیع و تهدید حاکمان سبب جعل برخی از آنها شده است. اگر این مسائل را هم در نظر بگیریم، شیوه مورخان در کتاب‌های منبع، بیان گزارش‌های مختلف است؛ بدین معنا که نویسنده به جمع‌آوری گزارش‌های متعدد در یک واقعه می‌پردازد و آن را از روایان زیادی نقل می‌کند که برخی از آنها تفاوت کامل با هم دارند. روشن است که جمع‌آوری‌کننده نمی‌تواند مهر تأیید بر همه آنها بزند؛ زیرا نمی‌توان هر دو گزارش مخالف هم را صحیح دانست. طبری در مقدمه تاریخ به این ضعف اعتراف می‌کند و می‌گوید: «آنچه در این کتاب جمع‌آوری شده، همگی صحیح نیست و آنها را

از افراد مختلف شنیدم و جمع‌آوری کردم. شاید در آن چیزهایی باشد که باعث ناراحتی شود؛ اما این سخنان از من نیست و من فقط آنها را جمع‌آوری کرده‌ام.^۱

آیت‌الله سبحانی ضمن تضعیف پنج نفر از روایان طبری، باورمند است این افراد حقایق تاریخی این دوره را وارونه جلوه داده‌اند.^۲ بر این اساس، این منابع تخصصی هستند و داشتن سواد خواندن و نوشتن برای رجوع به آنها کافی نیست؛ زیرا تشخیص گزارش صحیح از جعلی، نیاز به توانایی به‌کارگیری ابزار مختلف علمی دارد. برخی ابزار برای بهره‌گیری صحیح از گزارش‌های تاریخی عبارت‌اند از: شناخت صحیح ادبیات عرب، دانستن علم رجال و شناختن روایان اسناد، تسلط بر منابع مختلف و تطبیق آنان از نظر زمانی، مکانی و جهات دیگر، آشنایی با نویسنده کتاب از حیث مذهب، تفکر و گرایش‌های مختلف و بدون برخورداری از این ابزارها نمی‌توان به سراغ منابع اولیه‌ای چون تاریخ طبری رفت.

اما کسانی که به قصد شبهه‌افکنی به سراغ کتاب‌های منبع می‌روند، کاری با صحت و سقم گزارش ندارند، بلکه آن گزارشی را انتخاب می‌کنند که با هدف شبهه‌افکنی آنان هم‌داستان باشد. گاهی جریانی در یک کتاب به چند صورت روایت شده است که کاملاً با هم متضاد هستند؛ ولی در القای شبهه، فقط روایتی که ادعای شبهه‌کننده را اثبات می‌کند، طرح می‌شود.

ب) نقل مطالب ضعیف توسط مداحان و سخنرانان

گاهی مداحان، مرثیه‌خوانان و سخنرانان به نقل گزارش‌های ضعیف روی می‌آورند که نه‌تنها در منابع متقدم نیست، بلکه در منابع متأخر نیز وجود ندارد. برخی از این مطالب اگرچه از روی تسامح یا مطالعه‌نکردن سرچشمه می‌گیرد، زمینه را برای شبهه‌سازان فراهم می‌کنند؛ از جمله برخی از مداحان هوا را در روز عاشورا بسیار گرم‌تر از آنچه بوده است، به تصویر می‌کشند که زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کند.^۳

محدث نوری نقل می‌کند شخصی نزد مرحوم صاحب مقامع رفت و گفت: دیشب، خواب وحشتناکی دیدم. (ایشان گفت:) چه خوابی دیدی؟ خواب دیدم با این دندان‌های خودم

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱، ص ۸.

۲. جعفر سبحانی، آیین و هابیت، ص ۱۶ - ۱۷.

۳. در سطور آتی در این باره مطالبی خواهد آمد.

گوشت‌های بدن امام حسین علیه السلام را می‌کنم. صاحب مقامع از این سخن لرزید. سرش را پایین انداخت و مدتی فکر کرد. گفت: شاید تو مرثیه‌خوان هستی؟ عرض کرد: بله. فرمود: بعد از این یا اساساً مرثیه‌خوانی را ترک کن یا از کتاب‌های معتبر نقل کن. تو با این دروغ‌های انگار گوشت بدن امام حسین علیه السلام را با دندان‌هایت می‌کنی. این لطف خدا بود که در این رؤیا، این را به تو نشان داد.^۱

اگر روضه دروغ سبب انحراف شود و بستری برای شبهه‌کنندگان ایجاد کند که از آن سوءاستفاده کنند، وضع بدتر و جرم سنگین‌تر خواهد شد؛ به همین دلیل به نقل از شهید مطهری، آخوند خراسانی فرموده بود آنها به دنبال روضه‌های نشنیده می‌روند، بروند روضه‌های راست را پیدا کنند که آنها را احدی نشنیده است.^۲ مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند: «واقعه‌خوانی تا حدّ ممکن، باید متقن باشد؛ مثلاً در حدود لهوف ابن طاووس و ارشاد مفید و امثال اینها - نه چیزهای من‌درآوردی - واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود».^۳

برخی از ذاکران گرامی با این تصور که باید هر سال مطلب جدیدی بخوانند، به دنبال یافتن قصه جدیدی از شهادت شخصیت‌های روز عاشورا هستند؛ برای مثال سال گذشته روضه حضرت علی اکبر علیه السلام را در قالب داستانی خوانده‌اند، تصور می‌کنند امسال باید کار جدیدی ارائه دهند که تکرار مباحث سال گذشته نباشد؛ از این رو به دنبال داستان جدیدی هستند، در حالی که مطلب جدید یعنی همان داستان را ارائه نوینی دهد. مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در این باره چه زیبا فرمودند: «آنچه را که مثلاً شیخ و ابن طاووس و مفید و دیگر بزرگان در کتاب‌هایشان گفته‌اند، اینها را بایستی محور قرار داد. بعد آنها را در یک ارائه هنری، به شکل زیبا و شایسته‌ای بیان کرد».^۴

بنابراین مداحان، سخنرانان و مبلغان گرامی باید از بیان هر ذکر مصیبتی خودداری کنند و

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۷.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2752>.

۴. بیانات در دیدار مداحان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2408>

ابتدا دربارهٔ صحت و سقم آن پرس‌وجو نمایند و مطالب را از منابع معتبر استخراج کنند.

ج) نقدهای علمی افراط‌گونه برخی محققان

در مقابل ضعیف‌خوانی و ضعیف‌گویی برخی از مداحان و ذاکران محترم، محققانی با احساس وظیفه دست به قلم می‌برند و به پالایش روضه‌ها و مرثیه‌ها اقدام می‌کنند که کاری قابل تقدیر است؛ اما نکته اینجاست که برخی از این محققان راه افراط را پیش گرفته‌اند و همان دقتی که فقیهان در استنباط احکام شرعی بر روی احادیث و گزارش‌ها انجام می‌دهند، توسط محققان عرصه تاریخ نیز اعمال می‌شود و حال آنکه در اینجا مقام متفاوت با آنجاست؛ انکار حضرت رقیه علیها السلام و تضعیف روضه خرابه شام از این سنخ است، حال آنکه بین دختران امام، دختری به همین نام در منابع قرن ششم وجود دارد^۱ و روضهٔ خرابه شام را نیز طبری شیعی در قرن هفتم نقل کرده است.^۲ اگر چه در بررسی این نقل می‌توان سابقه این روضه را تا دوران مأمون عباسی پیگیری کرد؛ اما همین نقل ماجرا در قرن هفتم کافی است. اگر به صورت افراط‌گونه برخورد شود، قدم بعدی رد مطالب بیان‌شده در قرن چهارم و پنجم است.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «کتاب معروف لهوف از سیدعلی بن موسی بن جعفر ابن طاووس است. در تعبیرات منبری‌های ما عین عبارات این کتاب - مثل روایت - خوانده می‌شود؛ از بس متقن و مهم است».^۳ در جای دیگر می‌فرماید: «دنبال این نباشید که چیزی که در متن تاریخ اثبات شده است، آن را بخوانید؛ چون هیچ‌چیز نمی‌توانید بخوانید. تازه آنچه که در لهوف ابن طاووس هست، خبر واحد است دیگر. توجه کنید، چیزی را بخوانید که معقول باشد».^۴ از این دو فرمایش می‌توان نتیجه گرفت دقت فقهی در نقل مطالب تاریخی بین عالمان گذشته مرسوم نبود، البته هر نقل ضعیفی نیز بیان نمی‌شد.

نکته دیگری که امروزه اهمیت کار را دوچندان می‌کند، سوءاستفاده معاندان از نقدهای

۱. علی بن زید ابن فندق بیهقی، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، ص ۳۵۰.

۲. عمادالدین حسن بن علی طبری، کامل بهائی، ص ۵۲۳.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۴/۰۳/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2756>

۴. بیانات در دیدار با مداحان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2408>

افراطی است. وقتی شخصیت حضرت رقیه علیها السلام که صدها سال مورد احترام بود و روضه‌اش جزء سوزناک‌ترین روضه‌ها، توسط محققى نقد می‌شود، معاند به این بسنده نمی‌کند و شبهه‌ای القا می‌کند و انکارها و تضعیف‌ها را به دیگر شخصیت‌های مقدس کربلا نیز تعمیم می‌دهد؛ بنابراین این‌گونه مباحث بستری است برای شبهه‌سازی و تضعیف حماسه و قیام، قیام‌پرور کربلا.

گونه‌شناسی و ترفندها

۱. القای تعداد زیادی شبهه در یک متن

بسیار دیده می‌شود که متنی آکنده از شبهه است، گاهی پنجاه شبهه و گاهی بیشتر. در چنین متن‌هایی که هر جمله و سطرش یک شبهه را انتقال می‌دهد، پاسخ‌گو و مُبَلِّغ با این متن چه کند؟ آیا باید به یکایک آنها پاسخ دهد؟ هر شبهه‌ای دست کم یک صفحه پاسخ نیاز دارد و پاسخ به همه شبهه‌های چنین متنی نیاز به یک کتاب یا جزوه درخور دارد. پاسخ‌گو چگونه می‌تواند چنین پاسخی تنظیم کند؟ بر فرض تنظیم چنین پاسخ‌نامه‌ای، مطالعه آن در فضای مجازی از حوصله خواننده بیرون است و بر فرض که خوانندگان اشتیاق به چنین پاسخی از خود نشان دهند، در پیام‌رسان‌ها مجال چنین پاسخ‌هایی نیست. در چنین شرایطی به جای پاسخ به همه متن مورد نظر، باید خواننده را از اهداف شبهه‌کننده آگاه کرد و نیز بیان نمود که اگر شبهه‌کننده قصد رسیدن به واقعیت را داشت، این شبهه‌ها را تک‌تک طرح می‌کرد، نه اینکه برای مثال در یک متن، پنجاه شبهه را طرح کند. پس از تبیین این موضوع، به یکی از شبهه‌ها پاسخ جامع و متقن داده می‌شود و در نهایت اشاره شود بقیه شبهه‌های این متن نیز از این سنخ است.

۲. قداست‌شکنی

این شیوه ناجوانمردانه‌ترین نوع شبهه‌سازی است. شبهه‌کننده در این شیوه ابتداً به دنبال پاسخ نیست، بلکه در پی حرمت‌شکنی و قداست‌زدایی است. بر فرض هم اگر کسی پاسخ‌گویی کند، شبهه‌کننده به نیمی از اهداف خود رسیده است؛ در این‌گونه شبهه‌ها به جزئیات ریز برخی شخصیت‌ها پرداخته می‌شود که عادی‌سازی برخی امور بیان‌نشده را به دنبال دارد؛ برای مثال ریزش در جزئیات شیوه شهادت شهدای کربلا و ایجاد تردید در آن، اثرات ویران‌کننده بر ذهن خواننده می‌گذارد که از آن به بعد هنگام شنیدن همان روضه، به جای رقت قلب، ذهنش به دنبال یافتن پاسخی برای رفع تردیدی است که ذهن او را مشغول کرده است. از کهن‌ترین روزگاران

رسم بود روضه مکشوفه مگر در شرایط خاص خوانده نمی‌شد؛ چراکه می‌گفتند سبب ایجاد قساوت قلب می‌شود. حال بیفزایید بر تأثیر مکشوف شیوه شهادت امام و اصحاب، توهین‌ها، تمسخرها و ایجاد تردیدهای شبهه‌کننده‌ای که درصدد قداست‌زدایی است.

این‌گونه شبهه‌ها معمولاً روضه‌های سوزناک آن هم قسمتی که بیش از همه سبب جاری شدن اشک می‌شود را هدف قرار می‌دهد و اگر گفته شود حساس‌ترین جای عزاداری را بمباران می‌کند، سخن‌گرافی نیست. حجاب‌آسرا، تیرخوردن حضرت علی اصغر علیه السلام با جزئیات و تردید در آن، شیوه شهادت حضرت عباس علیه السلام و مشک‌به‌دندان‌گرفتن از نمونه این‌گونه شبهه‌هاست که این سال‌ها در فضای مجازی بازنشر شده است.

۳. دروغ‌پراکنی و عوام‌فریبی

گاهی شبهه‌کنندگان از آگاهی‌نداشتن عموم مردم از تاریخ سوءاستفاده می‌کنند؛ برای مثال موقعیت جغرافیایی کوفه که بین مکه و کربلاست را نشان می‌دادند و چنین وانمود می‌کردند که اگر امام قصد سفر به کوفه را داشت، چرا از آن گذشت و به کربلا رفت؟

شبهه‌کنندگان به‌خوبی می‌دانند حُرّ اجازه ورود امام به کوفه و بازگشت به مدینه را نداد و درنهایت کار به کربلا ختم شد؛ از این‌رو با این دروغ قصد دارد کل حادثه کربلا را قصه‌ای دروغین بنامد. گاهی نیز اسنادی به دروغ، ذیل شبهه خود درج می‌کنند؛ چراکه عموماً مردم به سراغ راستی‌آزمایی برنمی‌آیند.

این روش شیطنت‌آمیز هر از گاهی در فضای مجازی دیده می‌شود و صدر و ذیلش آکنده از دروغ است.

۴. برخورد غیرعلمی با گزارش‌های متناقض

یکی از شیوه‌های علمی در انتخاب گزارش صحیح از بین گزارش‌های متعارض، ترجیح‌خبر متواتر یا خبری است که ناقل بیشتری دارد، مگر اینکه مؤیدی بر اثبات خبری داشته باشیم که افراد کمتری آن را نقل کرده‌اند؛ برای مثال بحث عطش در حادثه کربلا از جمله اخباری است که طرفین قضیه به‌طور گسترده نقل کرده‌اند. در واقع این مسئله را نه تنها اصحاب امام حسین علیه السلام بارها با شیوه‌های مختلف بیان کرده‌اند، بلکه در نامه‌های ردوبدل‌شده بین ابن‌زیاد با عمر بن سعد و حر نیز به‌خوبی نمایان است. شبهه‌کنندگان با نادیده‌گرفتن همه این گزارش‌ها، به جریان

خبر غسل شب عاشورا که تنها چند نفر گزارش کرده‌اند، استناد می‌کنند و تشنگی را زیر سؤال می‌برند؛ درحالی‌که اگر این دو سنخ از گزارش جمع‌شدنی نیست، باید با تشنگی، غسل را زیر سؤال برد، نه اینکه با غسل، تشنگی را دروغ پنداشت. معاندان از این روش به طور گسترده در شبهه‌سازی استفاده می‌کنند؛ چراکه تشخیص این دو سنخ از گزارش‌ها برای عموم مردم مشکل است.

۵. حاشیه‌سازی یک ماجرای تاریخی

گاهی با مطالب حاشیه‌ای قصد تضعیف کل ماجرا را دارند. بیان شد برخی هوای روز عاشورا را بسیار گرم‌تر از آنچه بود به تصویر می‌کشند. این مسئله مورد سوءاستفاده شبهه‌کنندگان قرار می‌گیرد و گاهی می‌گویند «دهم محرم سال ۶۱ هجری مصادف با حدود بیستم مهر است که در این تاریخ هوا گرم نیست؛ پس چرا گفته می‌شود در هوای گرم عاشورا جنگیدند و تشنه شدند». شبهه‌کننده ضمن گرفتن چند تأیید از مخاطب، او را با خود همراه و القا می‌کند که پس همه ماجرای عاشورا، دروغی بیش نیست؛ درحالی‌که چیزی را رد می‌کند که شیعه ادعا نکرده است؛ درواقع روایت از گرمای سوزان عاشورا صحبت کرده است؟ بله، گفته‌اند هوا گرم بود، اما از گرمای سوزان سخنی به میان نیامده است. افزون بر اینکه باید شرایط اقلیمی عراق در نظر گرفته شود و نیز فعالیت‌های سفر و جست‌وخیزهای جنگ نیز بر گرما می‌افزاید.

اما بر فرض که هوا گرم نبود، آیا اصل شهادت امام حسین علیه السلام زیر سؤال می‌رود؟

روش پاسخ‌گویی

یک: خاستگاه‌شناسی شبهه‌سازان: مَبْلَغ قبل از پاسخ به شبهه باید خاستگاه آن را بشناسد. با آشنایی با گروه‌های شبهه‌ساز می‌تواند در برابر فضای فکری وی پاسخ تهیه کند؛ چراکه شناختن هدف القاکننده شبهه در نوع ورود و خروج به پاسخ سهم بسزایی دارد؛ برای مثال آشنایی با وهابیت و باستان‌گرایان افراطی که بیشترین سهم را در شبهه‌سازی امروزی دارند و نیز شناسایی نوع شبهه‌های آنها، پاسخ‌گو را در تنظیم و تدوین پاسخ کمک می‌کند؛ زیرا هدف گروه‌ها و فضای حاکم بر فکر آنها متفاوت است و هر کدام پاسخ متناسب با خود را می‌طلبد.

دو: ترفندشناسی شبهه‌سازان: مَبْلَغ باید با ترفندهای معاندان آشنایی داشته باشد و بتواند از متن شبهه این ترفندها را استخراج کند که برخی از آنها در مطالب گذشته قید شد؛ ترفندهایی که

همه بر اساس فریب و نیرنگ است. آشنایی با این ترندها سبب می‌شود تا ضمن پاسخ‌گویی منطقی و مستدل، از افتادن در دامی که شبهه‌کننده پهن کرده است، برحذر باشیم و خود بخشی از پیاده‌نظام دشمن در تکثیر شبهه نشویم. برخی از ترندها می‌تواند بخشی از شبهه‌ها را پاسخ دهد. پاسخ‌گویی که با ترندها مواجه باشد، دیگر نمی‌تواند کلیشه‌ای پاسخ دهد؛ چراکه گاهی یک شبهه، یک‌بار با یک ترند و بار دیگر با ترند دیگری بیان می‌شود و باید هر مرتبه متناسب با ترندی که به استخدام شبهه‌ساز درآمده است، پاسخ داده شود.

سه: ارجاع پاسخ‌گویان به مراکز پاسخ‌گویی: از آنجاکه برخی شبهه‌ها - در حوزه تاریخ یا در حوزه‌های دیگر - تخصصی هستند و کارشناس متبحر خود را می‌طلبند، بهتر است مبلغان گرامی ضمن بیان پاسخ‌های خود، پرسش‌گران را برای دریافت پاسخ‌های مفصل و جامع‌تر به مراکز پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهه‌های یا پایگاه‌های مجازی معتبر یا کارشناسان و متخصصان ارجاع دهند که می‌شناسند تا پرسش‌گران با مراکز علمی پاسخ‌گویی و متخصصان آشنایی یابند؛ چراکه شاید خودشان بخواهند در جمع حقیقی یا گروهی مجازی به معاندان یا فریب‌خوردگان پاسخ دهند.

جمع‌بندی

با توجه به مطالبی که بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که مُبلِّغ دینی افزون بر تعلیم آموزه‌های شریعت به مخاطبان، باید پاسخ‌گوی طوفان شدید شبهه‌هایی باشد که از سوی گروه‌های مختلف معاند اسلام و شیعه، جامعه شیعی را درنور دیده است؛ نیز بیان شد امروزه بسیاری از شبهه‌ها در حوزه تاریخ طرح می‌شود.

برای پاسخ‌گویی به شبهه‌ها، ضمن آشنایی با گونه‌های متفاوت شبهه و اطلاع از خاستگاه و رستگاه آنها، باید حواسمان باشد که خودمان بخشی از نشر شبهه قرار نگیریم و این مسئله حاصل نمی‌شود مگر اینکه ترند شبهه را استخراج کنیم. شناختن ترندها ما را در نوع پاسخ‌گویی کمک می‌کند.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌فندق بیهقی، علی بن زید، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، تحقیق: مهدی رجائی، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی، ۱۳۸۵ ش.

۲. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت، چ دهم، قم: مشعر، ۱۳۸۸ ش.
۳. سیدرضی، نهج البلاغة (للصبي صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق: محمدباقر خراسان، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۵. طبری، عمادالدین حسن بن علی، کامل بهائی، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳ ش.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ش.
۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، چ چهارم، تهران: الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۹. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چ ۱۹، تهران: صدرا، ۱۳۷۱ ش.

راهکارهای فرهنگی ترویج حجاب

دکتر اسماعیل آقابابائی بنی*

اشاره

از آنجاکه تحولات فرهنگی جامعه برخوردی گوناگون با مسئله حجاب را در جامعه رقم می‌زند و امروزه به دلیل گسترش رسانه‌های جمعی اعم از ماهواره و اینترنت و فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی، طرح آرای مختلف به آسانی صورت می‌گیرد و بسیار از شبهه‌ها و اشکال‌ها همچنان بی‌پاسخ می‌مانند. افزون بر توجه به سابقه حجاب در ادیان مختلف و ضرورت آن در دین مبین اسلام که به اشکال مختلف بیان و در جامعه ارائه می‌شود و کسانی مثل شهید مرتضی مطهری در کتاب مسئله حجاب به این امر مهم می‌پردازند که تأکید بر حجاب ویژه دین اسلام نیست و اشکال‌های مخالفان حجاب را به تفصیل پاسخ می‌دهند، گذشت زمان عمق بخشیدن به این قبیل مباحث و آگاهی بخشی به افراد و خانواده‌ها را ضروری‌تر می‌کند؛ به‌ویژه از این حیث که عوامل مؤثر بر بدحجابی در حال تغییر است و از عوامل مختلف فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، روانی و شخصیتی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی نباید غافل بود.^۱

* دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. در سال ۱۳۸۴ پژوهشکده فقه و حقوق مسئله حجاب را در دو شاخه «فقهی - حقوقی» و «فرهنگی - اجتماعی» با عنوان «حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی» در دستور کار همایش ملی قرار داد که در نهایت در دهم خرداد سال ۱۳۸۶ مراسم ویژه همایش برگزار شد و حاصل آن در سال ۱۳۸۷ در مجموعه‌ای سه جلدی در حجم حدود ۱۸۰۰ صفحه در قالب مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها به کوشش ابراهیم شفیعی سروسستانی به جامعه علمی عرضه گردید. با گذشت زمان و تبدیل شدن حجاب به مسئله روز از یک‌سو، حجیم و گاه تکراری بودن مباحث مطرح شده در مجموعه یادشده از سوی دیگر و کاربردی بودن بسیاری از راهکارهای ارائه شده، باعث شد آثار علمی همایش یادشده با تحلیل‌ها و دسته‌بندی جدید در قالب کتابی با حجم اندک با عنوان حجاب: عوامل،

این نوشتار مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی ترویج حجاب را بر اساس نظر برخی کارشناسان به‌اختصار بیان می‌کند.

۱. تشویق و ارزش دانستن حجاب

یکی از راهکارهای فرهنگی، فراهم کردن زمینه تشویق به حجاب و ارزش دانستن آن در جامعه است؛ چنان‌که برخی بر همین اساس توصیه می‌کنند: «یکی از مقدمات فراهم آوردن چنین فضایی، فرهنگ‌سازی و ارزش‌آفرینی است؛ بدین معنا که عفاف و حجاب در جامعه ارزش بالایی بیابد و کسانی که عفاف را ارج می‌نهند و حجاب را محترم می‌شمارند، از منزلت اجتماعی و احترام برتر و بیشتری برخوردار باشند و شخصیت و حرمت آنها بیشتر پاس داشته شود. در قرآن کریم، به صورت عام، اهل تقوا نزد خداوند برتر و گرامی‌تر دانسته شده‌اند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ»^۱ که در واقع، نوعی مسابقه عملی برای کسب تقوای بیشتر است. در نقطه مقابل، کسانی که عفاف را ارج نمی‌نهند و در عمل به حجاب وفادار نیستند، احترام و منزلت پایین‌تری دارند و حتی اگر بر عمل خویش اصرار ورزند، با نوعی بی‌اعتنایی و کم‌توجهی در جامعه روبرو می‌شوند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «امرنا رسول الله صلی الله علیه و آله ان تلقی اهل المعاصی بوجه مکفهره»^۲ همچنین در روایات متعددی از سازش‌کاری با گناهکار نهی شده و موجب استحقاق عقوبت دانسته شده است.^۳ به‌یقین، با فراهم آمدن چنین شرایط و فضایی، کسانی که نگاه‌ها، برخوردها و داورهای اجتماعی در نظرشان اهمیت دارد، به حفظ گوهر عفاف و صدف حجاب تشویق می‌شوند؛ زیرا کمترین تأثیر فراهم شدن چنین فضایی، رشد این باور در بسیاری از افراد جامعه است که حفظ گوهر عفاف و صدف حجاب، سودمندتر، کم‌هزینه‌تر و در مجموع به‌صرفه‌تر است. به‌طور طبیعی، این وضعیت انسان‌هایی را که معمولاً

مسئولیت‌ها و راهکارها به قلم نویسنده به نگارش درآید و آنچه در ادامه می‌آید، بخش کوتاهی از نوشته حاضر است.

۱. حجرات: ۱۳.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۶، ب ۶.

۳. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۳۸۶، ج ۱۴، ص ۵۴؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۸۰.

در روش و منش و گزینش خویش بر اساس اصل هزینه و فایده عمل می‌کنند، به سوی این هدف خواهد کشید»^۱.

روشن است این نگرش زمانی می‌تواند نهادینه گردد که هم ادارات دولتی توجه کافی به حجاب داشته باشند، هم در سطح مدارس و دانشگاه‌ها حجاب را ارزش بدانند و هم در برنامه‌های تلویزیونی و مانند آن افراد باحجاب در سطح پایین‌تر از افراد بی‌تفاوت به حجاب دانسته نشوند.

۲. آگاهی بخشی

جنبه دیگر راهکارهای فرهنگی را می‌توان آگاهی بخشی و بیان چرایی حجاب برای افراد مختلف با گرایش‌های متفاوت دانست.^۲ چنان‌که برخی بر همین اساس نوشته‌اند:

نهادهای فرهنگی جامعه وظیفه دارند با آگاهی بخشی در زمینه احکام اسلامی، آن را برای همه گروه‌های فکری و سنی جامعه به روشنی تبیین کنند و با استدلال عقلانی و فراخوانی حکیمانه و پسندیده، فکر و دل آنان را به اجرای احکام اسلام متمایل سازند. به‌ویژه در این زمینه باید با استفاده از روش‌های هنری و تبلیغی و با زبان داستان، فیلم، نمایش‌نامه و سرود مانند آن، از یکسو آثار مثبت عمل کردن به دستورهای اسلامی را به زیبایی و هنرمندی به تصویر کشید و از سوی دیگر، باید آثار منفی عمل نکردن به دستورهای اسلامی را بیان کرد.^۳

نیز برخی بر این باورند که برخی آثار بدحجابی ناپیدا است؛ مانند کم‌شدن مودت و محبت در خانواده و رواج رابطه مکانیکی به جای رابطه عاطفی و بروز افسردگی در زن و مرد و انتقال آن به فرزندان و ... که بر همین اساس پیشنهاد داده‌اند «مراکز علمی شکل بگیرد و کارش این باشد که تصویر درستی از موضوع حجاب و پیامدهای آن را در ایران نشان دهد».^۴ نیز توجه به بخش آموزش در سطح خانواده و مدارس نیز از جمله موارد دیگری است که مدنظر برخی کارشناسان

۱. سعید ضیائی فر، «مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی»، ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

۲. برای اطلاع بیشتر نک: سیدحسین اسحاقی، «هست‌ها و بایدهای فرهنگ حجاب و عفاف»، ج ۲، ص ۲۹۵ - ۲۹۶.

۳. سعید ضیائی فر، «مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی»، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

۴. حسن بنیانیان، «سیاست‌های کلان فرهنگی و مسئله حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۱۷۰.

قرار گرفته است.^۱

در این بین یکی از مشکلات، توجه یک‌طرفه به مسئله حجاب است؛ به این معنا که مخالفان باحجاب از متون دینی و فقهی مواردی را برمی‌گزینند که موافق دیدگاه آنان است، بی‌آنکه به پاسخ‌های مخالفان توجه کنند. همین نگرش در بازفرستادن پیام‌ها در شبکه‌های اجتماعی هم نمود دارد و نشان‌دادن مسئله فردی بودن حجاب بسیار پررنگ‌تر می‌گردد؛ حال آنکه توجه به دلایل دو طرف و انتخاب رأی برتر بر اساس استدلال و منطق و نه فقط تکیه بر جنبه تعبدی آن و حتی روی آوردن به استدلال‌های برون‌دینی در آگاه‌بخشی می‌تواند نقش بسزایی را ایفا کند؛ نگارنده در کتاب حجاب؛ عوامل، مسئولیت‌ها و راهکارها، این شیوه را در پیش گرفته است.

۳. شناسایی زمینه‌ها

راهکار دیگر، شناسایی زمینه‌های رواج بدحجابی در جامعه است. اکنون نیروی انتظامی شاخص‌ترین مسئولیت را در برخورد با اعمال مجرمانه بر عهده دارد و تا زمانی که نداشتن حجاب شرعی عنوان مجرمانه داشته باشد، این مسئولیت به عنوان ضابط قضایی متوجه این نهاد است؛ با این وجود مسئولان این نهاد، زمینه‌های آسیب را در جامعه می‌شناسند و بر تقدم کارهای فرهنگی بر برخورد قهری اذعان دارند. در یکی از اظهارنظرها آمده است:

ناهنجاری در پوشش و بدحجابی به دلیل شکستن حریم امنیت اخلاقی، مستلزم برخورد قهری و به لحاظ وصف مجرمانه آن قابل پیگرد قضایی است؛ ولی ماهیت فرهنگی آن، مستلزم بسترسازی و گسترش آموزش‌های دینی و تقویت باورها و ارزش‌ها و توجه به اصل پیشگیری است. جامعه باید مصون‌سازی شود و مسئولیت‌پذیر باشد. قوای قهری باید به وظایف و تکلیف خود عمل و سازمان‌های مسئول را به اجرای مأموریت‌های فرهنگی یا اصلاح رفتار تشویق کنند. با این حال اراده جمعی دستگاه‌های دولتی، فرهنگی و نهادهای مدنی برای اصلاح رفتار و مقابله با لابی‌گری فرهنگی و انحرافات اخلاقی اهمیت دارد تا به جنبش‌ها و حرکت رو به سوی تعالی توجه شود. همه این فرآیندها در چهار محور آموزشی، اجرا، اقتصاد و کنترل قابل

۱. فاطمه آلیا، «مجلس شورای اسلامی و طرح سامان‌دهی مد و لباس (گفتگو)»، ج ۳، ص ۸۹؛ ر.ک به: معصومه ابتکار، «دولت اصلاحات و مسئله حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۹۸.

طرح است.^۱

عوامل و زمینه‌ها را می‌توان در دسته‌های فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، روانی و شخصیتی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی جای داد و به فراخور هر یک، راهکار مناسبی برای از بین بردن آن زمینه و عامل در نظر گرفت.

۴. معرفی الگو

معرفی الگو، یکی دیگر از توصیه‌های فرهنگی برای حجاب است. اهمیت معرفی الگو از آنجاست که به اعتقاد برخی:

وقتی نهادهای فرهنگی جامعه در معرفی الگو از خود سستی نشان دهند، دشمن به راحتی الگوهای خود را به جوانان و نوجوانان معرفی می‌کند. الگوهای مناسب نیز اگر معرفی شوند، به علت ناآشنایی و ناپختگی جوانان و بر اثر وسوسه‌های فکری و جلوه‌گری الگوهای کاذب، اعتبار خویش را به آسانی از دست می‌دهند. این خطر فرهنگی، دختران را که احساسات آنها در اوج است، بیش از پسران تهدید می‌کند.^۲

با پذیرش معرفی الگو در جایگاه یک راهکار فرهنگی برای نهادینه‌سازی حجاب در جامعه، چند جنبه برای آن می‌توان در نظر گرفت:

الف) معرفی افراد در جایگاه الگو: برخی درباره ارتباط الگو با فرهنگ‌سازی معتقدند: «باید با روش مناسب، با تقویت و اصلاح باورهای مردم به نحوی که احساس و عاطفه آنها هم آن را پذیرا باشد، رفتارهای ناشی از این باور را به وجود آورید؛ برای مثال در موضوع رفتار حجاب، بتوانیم زنانی را تربیت کنیم که وقتی در مورد حجاب نظر می‌دهند، این افراد با همه احساس و عاطفه‌شان، پوشش را پذیرفته باشند و هم وقتی درباره آن توضیح می‌خواهیم، باورهای خود را توضیح دهند».^۳ همچنین در کلام کارشناسی دیگری آمده است:

پیشنهاد دیگر این است که در معرفی اسوه‌ها و الگوهای موفق در جامعه از زنان و دختران در عرصه‌های مختلف اجتماعی، علمی، آموزشی باید به عنصر عفاف و حجاب به عنوان یک

۱. امجد زین‌الدین، نیروی انتظامی و مقابله با پدیده بدحجابی، ج ۳، ص ۲۰۵.

۲. سیدحسین اسحاقی، «هست‌ها و باید‌های فرهنگ حجاب و عفاف»، ج ۲، ص ۲۹۲.

۳. حسن بنیانیان، «سیاست‌های کلان فرهنگی و مسئله حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۱۵۱.

ارزش مهم توجه شود و در تبلیغات، آثار هنری و ادبی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و محصولات فرهنگی، شأن و منزلت انسانی زنان باحجاب مورد توجه قرار گیرد و جوانان را نسبت به سیره عملی معصومین علیهم‌السلام و بزرگان علمی و ادبی و سالکان دین، منطبق با مقتضیات زمان و شرایط آنان آشنا سازند.^۱

نکته قابل توجه دیگر اینکه سپردن کار به افرادی که خود معتقد به حجاب و ملتزم به رعایت آن هستند، راهکار فرهنگی مهمی است که بی‌توجهی به آن پیامدهای منفی بسیار دارد. برخی باورمندند:

مدیر یک اداره وقتی به فرهنگ حجاب توجه نداشته باشد، بی‌گمان افرادی را استخدام می‌کند که برای فرهنگ حجاب و عفاف ارزش قائل نیستند. فضای محیط کار این‌گونه تغییر می‌کند. نقش کارمندان دولت در نهادینه‌شدن فرهنگ، ویژه و اثرگذار است. حجاب کارمندان در انتخاب پوشش دیگر افراد جامعه می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. اول انقلاب این‌گونه نبود. همه مدیران به فرهنگ اسلامی نظر داشتند و مرزها را نادیده نمی‌گرفتند و ملاک‌هایی برای گزینش افراد داشتند.^۲

چنان‌که در تشویق افراد و گاه اعطای جایزه، نشان دادن افراد بدحجاب از تلویزیون می‌تواند نتیجه ضدفرهنگی در جامعه ایفا کند.^۳

ب) ارائه لباس مناسب و فراهم‌سازی زمینه دسترسی آسان به آن: با وجود آنکه معرفی مد و الگوی مناسب با فرهنگ ایرانی بارها مدنظر مسئولان قرار گرفته است و نمایشگاه‌های مد و لباس برای معرفی و ارائه پوشاک مناسب ارائه گردیده است، تا کنون راهکار موثقی نبوده‌اند و رفع موانع موجود می‌تواند راهکار مناسب فرهنگی به شمار آید.

۵. پرهیز از نگاه اقتصادی به فرهنگ

نگاه اقتصادی و سودآورانه به مسئله فرهنگ یکی از مشکلات اساسی در ناکارآمدی فرهنگ‌سازی است. برخی با طرح این آسیب و پرهیزدادن از آن برای یک راهکار آورده‌اند:

۱. بتول محتشمی، «طرح‌های سامان‌دهی حجاب و عفاف (گفتگو)»، ج ۳، ص ۲۶۶.

۲. فاطمه آلیا، «مجلس شورای اسلامی و طرح سامان‌دهی مد و لباس (گفتگو)»، ج ۳، ص ۷۸.

۳. نک: همان، ص ۷۹.

یک نگاه اقتصادی به فرهنگ بوده است، نگاه درآمدزا و سودزا به فرهنگ بوده است. حتی در برنامه چهارم مصوب ذیل توسعه فرهنگی، بحث اقتصاد فرهنگ آمده است؛ یعنی فرهنگ را تا آنجایی پیش ببریم که درآمدزا باشد. به نظر من این نگاه برای یک انقلاب فرهنگی معنا ندارد؛ چطور ما برای معیشت مردم یارانه می‌دهیم، ولی برای فرهنگ مردم یارانه ندهیم؟ اگر برای مردم حقوق فرهنگی و برای دولت وظیفه فرهنگی قائل هستیم، حتماً باید یارانه‌هایی هم پرداخت شود. در طرح مد و لباس ما می‌گوییم دولت حمایت کند؛ یعنی یارانه بدهد.^۱

نیز برخی هشدار می‌دهند: «خانم‌ها و آقایان حاضر در غرفه‌ها که تقلیدی از فرهنگ بیگانه است، آسیب‌زاست. به کسانی که این فضا و غرفه‌ها را برای سود مادی و پیشرفت‌های اقتصادی تدارک می‌بینند، باید هشدار داد که آخرت و دین و فرهنگ خود را نفروشند».^۲ به عبارت دیگر، در فرهنگ سازی باید به هزینه‌بر بودن آن، نتیجه طولانی مدت داشتن و نادیده گرفتن فرهنگ برای سود مادی توجه و از فداکردن فرهنگ برای اقتصاد پرهیز کرد.

۶. تبیین عقلانی و برون‌دینی حجاب

در اقناع مردم به رعایت حجاب، استفاده از کلام بزرگان و آیات و روایات در جایگاه باوری دینی، اگر در بخش متدین جامعه مؤثر باشد، در بخش دیگری که تقید کمتری به مسائل دینی دارند، چندان کارساز نخواهد بود؛ از این‌رو برخی نگاه برون‌دینی را مقدم بر نگاه درون‌دینی می‌دانند و معتقدند:

نگاه عمومی و برون‌دینی به این مبحث هم به اندازه کافی می‌تواند راهگشای موضوع باشد؛ چون می‌تواند مقدمات منطقی بحث را در دسترس قرار دهد؛ چون موضوع از جنس موضوعات اجتماعی است. در مباحث اجتماعی به‌رحال تأثیر و تأثرها و کارکردها فوق‌العاده قابل توجه است.^۳

همچنین تبیین دیدگاه‌های کارشناسی و تحلیلی و مبانی آن به زبان اقشار مختلف اجتماعی و متناسب با مصرف‌کنندگان و محیط‌های مختلف و سنین مختلف را راهکار نگاه برون‌دینی

۱. عماد افروغ، «نگرش جامعه‌شناختی به پدیده بدحجابی (گفتگو)»، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲. فاطمه آلیا، «مجلس شورای اسلامی و طرح سامان‌دهی مد و لباس (گفتگو)»، ج ۳، ص ۸۸.

۳. مصطفی پورمحمدی، «حجاب و عفاف از منظر امنیت اجتماعی (سخنرانی)»، ج ۳، ص ۵۶.

بر می‌شمرند و می‌گویند:

[ما] خیلی وقت‌ها مرعوب فضاهای غالب و حاکم هستیم و از روش‌های صحیح و جذاب کمتر استفاده می‌کنیم و تلاش برای روشن‌گری و ابهام‌زدایی کمتر صورت می‌گیرد. باید برای این مقوله فکر اساسی و جدی بکنیم و فکر می‌کنم یکی از وظایف اصلی ساختارهای تبلیغاتی و مؤسساتی چون دفتر تبلیغات همین مطلب است که مقام معظم رهبری در دیدارهای مختلفی بر آن تأکید داشته‌اند.^۱

۷. توجه‌دادن به آموزه‌های شرع

به‌جز معرفی حجاب در جایگاه تکلیفی دینی که به‌هرحال در بخشی از افراد جامعه می‌تواند نقش فرهنگی قابل توجهی ایفا کند، آموزه‌های دیگری از شرع که بی‌ارتباط با موضوع حجاب نیست، مدنظر برخی قرار گرفته است و معتقدند: «در کشور ما، شرع با عرف مخلوط شده است. عرفیات غیر منطقی و غیر عقلانی موجب شده است که دسترسی به همسر و ارضای نیازی طبیعی، خیلی سخت شود».^۲ مقاومت فرهنگی در برابر ترویج ازدواج موقت و نادرست بودن خواستگاری از جانب دختر یا خویشان وی مثل پدر در جامعه نهادینه نشده است؛ «درحالی‌که در گذشته تاریخ اسلام این حرف‌ها نبوده است. ... حالا سن متوسط ازدواج ۲۸ سال است. بلوغ هم ۱۳ - ۱۴ سال است».^۳ بی‌توجهی به معادباوری، غلبه فرهنگ اصالت سود، کم‌رنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر، نبود صمیمیت در خانواده‌ها، کم‌توجهی به قرآن و ... زمینه بدحجابی را در جامعه رقم می‌زند؛^۴ درحالی‌که احیای آموزه‌های دینی خود می‌تواند راهکار فرهنگی مهمی در ترویج حجاب باشد. نکته دیگر در کم‌رنگ شدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه آن است که مردم با شکل‌گیری حکومت دینی، تصور کرده‌اند تکلیف از آنها ساقط شده است و چندان رغبتی برای احیای فرهنگ اسلامی و ایرانی ندارند.

۱. همان، ص ۵۷.

۲. حسن بنیانیان، «سیاست‌های کلان فرهنگی و مسئله حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۱۷۶.

۳. همان؛ نیز نک: مصطفی پورمحمدی، «حجاب و عفاف از منظر امنیت اجتماعی (سخنرانی)»، ج ۳، ص ۶۴ به بعد.

۴. فاطمه آلیا، «مجلس شورای اسلامی و طرح سامان‌دهی مد و لباس (گفتگو)»، ج ۳، ص ۷۳.

همچنین در توجه به شرع، می‌توان از تلقی نکردن حجاب در جایگاه مسئله فردی و پرهیز از افراط و تفریط نام برد؛ چنان‌که برخی با اشاره به همین مطلب اظهار داشته‌اند: «اینکه حجاب را مسئله‌ای فردی بدانیم، ناهنجاری‌های بسیاری در جامعه به وجود می‌آورد و خیانت بزرگی به جامعه مسلمانان است»^۱.

۸. دیگر راهکارها

مواردی که اشاره شد برخی از راهکارهای فرهنگی است و افزون بر آن از راهکارهای دیگر نیز می‌توان بهره گرفت که برخی کوشیده‌اند همه راهکارهای فرهنگی را به شرح زیر شمارش کنند: «۱. اصلاح نظام آموزشی و تربیتی از عوامل مهم تغییر در نظام ارزشی نسل آینده است؛ لذا باید در آشناکردن نسل جوان با حدود شرعی و از جمله فلسفه حجاب و اقتناع فکری آنان در مسائل دینی طی آموزش‌های مختلف رسمی و غیررسمی همت ویژه‌ای مصروف داشت. ۲. برخورد اصولی با تکنولوژی‌های جدید رسانه‌ای وارد شده در عرصه خانواده و مدیریت صحیح آن.

۳. افزایش نظارت خانواده بر نسل جوان توسط آموزش گسترده والدین و ایجاد مهارت در آنان در نحوه صحیح برخورد با معضلات فکری نسل حاضر.

۴. اصلاح سیاست‌های صداوسیما در مقوله زن و پوشش از طریق بازتعریف مفهوم هنر و تدوین فلسفه هنر اسلامی، به دلیل تأثیرگذاری عمیق در باورها، تمایلات و رفتار عمومی.

۵. بازگرداندن مقررات خاص در محیط‌های آموزشی و علمی و استانداردهای پوشش و رفتار در این محیط‌ها و پرهیز از برخورد تسامح‌گرایانه و یا افراطی.

۶. آرمان‌پردازی و الگوسازی برای نسل جوان با توجه به گنجینه شهدای ارزش‌مند انقلاب و جنگ تحمیلی.

۷. نظارت و شدت عمل بر عملکرد جریان‌های سیاسی و امنیتی درگیر در مفاصل اخلاقی و عفت عمومی.

۸. حمایت از ناهیان منکر به صورت تقویت مهارت‌ها و اتخاذ شیوه‌های مطلوب از سوی آنان و پشتیبانی از عملکرد قانونی آنها.

۱. همان، ص ۸۰.

۹. تغییر ساختاری در نهادهای فرهنگی کشور از جمله وزارت ارشاد و صداوسیما.
۱۰. رعایت اصل تقلیل اختلاط در محیط و تخصیص امکانات ویژه به زنان و توسعه امکانات آموزشی - ورزشی، تفریحی - بهداشتی و فضاهای اجتماعی ویژه برای بانوان و ایجاد فضای مناسب اداری بدون اختلاط با مردان.
۱۱. تأکید بر اجرای طرح عفاف و حجاب به صورت کلان و همه‌جانبه و پرهیز از رویکرد تجزیه‌گرایانه یا اجرای بخشی از اجزای یک طرح.
۱۲. کنترل اماکن تحت نظارت دولت و دستگاه‌های دولتی در ارتباط با نوع پوشش کارمندان و مراجعین»^۱

همچنین چنان‌که اشاره شد، یکی از عوامل فرهنگی بدحجابی، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حق انتخاب جوانان است؛ از این‌رو راهکاری که برای نهادینه‌شدن حق انتخاب مطرح می‌شود این است: «هرگز از جنبه‌های بازدارنده، تنبیهی و محدودکننده استفاده نشود، بلکه رویکردی تشویقی باشد که حجاب را تعریف کند و تنوع آن را ممکن سازد. ایجاد محدودیت و برخورد‌های آمرانه در اداره‌ها و دیگر مکان‌ها هرگز جواب نمی‌دهد»^۲ به گونه‌ای که برخی شرط الگوگیری را تشویق و نه تحمیل دانسته‌اند^۳ و برخی دیگر گفته‌اند: توسل به روش‌های تنبیهی «غلط‌ترین روش در دنیا است؛ زیرا ارزش‌ها را هرگز نمی‌توان با تنبیه و دستور جا انداخت. شما نمی‌توانید اخلاق را به صورت دستوری جا بیندازید. اخلاق باید اول درک شود و فلسفه‌اش جا بیفتد و بعد با تمام وجود درونی شود»^۴.

جمع‌بندی

میان عوامل و زمینه‌های مختلف شکل‌گیری بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه می‌توان به عوامل فرهنگی، خانوادگی، سیاسی، روانی و شخصیتی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی اشاره کرد؛

۱. زهره طیب‌زاده، «آسیب‌ها و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۴۹ - ۵۰.

۲. معصومه ابتکار، «دولت اصلاحات و مسئله حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۱۱۶.

۳. نک: کبری مجیدی بیدگلی، «بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی گسترش فرهنگ حجاب و عفاف»، ج ۲، ص ۶۱۴

به بعد.

۴. شکوه نوابی‌نژاد، «ملاحظات روان‌شناختی در موضوع حجاب (گفتگو)»، ج ۳، ص ۲۹۰.

البته عوامل فرهنگی اهمیت بسزایی دارد و وظایف نهادهای فرهنگی را سنگین تر می‌کند. آگاهی‌ندادن به پیامدهای بدحجابی و بی‌حجابی در جامعه به بی‌تفاوتی افراد در برابر حجاب می‌انجامد و به دنبال آن، ارزش‌ندانستن حجاب در جامعه، زمینه بدحجابی را رقم می‌زند؛ حال آنکه تشویق به حجاب در جامعه و ارزش‌دانستن آن می‌تواند راهکار مهمی برای ترویج حجاب دانسته شود.

در مسئله آگاهی‌بخشی، نگاه یک‌طرفه و بی‌توجهی به استدلال‌ها و شبهات طرف مقابل موجب می‌شود هر کسی به فراخور باور خود به مخالفت با بدحجابی یا ترویج آن روی آورد که شایسته است نهادهای مختلف در آگاهی‌بخشی استدلال‌های مخالفان و موافقان را مدنظر قرار دهند و با روی آوردن به استدلال‌های برون‌دینی، زمینه اقناع عمومی را برای همه از جمله کسانی که چندان به آموزه‌های دینی پایبند نیستند، فراهم آورند.

در باره آموزه‌های شرع گرچه شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب گام مهمی در این زمینه برداشتند و آثار دیگری هم توسط دیگر اندیشمندان در این باره فراهم آمد، پاسخ‌گویی به شبهاتی که در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد، نیاز جدی است و نمی‌توان کارهای انجام‌شده را در این مسئله کافی دانست.

کتاب‌نامه

۱. ابتکار، معصومه، «دولت اصلاحات و مسئله حجاب (گفت‌گو)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۲. اسحاقی، سیدحسین، «هست‌ها و باید‌های فرهنگ حجاب و عفاف»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳. افروغ، عماد، «نگرش جامعه‌شناختی به پدیده بدحجابی (گفت‌گو)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۴. آقابابائی بنی، اسماعیل، حجاب؛ عوامل، مسئولیت‌ها و راهکارها (بازنویسی کتاب حجاب؛ مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی)، در دست نشر.
۵. آلیا، فاطمه، «مجلس شورای اسلامی و طرح سامان‌دهی مد و لباس (گفت‌گو)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۶. بنیانیان، حسن، «سیاست‌های کلان فرهنگی و مسئله حجاب (گفت‌گو)»، در: حجاب،

۷. پورمحمدی، مصطفی، «حجاب و عفاف از منظر امنیت اجتماعی (سخنرانی)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۸. جعفریان، رسول، رسائل حجاییه، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، «نظام اسلامی و مسئله پوشش زنان»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. ضیائی‌فر، سعید، «مبانی اختیارات نظام اسلامی در زمینه جلوگیری از بدحجابی»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. طیب‌زاده، زهره، «آسیب‌ها و موانع گسترش فرهنگ عفاف و حجاب (گفتگو)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ۱۰ جلد، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. مجیدی‌بیدگلی، کبری، «بایسته‌های فرهنگی و اجتماعی گسترش فرهنگ حجاب و عفاف»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۶. محتشمی، بتول، «طرح‌های سامان‌دهی حجاب و عفاف (گفتگو)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران: صدرا، ۱۳۷۹ ش.
۱۸. نوایی‌نژاد، شکوه، «ملاحظات روان‌شناختی در موضوع حجاب (گفتگو)»، در: حجاب، مسئولیت‌ها و اختیارات دولت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.

وعده صادق و استیصال رژیم صهیونیستی

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غریبان روزبهانی*

اشاره

خداوند در قرآن در مورد انتقام از مجرمان می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ»^۱ چه کسی ستمکارتر است از آن که آیات پروردگارش به او یادآوری شده و او از آن اعراض کرده است؟! به یقین ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت». در جای دیگر درباره پیروزی حقیقی می فرماید: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»^۲ ولی اینها را خداوند فقط بشارت و برای اطمینان خاطر شما قرار داده است؛ وگرنه پیروزی تنها از جانب خداوند توانای حکیم است».

حمله رژیم جعلی صهیونیست به کنسولگری ایران در سوریه و شهادت جمعی از پاسداران عزیز از یک دیدگاه سرنوشت مبارکی برای کسانی بود که سالها مجاهدت خالصانه در راه خدا کردند و آرزوی دیرینه آنها هم شهادت در این مسیر بود؛ خداوند نیز به بهترین شکل ممکن مزد و پاداش آنها را داد. اما از دیدگاهی دیگر پیام این حمله، دعوت ایران به جنگ مستقیم با اسرائیل بود؛ چراکه در ادبیات بین المللی، کنسولگریها (که زیرمجموعه سفارتخانهها محسوب می شوند) جزئی از خاک یک کشور هستند و گویا رژیم جعلی اسرائیل به یکی از شهرهای ایران تجاوز کرده است؛ از این رو از لحظه این حمله، جهان در انتظار واکنش ایران و تهران محل مراودات دیپلماتیک برای جلوگیری از شروع یک جنگ تمام عیار در منطقه بود.

* دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتر مدرسی معارف انقلاب اسلامی.

۱. سجده: ۲۲.

۲. آل عمران: ۱۲۶.

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام پس از این فاجعه حماقت‌گونه رژیم جعلی صهیونیستی، در موارد متعددی وعده برخورد قاطع با این اقدام را مطرح فرمودند:

رژیم خبیث که سرتاسر خطا و شرارت است، یک خطای دیگر به خطاهای خود افزود و آن حمله به کنسولگری ایران در سوریه بود. کنسولگری و دستگاه‌های سفارت به منزله خاک آن کشور است. وقتی به کنسولگری ما حمله می‌کنند، مثل این است که به خاک ما حمله کرده‌اند. این عرف دنیاست، رژیم خبیث در این قضیه اشتباه کرد و تنبیه خواهد شد.^۱

به فاصله دو هفته بعد از این اقدام و صادر نشدن هیچ بیانیه و قطعنامه‌ای از سوی مجامع بین‌المللی در محکومیت آن، این وعده رهبر حکیم انقلاب به صدق نشست و عملیات «وعده صادق» محقق شد که در این نوشتار به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

فلسطین، مسئله اول دنیا

زمانی فلسطین، مسئله اول جهان عرب بود؛ اما بعد از مدتی تبدیل به مسئله اول جهان اسلام شد و امروزه مسئله اول جهان است. رهبر انقلاب علیه‌السلام در این باره فرمودند:

مسئله غزه، امروز مسئله اول دنیاست. در سطح بین‌المللی هر کار هم که می‌کنند صهیونیست‌ها و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی‌شان که مسئله غزه را از دستور کار افکار عمومی دنیا خارج کنند، نمی‌توانند. خوب نگاه کنید به این دانشگاه‌های آمریکا؛ هر روز - امروز باز در خبرها می‌خواندم چند دانشگاه دیگر اضافه شدند - در استرالیا، در اروپا، کشورهای مختلف اروپایی، یعنی ملت‌ها نسبت به مسئله غزه حساسند. مسئله اول دنیاست این مسئله. نباید بگذاریم این مسئله از نگاه عمومی بین‌المللی مردم دنیا خارج بشود، از این «مسئله اول» بودن خارج بشود، باید فشار روی رژیم صهیونیستی روزبه‌روز افزایش پیدا کند.^۲

این امر از دو عامل سرچشمه می‌گیرد: مظلومیت مردم غزه و پیروزی در نبرد رسانه‌ای.

مظلومیت مردم غزه

پس از عملیات طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی با هدف انتقام در چند ماه انواع جنایت‌ها

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۴۰۳/۰۱/۲۲.

<https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=56053>

۲. بیانات در دیدار با معلمان، ۱۴۰۳/۰۲/۱۲.

<https://www.leader.ir/fa/media/play/33779?year=1403&type=2>

علیه مردم مظلوم غزه مرتکب شده است. این جنایت‌ها به حدی شنیع و عریان است که زبان از بیان آنها عاجز است. صبوری و پایداری بی‌مانند مردم فلسطین فطرت انسانی مردم جهان را بیدار کرده است و فلسطین را به مسئله اول جهان تبدیل کرده است. رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام می‌فرماید:

صبر تاریخی مردم غزه در مقابل جنایت‌ها و وحشیگری‌های رژیم صهیونیستی که با حمایت کامل غرب انجام می‌شود، یک پدیده عظیم است که حقیقتاً به اسلام عزت بخشیده و موضوع فلسطین را علی‌رغم خواست دشمن، به مسئله اول جهان تبدیل کرده است. تظاهرات گسترده مردم جهان در حمایت از مردم مظلوم غزه برخاسته از این فطرت بیدار شده است. به فرموده مقام معظم رهبری علیه‌السلام این وقایع باید در تاریخ ماندگار شود: این حوادثی که در غزه پیش می‌آید و این حادثه عجیب، عظیم، این آشکارشدن چهره خون‌آشام یک مجموعه برخاسته از تمدن غربی، اینها چیزهایی است که توجه به آن، مخصوص امروز و این روزها نیست، این در تاریخ خواهد ماند. آنچه که امروز دارد اتفاق می‌افتد در غزه و فلسطین، این حملات وحشیانه و سگ‌ها صهیونیست و عناصر خون‌آشام صهیونیست، از یک طرف، آن مظلومیت و در عین حال مقاومت مردم مسلمان غزه، از یک طرف، هرکدام یک نشانه عظیم و شاخصی است که در تاریخ می‌ماند. اینها شاخص‌های مهمی است که راه را به آینده بشریت نشان خواهد داد.^۱

پیروزی در نبرد رسانه‌ای

جبهه مقاومت پس از طوفان الاقصی، انحصار و امپراطوری رسانه‌ای جبهه استکبار را شکست. این پیش‌دستی نیز نقش مهمی در تبدیل فلسطین به مسئله اول جهان دارد. رهبر انقلاب در دیدار با شعرا، رسانه را عامل موفقیت می‌داند و فرمود: «امروز در دنیا چالش‌ها و درگیری‌ها، چالش‌های رسانه‌ای است. بیش از آنچه موشک و پهپاد و هواپیما و ابزارهای جنگی و مانند اینها تأثیر بگذارند در عقب‌راندن دشمن، رسانه‌ها هستند که تأثیر می‌گذارند و دل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ذهن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. جنگ، جنگ رسانه‌ای است؛ هر کس رسانه

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران حج، ۱۷/۰۲/۱۴۰۳.

قوی‌تر داشته باشد، در اهدافی که دارد - هر هدفی - موفق‌تر خواهد بود». همچنین ایشان در دیدار با اسماعیل هنیه تأکید نمودند: «اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای مقاومت فلسطین تاکنون بسیار خوب و جلوتر از دشمن صهیونیستی بوده است و باید در این زمینه بیش از پیش اقدام شود»^۱.

تحلیلی بر عملیات «وعده صادق»

در تحلیل عملیات «وعده صادق» باید به مراحل، ویژگی‌ها، دستاوردها و پشتوانه‌های آن اشاره کرد.

الف) مراحل «وعده صادق»:

جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این اقدام رژیم صهیونیستی، به صورت منطقی مراحل ذیل را انجام داد:

۱. فرصت برای محکومیت حمله اسرائیل: با وجود فاصله دو هفته‌ای در انجام عملیات وعده صادق، جمهوری اسلامی ایران، با سکوت و اهمال سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد برای محکومیت تجاوز و جنایت‌گری رژیم صهیونیستی در حمله به بخش کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دمشق به عنوان بخشی از خاک کشورمان و به‌شهادت‌رساندن هفت تن از مستشاران قانونی کشور و مجازات‌نشدن رژیم جنایتکار ذیل بند هفتم منشور سازمان ملل مواجه شد.

۲. اثبات مشروعیت پاسخ: جمهوری اسلامی ایران ابتدا با کمک دیپلماسی در دفاع از خاک خود، مشروعیت حمله به اسرائیل را در اذهان تثبیت کرد. حمله پهپادی و موشکی سپاه به سمت رژیم صهیونیستی بر اساس بند ۵۱ منشور سازمان ملل درباره «دفاع مشروع» در پاسخ به تجاوزهای رژیم صهیونیستی به اماکن دیپلماتیک کشورمان در سوریه اتفاق افتاد.

۳. هماهنگی با محور مقاومت: پاسخ ایران همه‌جانبه و هماهنگ شده با جبهه مقاومت بود.

۱. بیانات در دیدار با اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، ۱۴۰۳/۰۱/۰۷.

۴. اتمام حجت با حامیان رژیم صهیونیستی: جمهوری اسلامی ایران با تمام کشورهای منطقه اتمام حجت کرد و با تهدید آمریکا، احتمال فشار آنها را کم کرد.

۵. عملیات ترکیبی علیه رژیم صهیونیستی: در پاسخ جمهوری اسلامی ایران ابتدا یک کشتی باربری پرتغالی متعلق به تاجر صهیونیستی به نام «ایال عوفر» در تنگه هرمز به دست نیروی دریایی سپاه توقیف شد که این عملیات آغاز تئیه رژیم صهیونیستی با اهداف قطع شریان‌های حیاتی و اقتصادی رژیم بود، سپس در ساعت پایانی شب و بامداد روز بعد، حملات گسترده پهپادی و موشکی با تلاش نیروی هوافضای سپاه به سرزمین‌های اشغالی انجام و «وعده صادق» محقق شد.

۶. هشدار واکنش به عملیات «وعده صادق»: جمهوری اسلامی ایران به دولت آمریکا هشدار داد هرگونه پشتیبانی و مشارکت در ضربه به منافع ایران، پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را در پی دارد؛ همچنین آنها را در برابر کارهای شرارت‌بار رژیم صهیونیستی مسئول دانست. به کشورهای منطقه نیز هشدار داد هرگونه تهدید توسط دولت تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی از مبدأ هر کشوری، پاسخ متقابل و متناسب جمهوری اسلامی ایران به منشأ تهدید را به دنبال خواهد داشت.

ب) ویژگی‌های «وعده صادق»

۱. هماهنگی دیپلماسی و میدان: اقدام جمهوری اسلامی کاملاً هوشمندانه و با در نظر گرفتن همه ابعاد درگیر اتخاذ و اعمال شد. در جریان اجرای این سلی سخت، دیپلماسی و میدان کاملاً هماهنگ عمل کردند و متجاوز به خاک و حریم جمهوری اسلامی را به خاک سیاه نشان‌دادند. در این کارزار سیاسی چین و روسیه به گونه مطلوبی به نفع ایران وارد عمل شدند؛ به همین دلیل تلاش‌های اسرائیل، آمریکا و برخی دیگر از هم‌پیمانان آنان برای تحت فشار گذاشتن سیاسی ایران نیز بی نتیجه ماند؛ این مسئله یکی از مهم‌ترین نتایج هماهنگی خوب میدان و دیپلماسی برای تأمین امنیت و منافع ملی است که ثابت کرد نه میدان در برابر و مزاحم دیپلماسی است و نه دیپلماسی بدون میدان می‌تواند کاری از پیش ببرد.

۲. اولین حمله مستقیم از خاک ایران به خاک اسرائیل: شبکه دوازده تلویزیون رژیم صهیونیستی ادعا کرد ایران برای اولین بار مستقیم از داخل خاک خود به اسرائیل حمله کرده است.

۳. **حمله به پایگاه‌های نظامی اسرائیل:** در جریان عملیات وعده صادق، پایگاهی هدف موشک‌های سپاه قرار گرفت که از دل آن به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران تجاوز رخ داده بود. جمهوری اسلامی ایران برخلاف رژیم صهیونیستی که خانه‌های مسکونی، زنان و کودکان را هدف قرار می‌دهد، مراکز نظامی را منهدم کرد. این ویژگی زمانی قابل فهم است که بدانیم هیچ‌کس جزئت چنین حمله و در این سطح آن هم به نماد اقتدار این کشور یعنی پایگاه نظامی آنها را نداشته است.

ج) دستاوردهای «وعده صادق»

۱. **ثبات تحقق اراده جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل:** آنچه عملیات وعده صادق را سزاوار تحسین و اهمیت می‌کند، فقط ابعاد فنی و تکنیکی آن نیست، بلکه مرکز ثقل این عملیات را باید در «توانمندی و اراده قاطع» جمهوری اسلامی ایران در برابر سازمان سیاسی، نظامی و اطلاعاتی غربی و شرکای منطقه‌ای آن دانست. به اهمیت این بخش از عملیات وعده صادق، بیش و پیش از همه مقام‌های سازمان سیاسی غرب آگاه هستند؛ چراکه آنان تمام ظرفیت‌های منطقه‌ای و جهانی خود را به کار گرفتند تا جمهوری اسلامی ایران را از تصمیم خود منصرف کنند. هرچند پس از آنکه سناریوی منصرف‌سازی ایران نتیجه‌بخش نبود، سناریوهای حمله نکردن از خاک ایران، استفاده نکردن از موشک‌های بالستیک و حمله متناسب را در پیش گرفتند که همه آنان با «اراده قاطع» جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تنبیه رژیم صهیونیستی مواجه شد. رهبر انقلاب علیه‌السلام در دیدار جمعی از فرماندهان فرمودند: «موضوع اصلی در قضایای اخیر، اثبات ظهور قدرت اراده ملت ایران و نیروهای مسلح در عرصه بین‌المللی است نه تعداد موشک‌های شلیک شده و یا به هدف اصابت کرده است».^۱ در واقع نتیجه این عملیات، افزایش اعتماد به نفس و عزت ملی ایرانیان بود.

۲. **افزایش قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران:** نتیجه تهاجم ترکیبی (پهپادی، موشکی، توقیف کشتی و ...)، افزایش قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بود. همچنین این عملیات در بردارنده نکات بسیاری برای کشورهای استکباری به‌ویژه آمریکا و رژیم

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نظامی.

صهیونیستی بود؛ از این رو تجاوز به منافع جمهوری اسلامی ایران با پاسخ قاطع ایران روبرو خواهد شد و به مرور زمان هم رفتار جمهوری اسلامی ایران در تجاوز به منافع خود شدیدتر خواهد بود؛ همچنین اگر رژیم صهیونیستی بخواهد حماقت دیگری را مرتکب شود، با پاسخی به مراتب قوی‌تر و محکم‌تر از آن پاسخ اول روبرو خواهد شد.

۳. قدرت اول مقاومت در منطقه: این عملیات نشان داد برخلاف جو رسانه‌ای، جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن محور مقاومت در بهترین شرایط ممکن به لحاظ قدرت و ایمان و روحیه قرار دارد و محور اسرائیلی - آمریکایی در بدترین شرایط ممکن قرار دارد که نقطه آشکارساز آن در دل عملیات وعده صادق نمایان شد.

۴. اثبات قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران: بیش از سیصد پهپاد و موشک از ایران به سمت رژیم صهیونیستی روانه شدند. مسیر پهپادها نیز مشخص بود و رسماً حرکت پهپادها اعلام شد؛ به گونه‌ای که مردم معمولی در کشورهای گوناگون هم آنها را مشاهده کردند؛ اما با این وجود کوچک‌ترین خللی در نتیجه عملیات و نیز حرکت پهپادها ایجاد نشد. با اینکه انگلیس، آمریکا، فرانسه و اردن در تکاپوی پشتیبانی از رژیم صهیونیستی بودند، تمام اهداف از پیش تعیین شده ایران با دقت و موفقیت مورد اصابت قرار گرفت؛ پانزده موشک به پایگاه هوایی نوادیم، آشیانه اصلی جنگنده‌های F-35 و هفت موشک به پایگاه هوایی رامون اصابت کرد.

۵. پوچی ادعای تدافعی رژیم صهیونیستی و حامیان غربی آنها: عبور پهپاد و موشک‌های سپاه از سامانه پدافندی رژیم صهیونیستی نشان داد این رژیم، همچون خانه عنکبوت به شدت سست است. موفقیت عملیات وعده صادق در شرایطی اتفاق افتاد که در کنار سامانه پدافند رژیم، برخی از کشورها نیز کمک کردند؛ با این وجود باز هم شکست خوردند. با وجود اینکه دشمن از روزهای قبل خود را آماده پاسخ احتمالی ایران کرده بود و سامانه‌های پدافندی مانند گنبد آهنین، فلاخن داود، پیکان، باراک و ... را فعال کرده و از پوشش پدافندی حدود ده کشور، از جمله آمریکا و انگلیس بهره می‌برد و حتی بر آسمان کشورهای منطقه، مانند عراق و اردن تسلط داشتند، باز در عملیات «وعده صادق» که عملیاتی آشکار و ترکیبی با استفاده از پهپاد، موشک کروز و موشک بالستیک بود نتوانست بازدارندگی مناسبی در برابر تهاجم غیورمردان سپاه داشته باشد و در نهایت موشک‌ها به دو پایگاه نظامی رژیم صهیونیستی به عنوان اهداف اصلی سپاه با موفقیت اصابت کردند.

۶. خوشحالی محور مقاومت: همراهی و شادی مردم منطقه به‌ویژه عراق، سوریه، لبنان و دیگر کشورهای جهان در پی تنبیه رژیم صهیونیستی به وسیله نیروهای مسلح کشور جزء وقایع تأمل‌برانگیز بود و چنین برآورد می‌شود که این بار تنبیه و مجازات رژیم صهیونیستی خواسته نه فقط ایرانیان، بلکه همه ملت‌های دنیا بوده است. برکت‌های این اقدام شجاعانه محدود به ساحت امنیتی و نظامی نبود و به‌حق باعث افزایش قدرت نرم نظام اسلامی شد و توانست با ارتقای عزت دینی و اعتماد به نفس اسلامی موجی از شادی و سرور را در جهان اسلام ایجاد کند.

د) پشتوانه‌های موفقیت «وعده صادق»

جمهوری اسلامی پس از جنایت رژیم صهیونیستی به دور از فضای احساسی و هیجانی، با تکیه بر سه اصل بنیادین خود در سیاست خارجی، یعنی «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» و با بهره‌مندی از توان و تجربه نیروهای مسلح خود، برنامه‌ریزی مناسبی را برای اجرای تنبیه دشمن انجام داد. اقدام قهرمانانه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در حمله موشکی و پهپادی به مواضع رژیم غاصب و جنایتکار اسرائیل پاسخی محکم به جنایت اخیر علیه کنسولگری جمهوری اسلامی ایران بود. این اقدام مدبرانه و حکیمانه نشان داد نظام مقتدر اسلامی حقوق ملت خود را با هیچ‌کس و هیچ چیز معامله نخواهد کرد. این عملیات منبعت از چند پشتوانه مادی و معنوی است که باید به آنها توجه داشت:

۱. اولین پشتوانه موفقیت عملیات وعده صادق این باور دینی به کلام خداوند متعال بود که می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^۱؛ از این رو به‌یقین پیروزی نهایی با حزب‌الله خواهد بود و بنابراین هیچ ترس و واهمه‌ای از اجرای چنین عمل صالحی وجود نداشت.

۲. دومین پشتوانه موفقیت این عملیات ایمان قلبی به بیانات و منویات رهبر حکیم انقلاب اسلامی بود؛ آنجایی که رهبر معظم انقلاب چند سال پیش وعده نابودی رژیم صهیونیستی در کمتر از ۲۵ سال آینده را با حول و قوه الهی می‌دهند یا آنجا که مقاومت فلسطینیان را در برابر ظلم و جور صهیونیست‌ها پیروز نهایی می‌خوانند یا زمانی که وعده پاسخ پشیمان‌کننده به اقدام متجاوزانه رژیم منحوس صهیونیستی می‌دهند؛ در همه این موارد ایمان راسخ به تحقق بیانات

۱. مائده: ۵۶.

ولی امر مسلمین و فرماندهی معظم کل قوا در پیش چشمان نیروهای عملیات‌کننده بود.

۳. سومین پشتوانه نیز حمایت عمومی مردم و مطالبه ملی ایرانیان برای پاسخ به تجاوزهای رژیم صهیونیستی بود. اعلام انزجار عمومی مردم از رژیم غاصب صهیونیستی با راهپیمایی میلیونی ایرانی‌ها در اقصی نقاط کشور در روز قدس و درخواست تنبیه رژیم صهیونیستی از اصلی‌ترین پشتوانه‌های موفقیت عملیات وعده صادق به شمار می‌رود.

۴. چهارمین پشتوانه موفقیت را هم می‌توان همکاری و اتحاد و همدلی همه ارکان حاکمیتی در داخل توصیف کرد. همکاری مناسب و حداکثری میان نهادهای دولتی و نیروهای مسلح و همچنین اتحاد و پشتیبانی همه بخش‌های اطلاعاتی، امنیتی و عملیاتی نیروهای مسلح در سه بخش ارتش، سپاه و نیروی انتظامی به منظور تأمین امنیت کامل جغرافیای ایران و مقابله با هرگونه واکنش احتمالی رژیم منحوس صهیونیستی پشتوانه مهمی در موفقیت این عملیات به شمار می‌آید.

نشואهدی بر استیصال رژیم جعلی صهیونیستی

رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در ابتدای طوفان الاقصی فرمودند رژیم صهیونیستی ضربه‌فنی شده و شکست ترمیم‌ناپذیری خورده است و اکنون که چند ماه از جنگ نابرابر در غزه می‌گذرد، با وجود دست برتر جبهه مقاومت در این مدت، از ابتدای سال جاری حوادثی رخ داده است که بیان‌کننده در ماندگی رژیم صهیونیستی در این ماجراست. برخی از این حوادث عبارت‌اند از:

۱. دست‌نیافتن رژیم صهیونیستی به اهداف خود

رژیم صهیونیستی نه تنها به اهداف سه‌گانه‌ای که در حمله زمینی به غزه مطرح کرد (نابودی کامل حماس - تغییر در ساختار حاکمیتی غزه - آزادی همه اسرای‌شان بدون مذاکره)، دست نیافته است و چشم‌انداز روشنی هم برای تحقق آنها نمی‌بیند، بلکه در باتلاق فشار چندجانبه محور مقاومت مذبحخانه در حال دست‌وپازدن است. رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام در این باره فرمودند:

رژیم صهیونیستی دو شکست بزرگ در این حادثه غزه متحمل شد. شکست اول، شکست روز ۱۵ مهر بود، شکست طوفان الاقصی که بنده هم آن وقت گفتم این شکست غیرقابل ترمیم است. واقعاً هم همین‌جور است. تا حالا هم ترمیم نشده و ترمیم نخواهد شد. رژیمی که تکیه‌اش به دقت اطلاعات، به توسعه کار نظامی، تسلط نظامی که ادعا می‌کند که هر پرنده‌ای

پر بزند، زیر چشمش است، یک شکست اطلاعاتی به این عظمت به وسیله یک گروه مقاومت با امکانات محدود متحمل یک چنین شکستی بشود. این شکست ترمیم نشده است و ترمیم هم نخواهد شد. آبروی رژیم صهیونیستی رفت. شکست دوم شکست این شش ماه است. اینها از اولین روزی که وارد میدان شدند برای جبران آن شکست اول، اهدافی را اعلام کردند، هیچ‌کدام از این اهداف در این شش ماه تحقق پیدا نکرده. شش ماه جنگیدن با انواع و اقسام تسلیحات و امکانات و با کمک بی‌دریغ آمریکا، با کمک بی‌دریغ آمریکا. هم کمک تسلیحاتی کرده، هم کمک مالی کرده، هم کمک سیاسی کرده، چند مرتبه قطعنامه‌ها را و تو کرده. نتوانستند کاری بکنند، نتوانستند حتی یک هدف از اهدافی را که ذکر کرده بودند که دنبال هستند، نتوانستند به دست بیاورند. آنها می‌خواستند مقاومت را و به طور خاص گروه حماس را نابود کنند، منهدم کنند، زمین‌گیر کنند و نتوانستند. حماس با قدرت، با توانایی، هم حماس، هم جهاد، مجموعه مقاومت غزه این همه مشکلات را تحمل می‌کنند و تلاش هم دارند می‌کنند، ضربه می‌زنند. همینی که رژیم صهیونیستی به جان زن و کودک می‌افتد، این به خاطر آن است که از برخورد با رزمندگان مقاومت عاجز مانده.^۱

۲. صدور قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم

با وود چند و تو در قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم صهیونیستی توسط آمریکا، این بار قطعنامه علیه این رژیم صادر شد. باز شدن قفل شورای امنیت سازمان ملل و صدور اولین قطعنامه پس از حدود شش ماه نشان داد مهم‌ترین دستگاه پشتیبان رژیم در برابر مقاومت فلسطینی‌ها تسلیم شده است و این مسئله آغاز مرحله‌ای جدید در جنگ غزه را کلید زد.

۳. نابودی قدرت بازدارندگی رژیم در شمال به دست حزب الله

حزب الله لبنان، بازدارندگی رژیم در شمال سرزمین‌های اشغالی را نابود کرده است؛ بیش از چهارصد هزار صهیونیست آواره شده، حاضر به بازگشت به منازل خود در شمال این سرزمین نیستند و این مسئله موجی از اعتراض‌های داخلی را در این رژیم رقم زده است.

۱. بیانات در دیدار رضانی مستولان نظام، ۱۴۰۳/۰۱/۱۵.

۴. حمایت همه دنیا از مردم مظلوم فلسطین

یکی دیگر از شواهد اضمحلال رژیم صهیونیستی، مقابله افکار عمومی این دنیا با این رژیم و در مقابل، حمایت از مردم مظلوم غزه و فلسطین است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در این باره فرمودند: امروز که همه دنیا دارند از فلسطین حمایت می کنند، در خیابان های کشورهای اروپایی، در خیابان های واشنگتن و نیویورک مردم راه می افتند از فلسطین حمایت می کنند، شعار به نفع فلسطین می دهند. مخصوص ما که نیست حالا. می گویند از حزب الله چرا حمایت می کنید؟ یک موردی را نشان دادند که پرچم حزب الله را در یکی از خیابان های یکی از شهرهای آمریکا بلند کردند، مردم دارند در دنیا حمایت می کنند از اینها. اینها مقاومت اند، اینها غیرت اند، اینها ضد ظلم اند.^۱

۵. تظاهرات داخلی در سرزمین های اشغالی

تظاهرات ضد نتانیاهو در تل آویو و کارگردانی مخالفان نتانیاهو نشان داد اوضاع داخلی اسرائیل در حال به هم ریختن است؛ در حالی که شکاف ارتش و دولت هم به ضرر اسرائیل و شخص نتانیاهو به درگیری جدید تبدیل شده است.

۶. بن بست رژیم در تداوم حملات

رژیم در بن بست راهبردی گرفتار شده است؛ از یک سو هیچ دستاوردی در میدان نداشته است و از سوی دیگر برای حمله به رفح با مشکلات جدی از جمله اختلاف شدید با آمریکا روبرو شده است که نشانه آن تصویب قطعنامه اخیر در شورای امنیت علیه رژیم بود.

با وجود این شواهد، شکست رژیم جعلی صهیونیست قطعی است و به فرموده مقام معظم رهبری علیه السلام: «شکست رژیم صهیونیستی قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد. ... صهیونیست ها در یک تله ای افتادند به دست خودشان. خودشان را در یک تله ای انداختند که امکان نجات شان وجود ندارد و روز به روز رژیم ضعیف تر خواهد شد و زوال و انهدام ان شاء الله نزدیک تر خواهند شد».^۲

۱. بیانات در دیدار با کارگران، ۱۴۰۳/۰۲/۰۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=56147>

۲. بیانات در دیدار رضانی مسئولان نظام، ۱۴۰۳/۰۱/۱۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=55950>

چگونه روزه بخوانیم: از طراحی تا اجرای مرثیه

حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا نیکوکلام*

اشاره

هرسال با فرا رسیدن ایام و لیالی تبلیغ، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های برخی از طلاب و مبلغان، اختصاص به بخش پایانی سخنرانی یعنی مرثیه‌خوانی دارد. اهمیت چشمگیر مرثیه‌خوانی در تبلیغ به‌ویژه ایام محرم صفر به گونه‌ای است که در برخی مناطق، عیار کار مبلّغ را با آن می‌سنجند. متأسفانه گاهی شنیده می‌شود برخی از طلاب به سبب آنکه نمی‌توانند روزه و مرثیه بخوانند، منبر یا تبلیغ نمی‌روند؛ درحالی‌که با آموزش چند روش و تکنیک مهم و کاربردی این نگرانی برطرف خواهد شد.

پرسش‌های متداول مبلغان در موضوع مرثیه‌خوانی پایان منبر از این قبیل است:

۱. چگونه از ابتدای مرثیه تا انتها را چینش و طراحی کنیم؟

۲. کسانی که صدای چندان زیبایی ندارند، چگونه روزه و مرثیه بخوانند؟

این نوشتار کوشیده است به اختصار این دو پرسش به گونه‌ای کاربردی پاسخ داده شود.

طراحی روزه

بی‌تردید اگر روش‌هایی که در ادامه بیان می‌شود، به‌درستی اجرا شود، دیگر هیچ مبلّغی دغدغه خواندن مرثیه آن هم به‌طور کاربردی را نخواهد داشت. با این شیوه می‌توان روزه‌های سه تا سی دقیقه‌ای را طراحی و اجرا کرد.

* دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

گام نخست: مشخص کردن موضوع و مخاطب مرثیه

گام اول برای تدوین یک مرثیه، مشخص شدن مرثیه است که برای کدام شخصیت یا مناسبت باشد؛ برای مثال در دهه اول محرم، قرار است مرثیه کدام شب را طراحی کنید.

هر منطقه‌ای در شب‌های محرم از حیث نام‌گذاری، آداب و رسوم خاصی را دارند؛ اما در بیشتر مناطق و استان‌ها ترتیب شب‌های محرم به این شکل است:

شب اول: جناب مسلم بن عقیل؛ شب دوم: ورود کاروان آل‌الله به کربلا؛ شب سوم: نازدانه رقیه؛ شب چهارم: اصحاب - فرزندان عبدالله بن جعفر (معروف به طفلان زینب)؛ شب پنجم: حضرت عبدالله بن حسن؛ شب ششم: حضرت قاسم بن حسن؛ شب هفتم: طفل رضیع کربلا علی‌اصغر؛ شب هشتم: حضرت علی‌اکبر؛ شب نهم: تاسوعا (حضرت ابوالفضل)؛ شب دهم: عاشورا؛ شب یازدهم: شام غریبان.

درباره مخاطب نیز باید مشخص شود که برای چه کسانی باید مرثیه بخوانید؛ به عبارت دیگر مخاطبان عام هستند، مانند عموم مردم یا مخاطب خاص مانند جوانان، نوجوانان هیئتی، دانش‌آموز یا دانشجو؛ حتی جنسیت و سطح دانش مخاطب نیز در نوع طراحی مرثیه اهمیت دارد؛ مثلاً برای بانوان بار احساسی آن بیشتر است یا مرثیه‌خوانی در جمع عالمان و فرهیختگان مستند و مستدل‌تر است.

گام دوم: شروع روضه با سلام و صلوات

این مرحله که سرآغاز مرثیه‌خوانی است و با اتمام سخنرانی شروع می‌شود، چند نکته اهمیت دارد:

۱. برخی علاقمندان هر شب را با مناجات امام زمان آغاز کنند؛ از این‌رو باید سلام ابتدایی را به محضر حضرت حجت تقدیم نمایند. اگر با سلام بر امام زمان آغاز کردید، می‌توانید دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّتِ بْنِ الْحَسَنِ» را بخوانید؛ اما اگر قرار است مرثیه همان شب را بخوانید، مثل مرثیه حضرت علی‌اکبر، سلام را به محضر شخصیت آن شب تقدیم کنید.
۲. سلام مأثور باشد؛ یعنی از کتب معتبر، زیارت‌نامه‌ها و ادعیه‌ها استخراج شود.
۳. عبارات سلام را به‌دقت یادداشت و اعراب‌گذاری کنید و قبل از اجرا، چندمرتبه تکرار و تمرین نمایید تا در تلفظ واژگان دچار لغزش و غلط‌خوانی نشوید.

چگونه روضه بخوانیم: از طراحی تا اجرای مرثیه ■ ۱۵۷

۴. سلام را با نغمه و سبکی حزین اجرا کنید و اگر قرار است بدون سبک بخوانید، آن را شمرده و با حالتی حزین بخوانید.

گام سوم: انتخاب شعر مناسب

پس از طراحی سلام ابتدایی، نوبت انتخاب اشعار است. در انتخاب شعر باید به این موارد توجه شود:

۱. سخت‌گیری کردن در انتخاب اشعار: هر شعر زیبایی معلوم نیست مناسب جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

۲. تعارض نداشتن با گزارش‌های تاریخی: در انتخاب شعر توجه داشته باشید افزون بر احساسی بودن، با اصول دینی و گزارش‌های تاریخی در تعارض نباشد.

۳. انتخاب مناسب تعداد ابیات شعر: تعداد ابیات شعر متناسب با مدت زمانی که وقت دارید، انتخاب کنید؛ برای مثال اگر ده تا پانزده دقیقه زمان مرثیه‌خوانی است، لازم نیست ابیات طولانی انتخاب کنید؛ اما اگر زمان بیشتری داشتید، از ابیات بیشتری بهره‌مند شوید.

۴. انتخاب قالب مناسب: قالب اشعاری که در ابتدای مرثیه‌خوانی استفاده می‌شود، معمولاً غزل، قصیده و مثنوی است.

۵. انتخاب شعر از سایت‌ها و کانال‌های مجازی: برای انتخاب اشعار می‌توانید با رجوع به برخی سایت‌ها و کانال‌های مجازی زودتر دسترسی داشته باشید؛ مانند سایت شعر هیئت، سایت امام هشتم مدح و مرثیه، سایت حدیث اشک، سایت شهید آوینی و ...

۶. انتخاب اشعار ساده: اشعار هرچه روان و ساده‌تر باشد، مخاطب آنس بهتر می‌پیدا می‌کند.

گام چهارم: مقدمه‌سازی

حساس‌ترین و اصلی‌ترین مرحله طراحی مرثیه برای تحریک احساس مخاطب، مقدمه‌سازی است. گاهی برخی از طلاب و مداحان گلایه می‌کنند که چرا مخاطبان هنگام مرثیه‌خوانی ما حس و حال گریه و بکا ندارند؛ اما با اجرای دیگر افراد متأثر می‌شوند؟ یا چرا برخی شب‌ها روضه ما اثرگذارتر از شب‌های دیگر است؟

در پاسخ به دو پرسش بالا باید گفت یکی از دلایل تأثیرگذاری مرثیه بر مخاطب این است که

قبل از ورود به متن اصلی مرثیه، خوب مقدمه‌سازی نمی‌شود؛ به عبارت دیگر دل مخاطب از قبل آماده شنیدن مرثیه نمی‌شود.

تجربه‌ها نشان می‌دهد هر اندازه مقدمه‌سازی مرثیه دقیق‌تر و هوشمندانه اجرا شود و وقت بیشتری برای این مرحله گذاشته شود، اثرگذاری مرثیه نیز بیشتر می‌شود.

بعد از خواندن شعر و قبل از پیاده‌کردن متن مرثیه و مقتل، می‌توان از این چند روش برای مقدمه مرثیه استفاده کرد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱. داستان و حکایت

نقل داستان‌ها و کرامت‌های اهل بیت علیهم‌السلام، بهترین روش برای مقدمه‌سازی مرثیه برای مجالس عمومی، جوانان، دانشجویان، دانش‌آموزان است.

در بحث داستان به این چند نکته توجه کرد: داستان‌ها مستند و معتبر باشد؛ در اذهان مخاطبان غلوآمیز و اسطوره‌ای نباشد؛ داستان به‌زیبایی طراحی شود و با واژگان احساسی نقل گردد.

برای استفاده از داستان‌ها، باید از کتاب‌های معتبر در این‌باره استفاده کرد. استادانی همچون حجج اسلام هاشمی‌نژاد، انصاریان و مؤمنی این روش را به کار می‌برند.

۲. نقل آیات و تفسیر

می‌توان برای مقدمه‌سازی مرثیه، به برخی آیات و تفاسیر رجوع و از آن استفاده کرد؛ مثل آیاتی که نگرانی‌های مادر موسی را بیان می‌کند و دلهره و اضطراب مادرانه در به‌آب‌انداختن فرزندش را بیان می‌کند که از این مقدمه برای مرثیه شب هفتم محرم یعنی روضه علی اصغر می‌توان استفاده کرد؛ همچنین از ماجرای ذبح اسماعیل که در آیات قرآن به آن اشاره شده و در کتب تفسیری تفصیل بیشتری داده شده است می‌توان برای مقدمه مرثیه شهادت حضرت علی اکبر استفاده کرد. از دیگر ماجراهایی همچون گریه‌های یعقوب در فراق فرزند هم می‌توان برای مقدمه‌های جانسوزی روضه‌ها به کار برد.

برای آشنایی با این روش می‌توانید از کتاب نهضت حسینی در پرتو قرآن (روضه‌های قرآنی) نوشته ارزشمند استاد قرائتی استفاده کنید؛ در این کتاب آیه‌ای مناسب روضه حضرت مسلم علیه‌السلام،

چگونه روضه بخوانیم: از طراحی تا اجرای مرثیه ■ ۱۵۹

آیه‌ای مناسب روضه عطش، آیه‌ای مناسب روضه حضرت علی اصغر علیه السلام، آیاتی مناسب روضه حضرت علی اکبر علیه السلام، آیه‌ای مناسب روضه حضرت قاسم علیه السلام و آیه‌ای مناسب روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام آورده شده است.

۳. روایات

گنجینه روایات شیعه یکی از بهترین منابعی است که می‌توان مقدمه‌های روایی و احساسی را از آنها به دست آورد. در این باره لازم است مبلّغ متن روایت را حتماً ببیند و به نقل برخی استادان بسنده نکند. از جمله کارهایی که در نقل روایات می‌توان به کار برد، به این ترتیب است: نقل بخشی از عبارات عربی روایت، بیان ترجمه صحیح از عبارات متناسب با سطح دانش مخاطبان. در استفاده از این روش، آثاری چون: کامل الزیارات ابن قولویه قمی، امالی شیخ صدوق، بحار الانوار علامه مجلسی، البکاء علامه میرجهانی و کتاب قتیل العبره اثر استاد میرباقری قابل استفاده است.

۴. حرف دل

گاهی قبل از خواندن متن اصلی مرثیه، درد دل و مناجات با اهل بیت علیهم السلام تأثیرگذار است؛ به شرط آنکه از قبل برنامه‌ریزی شده باشد؛ چراکه بداهه‌گویی کاری مشکل است که شاید هر کسی از عهده آن بر نیاید. هرچه حرف دل با زندگی مخاطب اتصال بیشتری داشته باشد و زبان حال مستمعان باشد، اثرگذاری آن بیشتر خواهد بود. در این بخش می‌توان از پشیمانی گناهان، میل به بازگشت به درگاه اهل بیت علیهم السلام، فراق و دوری از کربلا، امید به برآورده شدن حاجات و دعوات و ... استفاده کرد.

گام پنجم: استخراج متن اصلی مرثیه از مقاتل

استخراج متن اصلی مرثیه و تدوین آن، همواره یکی از دغدغه‌های متداول طلاب بوده است که نمی‌دانند از کجا و چگونه متن اصلی مرثیه را از کتب تاریخی و مقاتل پیاده‌سازی کنند.

منابع مورد استفاده در این بخش بسیار هستند؛ اما برخی از کتب ارزشمند مقتل که می‌توان از آنها در ایام محرم و صفر بهره‌مند شد، عبارت‌اند از:

لهوف نوشته سیدبن طاووس، خصائص الحسینیة نوشته شیخ جعفر شوشتری، نفس

المهموم نوشته محدث قمی، ابصار العین نوشته علامه سماوی، فُرسان الهیجاء نوشته شیخ ذبیح‌الله محلاتی، مقتل ثارالله نوشته مرحوم عندلیب همدانی، مقتل جامع سیدالشهدا اثر مرحوم پیشوایی، دانشنامه شهادت امام حسین علیه السلام از مرحوم ری‌شهری، قصه کربلا نوشته استاد نظری منفرد و ...

پس از معرفی برخی مقاتل، پرسش این است که چگونه متن مرثیه را از درون این منابع استخراج کرد؟ برای این کار کافی است با کمک خلاقیت و هنر خود مراحل زیر را انجام دهید:

۱. متن کامل گزارش مقتل در رابطه با موضوع (مثلاً حضرت مسلم بن عقیل) مطالعه شود و تمام گزارش را از ابتدا تا انتها بررسی کنید.

۲. انتخاب بخش‌هایی که قرار است برای مرثیه استفاده شود؛ برای مثال متن مقتل جناب مسلم بخش‌های مختلفی به این ترتیب دارد: عبارات ارزشمند و مرثیه و گریه‌ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حضرت مسلم به جناب عقیل فرمودند، ورود او به کوفه و بیعت گرفتن، بیعت شکنی کوفیان و تنهایی مسلم، حضور در خانه طوعه، هجوم دشمنان برای دستگیری مسلم، زخمی شدن مسلم و آوردن او نزد عبیدالله، طلب آب مسلم، وصیت مسلم، مسلم در بالای دارالاماره، جداکردن سر مسلم بن عقیل، خیردادن شهادت مسلم به حضرت حسین علیه السلام و بخش‌های دیگری که هر کدام به تنهایی می‌تواند متن اصلی مرثیه را شکل دهد، البته به شرط آنکه با خلاقیت پرورش داده شود.

نکته: می‌توان تمامی این گوشه‌ها را در مرثیه بعد از سخنرانی اجرا کرد؛ اما اگر قرار است مداحان بعد از منبر برنامه اجرا کنند، تنها بخشی از مرثیه خوانده شود.

۳. پس از انتخاب گوشه‌ای از مرثیه، عین عبارت مقتل در فایل یا کاغذی یادداشت می‌شود؛ آن‌گاه آن را ساده‌نویسی کنید، یعنی عبارت‌های دشوار و حالت نوشتاری آن را به عبارت‌های گفتاری و روان تبدیل کنید.

۴. پس از ساده‌نویسی متن، می‌توانید برخی عبارت‌های زبان حال و برداشت‌های صحیح یا تطبیق حوادث کربلا با وقایع روز را در این بخش اضافه کنید تا متن اصلی مرثیه شکل بگیرد.

گام ششم: مشخص کردن اوج مرثیه

مشخص کردن اوج مرثیه، حزن‌آورترین و اصلی‌ترین بخش مرثیه‌خوانی است که برای طراحی و

اجرای آن باید به چند نکته توجه شود:

۱. در قسمت اوج، اصلی‌ترین و حساس‌ترین بخش مرثیه انتخاب و با نُت بالا اجرا شود؛ به عبارت دیگر با صدایی رساتر خوانده می‌شود.
۲. بهتر است در این بخش با استناد به منابع و مقاتل، عبارت‌های حزن‌انگیز عربی آورده شود؛ مثلاً در مرثیه علی اکبر یکی از نقاط اوج با این عبارت خوانده می‌شود: «وَضَعَ خَدَّهُ عَلٰی خَدِّهِ: بابا صورت روی صورت پسر گذاشت».
۳. گاهی در این بخش عبارت‌های مُحرک احساس استفاده می‌شود؛ مانند «یا صاحب‌الزمان معذرت می‌خوام»، «سادات منو بیخشند» و ...
۴. گاهی در این بخش اشعار زمزمه‌ای نیز خوانده می‌شود که با همت شاعران اشعار زمزمه‌ای فراوانی سروده شده است؛ از جمله: جوانان بنی هاشم بیاید» و

گام هفتم: فرود مرثیه

در این مرحله با خواندن چند بیت کوتاه یا به‌کار بستن عباراتی مثل «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ؛ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» مرثیه را به پایان می‌بریم.

اجرای روضه

مرحله قبل مربوط به فضای بیرون جلسه است که از قبل باید طراحی شود؛ اما این مرحله نوبت اجرای متن طراحی شده روضه است؛ در واقع این مرحله مربوط به زمان اجرا در جلسه و پس از اتمام سخنرانی است.

قبل از آنکه به چگونه روضه خواندن بپردازیم، باید این نکته را یادآور شویم که معمولاً طلاب محترم برای مرثیه‌خوانی یکی از دو روش را انتخاب می‌کنند که هر کدام فنون و مهارت‌های خاص خود را دارد: مرثیه‌خوانی با نوا و مرثیه‌خوانی بی‌نوا.

روش اول: مرثیه‌خوانی با نوا

در این روش، روضه‌خوان با تکیه بر صوت و با استفاده از فنون آوازی، روضه می‌خواند؛ لازمه این روش آن است که صوت باید گیرایی و گرمی خاصی داشته باشد و داشتن صدای نسبتاً قوی نیز اهمیت دارد. این روش با دانایی و به‌کارگیری فنون صداسازی صوت تقویت می‌شود.

متأسفانه گاهی برخی از طلاب با برخی اندیشه‌های نادرست، مانند از سن‌وسال ما گذشته، ما هرچقدر خواندیم نشد، ما استعداد خواندن نداریم، صدای ما ضعیف است و ... خود را از اکتساب این فنون محروم می‌کنند؛ درحالی‌که صدا در سنین مختلف قابلیت تقویت و زیباسازی دارد که در این مقال مجال پرداختن به آن نیست.

روش دوم: مرثیه‌خوانی بی‌نوا

این روش برای هر کسی که سخنرانی می‌کند، قابل اجراست و اگر به‌خوبی پیاده‌سازی شود، گاهی از خواندن با صوت نیز اثرگذارتر خواهد بود. این روش گرچه به صورت بیانی و بدون صوت اجرا می‌شود، برای آنکه کارایی و اثرگذاری داشته باشد، به آشنایی با فنونی نیاز دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

برای خواندن روضه‌های بی‌نوا، بعد از تولید و طراحی محتوای صحیح، مراحل زیر را به‌ترتیب اجرا کنید:

۱. تصویرسازی

اولین گام برای خواندن مرثیه، تصویرسازی محتوای نوشته شده است؛ برای مثال زمانی که یکی از خاطرات یا حوادث زندگی خودتان را به یاد می‌آورید، سپس محتوایی را که خوب در ذهن‌تان تصویرسازی کرده‌اید، با کلمات و واژگانی زیبا به مخاطب انتقال می‌دهید؛ به عبارت دیگر تمام آنچه را که نوشته‌اید، به گونه‌ای که گویا تمام صحنه را از نزدیک می‌بینید، دقیق و هنرمندانه برای مخاطب بیان نمایید.

این کار منجر به چند نکته می‌شود: روضه مرحله‌به‌مرحله پیش می‌رود و آشفته‌خوانی نمی‌شود؛ روضه با جزئیات کامل بیان می‌شود؛ چون صحنه برای متکلم تصور شده است، در افزایش و ایجاد حزن برای خود او نیز مؤثر خواهد بود.

۲. حزین کردن صدا

بیان کردن تمام مطالب با حزن و اندوه کارایی بسیاری در مخاطب دارد. برای حزین کردن صدا چند روش وجود دارد:

الف) اگر خودتان را در فضای روضه قرار دهید، به گونه‌ای که گویا تمام صحنه‌ها را می‌بینید

چگونه روضه بخوانیم: از طراحی تا اجرای مرثیه ■ ۱۶۳

و با جزئیات نقل می‌کنید، این کار سبب می‌شود از تصورکردن این حوادث درک بهتر و حزن بیشتری پیدا کنید و به عبارت دیگر بسوزید و بسوزانید.

ب) حالت گریه و حُزن به صدای خود بدهید؛ گفتنی است ما نمی‌خواهیم تصنعی کار کنیم، اما تباکی و صدای خود را حزن کردن غیر از بازیگری است.

۳. اجرای دقیق اوج و فرود صدا

در این مرحله ابتدای مرثیه را با صدا و گامی پایین اجرا کنید و هرچه به اوج روضه نزدیک‌تر می‌شوید، صدا را نیز بلندتر کنید، مراقب باشید به صدای خود فشار نیاورید و فریاد نزنید؛ چراکه گام بالا خواندن با داد و فریاد متفاوت است.

۴. ادای واژگان بالحن صحیح

بیشترین سهم در اثرگذاری روضه‌های بی‌نوا را واژگان دارند؛ هر کلمه بار معنایی خاص خود را دارد؛ از این رو در انتقال روضه و مرثیه واژگانی را انتخاب کنید که بار احساسی بیشتری دارند. احساسات و لحن گوینده بسیار مهم است؛ به همین دلیل مبلغ می‌تواند با احساسات و لحن کلام خود موجب ایجاد شادی و سرور یا حزن و غم یا حماسه در مخاطب شود. کسانی که افزون بر هماهنگی احساسات خود با لحن روضه، آن را با هنرمندی ابراز می‌کنند، روضه‌هایشان محبوبیت و گیرایی بیشتری نزد مخاطبان خواهد داشت.

۵. توجه به سرعت و فرصت کلام

سرعت به‌کارگیری کلمات و جملات در روضه‌خوانی بی‌نوا اهمیت دارد؛ گاهی باید برخی جملات آرام‌آرام و برخی با سرعت بیشتری بیان شود.

۶. برقرای ارتباط با مخاطب

گاهی لازم است بین مرثیه، ارتباط مستقیمی با مخاطب برقرار کنید و جملاتی را بیان کنید که بین آنها و روضه پیوند برقرار می‌کند؛ مثلاً بیان احساسات مادرانه در روضه‌ی علی‌اصغر علیه‌السلام، محبت پدر و دختری در روضه‌ی حضرت رقیه، گره‌گشایی در در روضه‌ی قمر بنی‌هاشم و... تأثیرگذاری بسیار خوبی دارند که اگر تحریک احساس مخاطب در روضه‌خوانی بی‌نوا به‌خوبی اتفاق بیفتد، تأثیرگذاری نیز بیشتر خواهد شد.

امیدواریم اجرای صحیح این مراحل روضه‌خوانی، مدل منبر و روضه‌برخی از طلاب را تغییر و ارتقا دهد؛ همچنین به‌کارگیری این روش‌ها، علاقه آنان را به روضه‌خوانی بیشتر کند و نیز سبب ایجاد رغبت بیشتر مخاطبان برای استماع مرثیه‌ها گردد.